www.takbook.com

«فارغ از مغیلان در بیابان»

مقالاتی در سیاست و سینما

دکتر بشیر اسماعیلی گنهرانی
دکتر احسان اقبال سعیدی

مهرآرایش

www.takbook.com

www.takbook.com

www.takbook.com

«فارغ از مغیلان در بیابان»

مقالاتی در سیاست و سینما

دکتر بشیر اسماعیلی گنهرانی
دکتر احسان اقبال سعیدی ابواسحقی

تهران، ۱۴۰۰

www.takbook.com

سرشناسه: اسماعیلی گنهرانی، بشیر، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور: فارغ از مغیلان در بیابان: مقالاتی در سیاست و سینما/ بشیر اسماعیلی گنهرانی، احسان اقبال سعیدی ابواسحقی.
مشخصات نشر: تهران: مهرراوش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص. ۱٤,۵*۲۱,۵ س‌م.
شابک: ۲ـ۷۹ـ۷۱۱۹ـ۶۰۰ـ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
عنوان دیگر: مقالاتی در سیاست و سینما.
موضوع: سیاست در سینما
موضوع: سینما ـ ـ جنبه‌های سیاسی
موضوع: سینما ـ ـ نقد و تفسیر
شناسه افزوده: اقبال سعیدی ابواسحقی، احسان، ۱۳۶۵-
رده‌بندی کنگره: PN۱۹۹۵/۹
رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/٤۳۶۵۸
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵٤۳۸۹۱

«فارغ از مغیلان در بیابان»

مقالاتی در سیاست و سینما

نویسندگان: **دکتر بشیر اسماعیلی گنهرانی**
دکتر احسان اقبال سعیدی ابواسحقی
ناشر: **مهرراوش**
چاپ و صحافی: **نسیم**
نوبت چاپ: **اول ـ ۱٤۰۰**
شمارگان: **۱۰۰ نسخه**
قیمت: **۵۰ هزار تومان**
شابک: **۲ـ۷۹ـ۷۱۱۹ـ۶۰۰ـ۹۷۸**

نشانی: تهران ـ خ انقلاب ـ خ ۱۲ فروردین ـ خ نظری غربی ـ پ ۹۹ ـ ط ۵ ـ واحد ۱۰
تلفن: ٦٦۹۷۳۸۲۲ نمابر: ٦٦۹۷۳۸۲۳

www.takbook.com

فهرست

□ مقدمه..... ۷

بخش ۱. سینما و سیاست

□ شبیه‌سازی نظام‌های سیاسی در سریال مردگان متحرک..... ۱۳
□ طعن و کنایه به توسعه‌نیافتگی سیاسی در شرق؛ نقد سیاسی فیلم مکس دیوانه ۱۹
□ بازی تاج و تخت و مفاهیم سیاسی مستتر..... ۲۷
□ زامبی‌ها از سیاست خارجی به ما چه می‌گویند؟..... ۳۵
□ ایران‌هراسی در هالیوود؛ از آرگو تا سیصد ۴۳
□ تاریخچه کوتاه بازنمایی ایران در هالیوود..... ۵۵
□ هالیوود همواره بدنبال یک دشمن در ورای مرزهاست..... ۶۳
□ هالیوود علیه کمونیسم..... ۷۵
□ هالیوود علیه رنگین‌پوستان ۸۷
□ بازی تاج و تخت؛ وحشت از تروریسم بین‌المللی..... ۹۳
□ برکینگ بد؛ برداشت‌هایی از مصادیق سیاست خارجی آمریکا ۹۹
□ سینمای انتقادی در آمریکا؛ زخم‌های ادامه‌دار سیاهان ۱۰۵
□ کرونا، مردگان متحرک و جهان ما!..... ۱۱۱
□ سینمای انتقادی در آمریکا؛ نمایش زوال سرمایه اجتماعی۱۱۷

www.takbook.com

□ بومی‌گرایی در سینمایی علی حاتمی و هایائو میازاکی ۱۲۳
□ اصغر فرهادی، اسکار و سیاست ۱۲۹
□ مجموعه تلویزیونی «Homeland»؛ رواج ترس از مسلمانان و ایرانیان ۱۳۵
□ نگاهی دوباره به سریال «تهران» به بهانه ترور شهید فخری‌زاده ۱۴۹

بخش ۲. هویت، ژئوپولیتیک و سیاست خارجی

□ عاشورا و سیاست خارجی ۱۵۷
□ شأن و منزلت در سیاست خارجی ایرانیان ۱۶۵
□ رهبری، موشک‌ها و بازدارندگی در سیاست خارجی ۱۷۵
□ در ثنای سینما ۱۸۱
□ نان جوین بایدن، سماع بن سلمان! ۱۸۹
□ جهان کارمند و کالا ۱۹۵
□ تماشای حاجی واشنگن ۲۰۱
□ برای آن خسرو شیرین دهان ۲۰۷
□ ترور یا تئوری جنگل کاتین ۲۱۱

www.takbook.com

□ مقدمه

www.takbook.com

www.takbook.com

در جهان مجعد سیاست و اجتماع که هر صنم را هـزار سـنان در کمـین است نگاشتن از مقولاتی چون سیاست و سینما چون برداشتن قطـره‌ایـی ممد حیات از صحاری داغ موحش‌ترین بیابان‌هاست. باری مهـر مـیهن و آیین چون به اذهان جستجوگری که پـی گـشودن دری هـستند مـستولی می‌شود هیچ پروا و ابا را یاری ایستادن نیست. مقالات منـدرج در کتـاب حاصل نگاشته‌های مستمر اینجانبان در رسانه‌هـای متعـدد اسـت کـه در اینجا مجتمع گشته تا ثبت شود تا مگر در عهد فراموشی اسـباب دوامـی شود و عاقبت بخیری... و تا چه شود به عاقبت و چه در نظر آید.

دکتر بشیر اسماعیلی گنهرانی
دکتر احسان اقبال سعید ابواسحقی

www.takbook.com

www.takbook.com

بخش ۱

سینما و سیاست

www.takbook.com

www.takbook.com

□ شبیه‌سازی نظام‌های سیاسی

در سریال مردگان متحرک

www.takbook.com

www.takbook.com

در حالی شبکه «ای ام سی» آمریکا پخش فصل هشتم مجموعه The Walking Dead (مرده متحرک) را از سر گرفته که داستان این سریال از محوریت جدال زامبی‌ها یا همان مردگان متحرک با انسان‌های بازمانده، رفته رفته به سمت تقابل گروه‌های انسانی با همدیگر سوق پیدا کرده است.[1] در وضعیت کنونی، پنج کلونی اصلی در حوالی شهر ویران‌شده واشنگتن قرار دارند. این پنج کمپ که هر کدام نماینده یک مدل از نظام سیاسی و شکل حکومت‌داری در نظام بین‌الملل کنونی هستند شامل هیل تاپ، الکساندریا، مقر فرماندهی ناجی‌ها، مقر پادشاهی و کمپ آشغال‌جمع‌کن‌ها هستند. تقابل اصلی بین الکساندریا (که رهبری آن را قهرمان اصلی داستان «ریک» بر عهده دارد) با ناجی‌ها (که تحت فرمان «نیگان» هستند) است. در این میان «هیل تاپ» و «پادشاهی» با «ریک» و «آشغال‌جمع‌کن‌ها» متحد با «ناجی‌ها» شده‌اند.

نیگان؛ مدل ناطلوب: دیکتاتوری‌های معطوف به حفظ امنیت

نیگان، رهبریِ کلونیِ گسترده و در عین حال یکپارچه ناجی‌ها را بر عهده دارد. ناجی‌ها نظام طبقاتی ظالمانه ولی در عین حال منظم و کار آمدی را پایه‌ریزی کرده‌اند. آنها با به خدمت گرفتن جنگجویان پر تعداد، از بقیه کمپ‌ها باج می‌گیرند و امورات خود را از این طریق می‌گذرانند.

---

۱. در زمان نگارش این یادداشت

www.takbook.com

نیگان و ناجی‌ها نماد رژیم‌های توتالیتر یا اقتدارگرایی هستند که با تکیه بر نقش خود در اعاده امنیت و با گوشزد کردن وضعیت نابسامان امنیتی محیط پیرامونی، افراد را به پیروی و اطاعت از خود وا می‌دارند. کارکردهای حکومت ناجی‌های برای کنترل زیردستان خود عبارت هستند از:

- اعمال خشونت عریان و شدید
- مغز شویی و کادر سازی
- نظام پیچیده پاداش ـ مجازات

نیگان، رهبر این جامعه است که با لوسیل (یک چماق پوشیده با سیم خاردار!) بین افرادش چرخ می‌زند و چماق را بر سر معاندان خود می‌کوبد. او جمعی از نیروهای وفادار به سیستم را در حلقه پیرامونی خودش راه داده و بقیه را در قالب کارگر و خدمه به کار گرفته است. نیگان خشونت را مهم‌ترین عامل در حکومت بر نظام ناجی ها و کلونی‌های تحت فرمان آنها تلقی می‌کند. او به همراهانش می‌گوید: «خشونت! همه چیزایی که داریم از همین خشونته!»

در عین حال همه ناجی‌ها به نوعی از انقیاد ایدئولوژیک و اطاعت درونی از نیگان رسیده‌اند به حدی که همگی خودشان را نیگان می‌دانند و از دیدگاه آنها فرار از استیلای او ناممکن است. نیگان به راحت‌طلبی، فساد و فتیشیسم و بهره‌کشی از فرودستان رو آورده است، با این حال ناجی‌ها و کارگرانی که در خدمت آنها هستند به خاطر امنیت، سرپناه و غذایی که در این شرایط خطرناک دنیا بدست آورده‌اند، شرایط ظالمانه نیگان را تحمل می‌کنند.

نیگان طیف متنوعی از رژیم‌های توتالیتر مدل شوروی و آلمان شرقی

www.takbook.com

تا دیکتاتوری‌های شمال آفریقا را تداعی می‌کند؛ او هم مثل «برادر بزرگ» در زمان ۱۹۸٤ جورج اورول همه چیز را تحت نظر دارد و در روح و ذهن افراد نفوذ کرده است و هم مثل قذافی و مبارک، در عین فساد و ظلم، در فقدان او قلمرو و مردمش به سمت آشوب و از هم پاشیدگی سیر می‌کنند. همان‌طور که در خلوت اجباری او و «کشیش گابریل»، وقتی گابریل از نیگان می‌خواهد اعتراف و بعد توبه کند، نیگان در پاسخ می‌گوید که مردم داخل کمپ به خاطر وجود او زنده‌اند و در نبود وی به جان هم می‌افتند، چیزی که عملاً هم در غیبت موقتی نیگان رخ می‌دهد.

ریک؛ مدل مطلوب: دموکراسی با گرایش نومحافظه‌کاری

سفر دراز و پر حادثه ریک که به قیمت از دست دادن عزیزان و مواجهه با سختی‌های بی‌شمار بود، اینک او و همراهانش را به افرادی با تجربه و قوی بدل کرده است. ریک در الکساندریا نمونه‌ای از نظام دموکراسی مدرن بوجود آورده است؛ مدلی از دموکراسی که او بعد از بارها آزمون و خطا به آن رسیده است و از نظر تلفیق اولویت‌بندی‌های امنیتی و نظامی با دموکراسی، به خط مشی‌های جمهوریخواهان آمریکا بسیار شباهت دارد.

در عین حالی‌که ریک قدرت و آمادگی نظامی را در اولویت اهداف خود برای حفظ الکساندریا قرار می‌دهد اما در عین حال وانمود می‌کند از پایبندی به حقوق بشر و ارزش‌های انسانی نیز حمایت می‌کند. آنها هرجا دل رحمی و تزلزل نشان دادند، بهای سنگینی پرداخت کرده‌اند. جدال ریک با نیگان و ناجی‌های در خدمت او، نمادی از جدال

www.takbook.com

دموکراسی با اقتدارگرایی، توتالیتاریسم و دیکتاتوری را بازنمایی می‌کند. مفهومی که از فصل هفت شروع و در فصل هشتم به موتیف اصلی این مجموعه بدل شده است.

مدل رهبری ریک بر الکساندریا به‌طور «پایان تاریخ واری»[1] در حال گسترش است؛ مثلاً در هیل تاپ، رهبر فاسد و ناکارآمد آن به وسیله یک شبه کودتا ساقط می‌شود و «مگی»، زنی که دست پرورده مکتب ریک است قدرت را به دست می‌گیرد. در عین حال «شاه ازیکل» در کمپ پادشاهی، هرچند نمونه یک مونارشی کاریزماتیک را ارائه می‌کند، اما رفته رفته جذب ایده قدرتمندی ریک شده و نهایتاً در حمله به نظم ظالمانه ناجی‌ها با او هم پیمان می‌شود. نابودی نیگان و پیوستن سایر کلونی‌ها به دموکراسی نو محافظه‌کارانه ریک قابل پیش‌بینی است، گویی در دنیای آنارشیک «واکینگ دد» هم مثل نظام بین‌الملل کنونی، جریان اصلی نظریه‌پردازی یعنی نئولیبرالیسم و نئو رئالیسم مناسب‌ترین نظریه‌ها برای تفسیر وقایع و مناسبات بین اجتماعات انسانی هستند.

---

۱. پایان تاریخ؛ نظریه مشهور فرانسیس فوکویاما درباره استیلای محتوم و ناگریز لیبرالیسم بر جهان

www.takbook.com

□ **طعن و کنایه به توسعه‌نیافتگی سیاسی در شرق؛**
نقد سیاسی فیلم مکس دیوانه

www.takbook.com

www.takbook.com

مجموعه فیلم‌های سینمایی «مکس دیوانه» با یک وقفه چندین ساله بالاخره در سال ۲۰۱۵ با نام «مکس دیوانه: جاده وحشت» دوباره به هالیوود برگشت. این واقعه به نوعی مساوی با بازگشت جورج میلر، طراح و کارگردان سری مکس دیوانه و تولید قسمت‌های بعدی این مجموعه نیز به حساب می‌آید. «مکس دیوانه: جاده وحشت» از نظر نقد سیاسی، حاوی نشانه‌ها و مفاهیم آشکار و مستتر قابل توجهی در روایت، شخصیت‌پردازی‌ها و برخی رخدادهای خاص است. فیلم به گونه‌ای بی‌سابقه نسبت به نسخه‌های گذشته‌اش، می‌کوشد تا به تعبیر خود علیه استبداد و خودکامگی حکومت‌های توتالیتر در شرق و به ویژه جهان اسلام، موضع‌گیری کند. این موضع‌گیری‌ها اگر چه ظریف و چند لایه صورت گرفته‌اند، اما در بعضی از قسمت‌ها نشانه‌های آشکار و واضحی را به دست می‌دهند که قابل نقد و مداقه هستند. در ادامه این نوشتار به بررسی اجمالی این نشانه‌ها پرداخته شده است.

کمبود آب و استبداد شرقی

کارل مارکس در کنار ارایه نظریه اصلی خود، به‌طور جنبی استبداد و خودکامگی در مشرق زمین را تبیین می‌کند. به اعتقاد مارکس، بر عکس اقلیم اروپا در سرزمین‌های شرقی، میزان بارندگی و ذخیره آب بسیار محدود بوده و از این بابت، حکمرانان با در اختیار قرار گرفتن این منابع

www.takbook.com

محدود آبی و شبکه توزیع آن، در واقع بر جان و مال و ناموس مردم حاکم می‌شوند. مارکس به این نوع از حکومت تمامیت خواه که انحصار منابع آب را در اختیار دارد، عنوان «استبداد شرقی» می‌دهد.

در این فیلم که در ژانر پسارستاخیزی روایت می‌شود، زمانه‌ای در آینده تصویرگردیده است که منابع آبی بسیار کمیاب شده‌اند و شهرها به حالت بیابانی و خشک در آمده‌اند. در این مواجهه گسترده مردم با بحران فراگیر آب، حاکم مستبد و خودرایی به نام «جو فناناپذیر» با در اختیار گرفتن سرمنشا آب، بر توده مردم تحت امر خود حکمرانی می‌کند. او در ارتفاعات اقامتگاه خودش، فضای سبز و خرمی را با استفاده از آب ساخته است در حالی که مردم تشنه لب، چشم به دستان او برای اعطای آب دارند.

مذهب، شهادت و کاریزما

جو فناناپذیر در سکانس‌های آغازین فیلم، آبی که متعلق به خود مردم است را به گونه‌ای از فراز کوه مقر فرمانروایی‌اش پایین می‌ریزد که گویی در جایگاه خداوند، نازل‌کننده باران از آسمان برای آنهاست. جو خود را ناجی مردم می‌داند و در یک ژست مصلحانه از آنها می‌خواهد به آب معتاد نشوند! در عین حال طعن و کنایه به مفهوم شهادت و تمسخر کاریزمای رهبران دینی را شاید در زمره اهداف اصلی فیلم قلمداد کرد؛ جو فناناپذیر لشکری از فداییان به اسم پسران جنگجو را در اختیار دارد. آنها اعتقاد و ارادت قلبی به جو پیدا کرده و در واقع به وی ایمان آورده‌اند. جو با مغزشویی آنها، متقاعدشان کرده که اگر در راه وی کشته شوند در دنیای دیگری به اسم «والهالا» زنده می‌شوند و در آنجا

www.takbook.com

جاودان و خوشبخت خواهند بود.

پسران جنگنجو در راه «جو فناناپذیر» از جان گذشته‌اند و در موقع لزوم به خاطر او دست به عملیات شهادت‌طلبانه می‌زنند! ظاهراً فیلم با ترجمه کلمه شهادت از عربی معنای شاهد بودن را از آن استخراج کرده و به همین دلیل است که قبل از عملیات انتحاری، جنگجویان عبارت «شاهد باش» را بر زبان می‌آورند! والهالا اگرچه در اصل از اساطیر شمال اروپا و اسکاندیناوی گرفته شده است، اما در فیلم نوعاً کنایه به آیات قرآن کریم مبنی بر حیات شهدا و زندگی سعادتمند آنها پس از مرگ دارد که جان دادن اختیاری مردان جو در راه او را بر همین پایه توجیه می‌کند.

فتیشیسم، فمینیسم و آزادی زنان

فتیشیسم یا شی‌انگاری و بهره‌کشی از زنان، تعبیر غالب غربی‌ها از وضعیت زنان در شرق است. در این فیلم، پنج زن از همسران جو فناناپذیر با نقشه زن دیگری به نام فیوریوسا از چنگ او می‌گریزند تا به سرزمین اتوپیایی خود بروند. تعقیب و گریز جو و این زنان که به محور اصلی داستانی فیلم بدل شده، در واقع تعبیری است از انقیاد و اسارت زنان در کشورهای غیرغربی و تلاش آنها برای گریز از نظام مردسالار ظالمانه حاکم بر جوامع خود. فیوریوسا با بازی شارلیز ترون، کسی است که مثل نمادی از جنبش‌های فمینیستی معاصر، عملیات نجات آن پنج زن را به عهده می‌گیرد و در نهایت هم با نابودی جو و حاکم شدن خودش، طرحی نو در آن اقالیم خشک و لم یزرع در می‌اندازد!

www.takbook.com

پروژه بازنمایی

نفس این که یک فیلم علیه استبداد و در هجو آن ساخته شود، به نظر امری پسندیده است. اما از آنجایی که روند هالیوود به ویژه پس از یازده سپتامبر بر محوریت اسلام‌هراسی، خاورمیانه‌هراسی و ایران‌هراسی بوده، فیلم «مکس دیوانه: جاده خشم» هم در همین راستا قابل نقد و بررسی است. بازنمایی به معنای انتقال پیام‌هایی به سود خود و به ضرر دشمن با اعمال این چهار اصل ساده است: کوچک نشان دادن معایب خود، بزرگ نشان دادن معایب دشمن، بزرگ نشان دادن مزایای خود، کوچک نشان دادن مزایای دشمن.

با در نظر گرفتن مدل بازنمایی فوق، می‌توان مدعی شد مواردی که فیلم به زعم خودش علیه استبداد شرقی و مغزشویی مذهبی هجو و بزرگنمایی می‌کند، به قرینه برای خود غرب بیشتر مصداق دارد؛ چرا که به عنوان مثال می‌دانیم که سال‌هاست مغزشویی سربازان امریکایی به بهانه ترویج دمکراسی و حفظ ارزش‌های آمریکایی از ویتنام تا عراق صورت گرفته است و سربازان زیادی پیرو شعار موهوم دفاع از میهن و آرمان آمریکا کشته شده‌اند.

از طرف دیگر گرچه زنان در آمریکا همانند سیاهان به حقوق برابر دست یافته‌اند اما تبعیض و شی‌انگاری علیه آنها به شکل ساختاری همچنان پا برجاست. اتفاقاً جو فناناپذیر هم بیش از آنکه شبیه هر رهبری در جهان اسلام باشد، شباهت ویژه‌ای با دونالد ترامپ دارد؛ او عوام فریب، انحصارگرا، سرمایه‌دار و زنباره است!

فیلم مکس دیوانه: «جاده وحشت»، با اینکه به جز صحنه‌های مهیج اکشن و افکت‌های صوتی خود هیچ ارزش سینمایی دیگری ندارد، از

www.takbook.com

طرف منتقدین با استقبال زیادی مواجه گردید. فیلم در اسکار ۲۰۱۶ در ده رشته نامزد دریافت جایزه شد تا مثل آرگو، جعبه درد، سیصد و... فیلم بی‌ارزش دیگری باشد که به خاطر دهن‌کجی های سیاسی‌اش، مشمول عنایات منتقدین قرار گیرد.

www.takbook.com

www.takbook.com

□ بازی تاج و تخت و مفاهیم سیاسی مستتر

www.takbook.com

www.takbook.com

فصل هفتم مجموعه تلویزیونی بازی تاج و تخت که تابستان امسال[1] توسط شبکه اچ بی او در حال پخش است، به حدی با استقبال چشمگیر و حیرت آور مخاطبین در سراسر دنیا مواجه شده که این مجموعه را در آستانه بدل شدن از یک اثر تلویزیونی صرف به نمادی از قدرت فرهنگی ایالات متحده و اثر بخشی جهانی رسانه‌های این کشور قرار داده است. بازی تاج و تخت که پیش از این به خاطر مفاهیم بدبینانه فلسفی و نگاه هابزی به هستی و انسان ها، مد نظر منتقدین قرار گرفته بود، در حال حاضر مواجه با میزان قابل توجهی از تعابیر و تحلیل‌های سیاسی در پیرامون خود شده است.

در فصل هفتم که گویا فیلمنامه از جی جی مارتیتز، خالق اصلی اثر و نویسنده کتاب *ترانه آتش و یخ*، مستقل شده و داستان را خود طراحان تلویزیونی به جلو می‌برند، چالش اصلی بر سر آرایش قوای متحدین علیه پایتخت: king's landig است. اوضاع نابسامان پایتخت که به خاطر فساد سیاسی و فروپاشی اتحاد با بقیه اقالیم رقم خورده، آن را مستعد حمله دشمنان کرده است. در این میان «جان اسنو» در شمال و «دنریس تارگرین» در جنوب، مهمترین عناصر تشکیل‌دهنده یک اتحاد بالقوه و موثر علیه پایتخت به حساب می‌آیند.

---

۱. در زمان انتشار این یادداشت

www.takbook.com

نمادسازی‌های گزاف

همان‌طور که اشاره شد، نقد سیاسی از جمله رویکردهای غالب به این سریال در میان منتقدین بوده است. به باور بخشی از تحلیلگران، قدرت ناشی از مخاطبین بی‌شمار مجموعه بازی تاج و تخت به اندازه‌ای است که دستگاه دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا را برای تاثیر بر طیف وسیعی از افکار عمومی وسوسه کند. با این وصف، مهمترین نماد سازی هایی که نماینده هژمونی آمریکا در جهان است، از بین کاراکترهای اصلی سریال انتخاب شده و در ادامه، اغراق‌آمیز و گزاف بودن آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قدرت و آزادی زنان

در زمره معدود کاراکترهایی که از گزند قهرمان کشی های بی‌حد این سریال جان به در برده و رفته رفته از یک زن ضعیف و متزلزل به فرمانروایی مقتدر بدل شده، دنریس تارگرین است. او که ملقب به طوفان زاده و مادر اژدهایان نیز هست، در آستانه فتحی بزرگ و حکمرانی بر تمامی هفت اقلیم قرار گرفته است. دنریس می‌توانست به سادگی الهام بخش ملت امریکا و افکار عمومی جهان برای رهبری هیلاری کلینتون بر بزرگترین هژمونی عالم در نظر گرفته شود. تا انتهای فصل ششم سریال هم کسی فکر نمی‌کرد ظهور ترامپ همه معادلات ریاست جمهوری آمریکا را به هم بریزد و با این فرض هیلاری، ما به ازای واقعی دنریس در دنیای سیاست به حساب می‌آمد. ضمن آن که کانال «اچ بی‌او» هم با هدیه دادن نمونه‌ای از تخت آهنین به اوباما، گرایش خود به دموکرات‌ها را نشان داده بود و از انتخاب هیلاری کلینتون حمایت می‌کرد.

www.takbook.com

در عین حال در فصل جدید سریال هم علاوه بر دنریس، قدرت سیاسی در هفت اقلیم به انحصار زنان در آمده است: سرسی لنستر در پایتخت، سانسا استارک در شمال حکومت می‌کنند، همچنین زن هایی که بر دورن، خاندان گریجوی و خاندان گل سرخ حاکم شده‌اند. به اینها باید شخصیت عصیانی «آریا استارک» را هم اضافه کرد که احتمالاً در ادامه نقش مهمی را در معادلات قدرت عهده دار شود[۱]. اما حقیقتاً بازی تاج و تخت در عین فمینیسم حاکم شده بر روند داستانی اش، در لایه های زیرین خود داستانی کاملا مردمحور دارد. نگاه فتیشیستی سریال به زن و جنسیت، اساساً نقض غرض همه قدرت نمایی های زنانه است. بهره گیری از عنصر روابط جنسی در کنار خشونت، راه کاری مبتذل و البته قدیمی است که تهیه‌کنندگان بازی تاج و تخت از آن برای افزودن به کشش مجموعه بهره می‌برند. استفاده بی‌پروا از صحنه‌های غیراخلاقی به حدی در این سریال فزونی یافت که قوانین تولید محصولات تلویزیونی در امریکا، اچ بی‌او را مجبور به محدود کردن این صحنه‌ها به موارد لزوم داستانی کرد. کما اینکه استیفن دیلین، هنرپیشه نقش استانیس براتیون پس از جدایی از پروژه در طعنه به سوء استفاده سریال در نشان دادن مکرر صحنه‌های جنسی آن را تشبیه به فیلم‌های پورنوگرافی اروپایی با تم قرون وسطایی کرده بود.

علاوه بر استفاده ابزاری مذکور، زنان در بازی تاج و تخت بسیار حیله‌گر، بد ذات، دسیسه چین و سبک عقل تصویر شده‌اند. تنها زمانی آنها به سوی تعالی و شکوفایی می‌روند که همانند سانسا استارک یا خود

---

۱. آریا استارک در فصل نهایی، پادشاه شب را کشت و بدین نحو، سرنوشت غایی داستان را رقم زد.

www.takbook.com

دنریس، دست از هویت زنانه خود می‌کشند و با جایگزینی خشونت به جای لطافت، در خصلت‌های مردانه استحاله می‌شوند. معضلی که اساساً فمینیسم دوران مدرن هم از تحلیل متناقض نمای آن عاجز بوده است.

آزادی در برابر استبداد و بردگی

غرب اساساً خود را میراث‌دار تمدن یونان می‌داند، تمدنی که با آزادی، علم و دموکراسی پیوندهای عمیقی داشته است. در عین حال نقطه مقابل این تمدن، بربریت و وحشی‌گری مشرق زمین تصویر می‌شده که انقیاد و بردگی، جهل و استبداد و واپسگرایی متداوم از مشخصات بازنمایی شده آن است. این نگاه غالب غرب درباره شرق که ادوارد سعید، اندیشمند معاصر، آن را ذیل مطالعات موسوم به شرق شناسی طبقه بندی می‌کند، در مجموعه بازی تاج و تخت بازتولید شده است.

دو واژه وستروس و اسوس، آشکارا تداعی‌کننده معادل کلمات شرق و غرب در زبان انگلیسی هستند. دنریس تارگرین کسی است که به اجبار، به اسوس یا همان شرق تبعید شده و بخشی از داستان را در میان اقالیم عقب مانده و متوحش آنجا پیش می‌برد. اولین چالش دنریس با قبایل دوتراکی است که شباهت های غیر قابل انکاری با سرخپوستان آمریکای شمالی دارند. آنها وحشی، فاسد و بدوی به تصویر کشیده می‌شوند که فاقد عناصر تمدنی و انسانی هستند. اما دنریس به یکباره قادر می‌شود تا شخصیت «کال دروگو» رئیس قبیله را متحول سازد و مثل کوین کاستنر در فیلم رقصنده با گرگ[1]، بخشی از دوتراکی هایی که

۱. فیلم رقصنده با گرگ را عده‌ای از منتقدان سینما در راستای بازنمایی چند لایه هالیوود علیه سرخپوستان تحلیل کرده‌اند.

www.takbook.com

مجذوب ژست متمدن او شده‌اند را با خود همراه کند.

ما جدال دنریس با برده داری در اسوس و اعطای آزادی بـه بردگـان، بروز و ظهور پرسونای غربی او را کاملا به رخ می‌کشد. دنریس به سـان آبراهام لینکلن، با برده دارها می‌ستیزد و پس از شکست آنها، مردم بـرده و بینوای شرق را آزاد و خوشبخت مـی‌کنـد. دنـریس حتـی از سـربازان مزدور، ارتشی مبتنی بر ارزش‌های انسانی بنا می‌کند کـه کرامـت و شـان آدمیان در آن جایگاه والایی دارد. گزافه بودن این آزادمنـشی دنـریس، از مدعای فمینیستی آن نیز مشهودتر است. تاریخ برده داری آمریکا و کـوچ اجباری میلیون‌ها برده از آفریقا به این کشور، مثل دیواری پـیش روی اچ بی‌او ایستاده تا وارونه سـاختن حقـایق و نمادسـازی‌هـای اغـراق شـده، چندان هم باورپذیر نباشند.

با این وجود، صرف نظر از مفاهیم مد نظر بازی تاج و تخت، مهم در عصر حاضر این است که به اصطلاح قلم در دستان کیست. ابزار رسانه و تولیدات فرهنگی سال هاسـت کـه در اختیـار آمریکـا قـرار داشـته و در حقیقت توسط این کشور انحصاری شده است. هـیچ کـشور دیگـری در جهان وجود ندارد که بتواند سریال هایی با این حد از تاثیرگذاری جهانی تولید کند. با این احتساب، خواه ناخواه جریان بازنمایی مطلـوب ایـالات متحده با در اختیار داشتن چنین زیر ساخت سطح بالایی همچنـان ادامـه خواهد یافت.

www.takbook.com

www.takbook.com

□ زامبی‌ها از سیاست خارجی به ما چه می‌گویند؟

www.takbook.com

www.takbook.com

استیلای مجموعه های تلویزیونی و پیشی گرفتن مخاطبین آنها نسبت به سینما به روندی قابل مشاهده در سال های اخیر بدل شده است؛ به همین دلیل است که استیون اسپیلبرگ فیلمساز نامی هالیوود، عصر حاضر را «دوران تلویزیون» نامیده است. مجموعه تلویزیونی «مردگان متحرک Walking Dead» در زمره سریال‌هایی است که مخاطبین بیشماری در سراسر جهان و از جمله در ایران پیدا کرده است. در این نوشتار، پس از ذکر توضیحاتی اجمالی راجع به مفاهیم مرتبط با مجموعه، به پیام‌های سیاسی نهفته در این سریال و نکات قابل ملاحضه فرهنگی آن پرداخته می‌شود.

زامبی و ژانر پسارستاخیزی

«مردگان متحرک» در گونه سینمایی «پسا رستاخیزی» ساخته شده است. بعد از جنگ جهانی دوم، بشر به این نتیجه رسید که انسان می‌تواند تمدن خود را نابود ساخته و آخرالزمان را محقق کند. گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و تسلیحات هسته‌ای نیز در سالیان گذشته به این باور دامن زده است. ژانر پسارستاخیزی، شرایطی را به تصویر می‌کشد که بنا بر حوادثی، بخش عمده‌ای از انسان‌ها از بین رفته و تعداد انگشت شماری باقی مانده‌اند.

در این میان، موجوداتی موسوم به زامبی، از عوامل اصلی رقم خوردن

www.takbook.com

شرایط پسارستاخیزی در تولیدات اخیر هالیوود محسوب می‌شوند. زامبی‌ها انسانی‌هایی هستند که به دلایل نامعلوم، بعد از مرگ تبدیل به موجودات وحشی و تهی از عواطف و خصایل انسانی می‌شوند؛ زامبی‌ها سعی بر کشتن دیگر انسان‌ها و بدل کردن آنها به موجوداتی همانند خود دارند. نخستین بار فیلم «شب زندگان مرده» ساخته «جرج اندرو رومرو» در سال ۱۹٦۸، زامبی‌ها را در هالیوود به تصویر کشید. از آن تاریخ تاکنون، بارها و بارها از زامبی‌ها در تولیدات سینمایی و تلویزیونی استفاده شده و آثار زیادی از جمله سریال مورد بحث در این رابطه ساخته شده‌اند.

چرا هالیوود این چنین به «زامبی» علاقه‌مند است؟

در منظر آمریکایی‌ها، تهدیدات امنیتی علیه خاک آمریکا از سوی کشورهای دیگر عملا منتفی است. مرزهای زمینی محدود و تفوق دریایی و هوایی آمریکا، به علاوه قدرت بازدارندگی قابل توجه این کشور، تهدیدات نظامی دشمنان خارجی را منتفی ساخته است. حتی بعد از متحول شدن مفهوم امنیت پس از وقایع یازده سپتامبر، هنوز این برداشت از غیر قابل نفوذ بودن آمریکا در اندیشه هالیوود و انعکاس آن در تولیدات سینمایی باقی مانده است. با این حساب، تهدیدات امنیتی علیه آمریکا در قالب موجوداتی فرا زمینی و تخیلی نشان داده شده‌اند.

فیلم «روز استقلال» به عنوان نمونه، به حمله گسترده موجودات فضایی به آمریکا اشاره دارد؛ یا در فیلم «۲۰۱۲» سیلاب‌های عظیم، این کشور را از میان می‌برد. در «من افسانه هستم» نیز ویروس کشنده‌ای که انسان‌ها را به هیولا بدل کرده، آمریکا را به نابودی کشانده است. در کنار

www.takbook.com

اینها، زامبی‌ها هم از جله تهدیدات تخیلی هستند که در فیلم‌های دهه اخیر هالیوود به عنوان تهدید مهمی علیه مردم آمریکا معرفی شده‌اند. در کنار مورد فوق، دلیل دیگر شاید این باشد که آمریکایی‌ها از یک فروپاشی داخلی و اضمحلال اجتماعی، بیش از حمله خارجی در هراسند. همان طور که «ویل دورانت» می‌گوید: «هیچ تمدنی از هم نمی‌پاشد، مگر اینکه این فروپاشی از درون صورت پذیرد» آمریکا تجربه افول تمدن‌های نیایی خود یعنی یونان و روم را در اثر ناکارآمدی بنیان‌های اجتماعی از یاد نبرده است. از این روی زامبی‌ها شاید نماد افول تمدنی امریکا و زوال گفتمان غربی حاکم بر جهان تلقی شود.

عوامل ساخت سریال

شبکه تلویزیونی ای ام سی در میان شبکه‌های کابلی امریکا، به ساختن سریال‌های ی با مفاهیم عمیق شناخته شده است. «برکینگ بد»، «مد من»، «بهتره به سال زنگ بزنی» و نیز همین مجموعه «مردگان متحرک»، از تولیدات ای ام سی هستند که در سایه موفقیت چشمگیر آنها، کوشیده‌اند مفاهیم سیاسی ـ اجتماعی مد نظر سازندگان را به مخاطبین منتقل کنند. از طرف دیگر، «فرنک دارابونت» به عنوان طراح و پدید آورنده «مردگان متحرک»، پیشتر با ساختن فیلم‌هایی همچون «رهایی از شاوشنگ» و «مسیر سبز»، نشان داده است به بیان مفاهیم دینی، اجتماعی و سیاسی در آثار خود دلبستگی زیادی دارد.

واقع‌گرایی و نظام بین‌الملل «هابزی»

«هابز» نظام بین الملل را با «وضعیت طبیعی» قبل از تاسیس دولت مقایسه

www.takbook.com

می‌کند. از دیدگاه او شرایط «انسان به مثابه گرگ انسان»، در رابطه با واحدهای مستقل سیاسی یا همان کشورها صدق می‌کند. بنابراین در چنین شرایط حادی، مهمترین مسایل برای کشورها عبارتند از: امنیت و حفظ بقا. علاوه بر اینها، اعتماد و همکاری در نظام بین‌الملل مبتنی بر آنارشی، به مقوله‌ای بسیار نادر و دیریاب بدل می‌شود. لذا دولت‌ها برای حفظ امنیت و منافع ملی شهروندانشان، باید در وضعیت هرج‌ومرج‌آمیز جهانی، قوی و قوی‌تر شوند؛ تنها ازین رهگذر است که بقا و نجات آنها میسر می‌شود.

مجموعه «مردگان متحرک»، به ویژه بعد از فصل دوم گویی به کلاس درس واقع‌گرایی بدل می‌شود. گروهی از انسان‌های بازمانده، در شرایطی که زامبی‌ها همه‌جا را پر کرده‌اند می‌کوشند تا برای بقای خود و خانواده‌شان، محل‌های امنی پیدا کنند؛ این گروه، «ریک» که پیش از بروز حادثه معاون کلانتر یکی از شهرهای آتلانتا بوده است را به عنوان رهبر خود برمی‌گزینند. از آن جایی که زندگی در یک مکان محصور و مجهز به دیوار و حصار برای ممانعت از ورود زامبی‌ها و حفظ بقا حیاتی است، «ریک» و همراهانش می‌کوشند تا چنین مکانی را برای خود مهیا کنند. در عین حال دیگر انسان‌ها برای حفظ بقای خود می‌کوشند تا به کمپ‌های دیگران دست درازی کرده و آنها را تسخیر کنند. اینجاست که کمپ‌ها مثل مرزهای ملی و قلمروهای داخلی در نظام بین‌الملل، اهمیت والایی می‌یابند و حفظ امنیت آنها در برابر بیگانگان، مثل حفظ امنیت ملی حیاتی جلوه می‌کند. با این اوصاف، در «وضعیت طبیعی» هابز که به آن اشاره شد، یعنی نظامی فاقد قدرت فائقه و قانون فراگیر، چنین مدلی برای ادامه زندگی به وجود می‌آید:

www.takbook.com

هدف اصلی: حفظ بقا

اولویت نخست: امنیت

ابزار اصلی حفظ امنیت: تقویت قوای دفاعی

«ریک» و همراهانش برای حفظ جان خود و خانواده خود، ناگزیر از پیروی از مدل فوق هستند. مدلی که در حقیقت، سال‌هاست توسط واقع‌گرایانی مثل «کنت والتز» و «هانس مورگنتا» برای بقای کشورها توصیه و تجویز می‌شود.

آیا «مردگان متحرک» به نومحافظه‌کاران گرایش دارد؟

از فصل پنج به بعد این مجموعه، «ریک» و گروهش به کمپ امن و محصوری به اسم «الکساندریا» می‌رسند. رهبری این کمپ با زنی است که می‌کوشد با حفظ اصول دموکراتیک، جامعه کوچک خود را اداره کند. ساخت این فصل در زمانی صورت گرفته است که احتمال به ریاست جمهوری رسیدن هیلاری کلینتون در آمریکا قوت گرفته بود. رهبری الکساندریا، از حیث ظاهر و عملکرد، کلینتون را تداعی می‌کند. اما زمانی که «ریک» به آنها می‌رسد، سستی‌ها و ناآمادگی او در اداره این کمپ عیان می‌گردد. «ریک» به آنها می‌آموزد که برای حفظ بقا، باید امنیت خود را از طریق قوی‌تر شدن تضمین کنند. او خاطر نشان می‌کند که در وضعیت خطرناک و ناپایداری که اطراف آنها را فراگرفته است، برای جلوگیری از تعرض زامبی‌ها و انسان‌ها به جامعه خوشبختی که در کمپ برای خانواده‌ها فراهم آورده‌اند، باید قدرتمند، بی‌ترحم و آماده برای جنگ بود.

پیام جمهوری‌خواهان به‌طور عام و به خصوص نومحافظه‌کاران برای

www.takbook.com

آمریکا، کمابیش به همین شرح است؛ بسط قدرت آمریکا و پرهیز از رهبری ضعیف و سازشکارانه دموکرات‌هایی همچون اوباما یا کلینتون که موجبات به خطر افتادن امنیت ملی و ارزش‌های آمریکایی را توسط دشمنانی که خارج از مرزهای این کشور هستند فراهم می‌آورد. پیام «مردگان متحرک» برای صدها میلیون بیننده‌اش در آمریکا و خارج از آن، اهمیت نیروی نظامی برای بقا در شرایط بربرگونه و متوحش دنیاست. پیامی که با اقبال به راست‌گرایی نوین در غرب، ظاهراً این روزها مسموع‌تر پیام‌هایی مبتنی بر نوع‌دوستی، اعتماد و همکاری بین‌المللی است.

www.takbook.com

□ ایران‌هراسی در هالیوود؛ از آرگو تا سیصد

www.takbook.com

www.takbook.com

درباره ایران پس یازده سپتامبر، به عکس دوره‌های قبل، فیلم‌هایی متعددی در هالیوود تولید شدند؛ فیلم اسکندر که در سال ۲۰۰٤ به کارگردانی الیور استون، کارگردان نامدار هالیوود و جمعی از ستارگان سینما با هزینه بسیار ساخته شد، فیلمی تاریخی درباره کشورگشایی اسکندر مقدونی و لشگرکشی او به قلمرو ایران باستان است. در این فیلم، اسکندر مقدونی، یک سردار بزرگ و بر حق تصویر می‌شود که در کودکی تحت تأثیر استاد فرزانه‌اش، ارسطو به ظلم بی‌حد ایرانیان واقف شده و می‌کوشد تا عزت سرزمینش را با شکست آنان احیا کند.

فیلم دیگر، سنگسار ثریا میم ساخته سال ۲۰۰۸، روایت هولناک و منضجرکننده‌ای از ایران به نمایش می‌گذارد؛ داستان فیلم که برگرفته از کتاب فریدون صاحب جم است، به داستانی مجعول از سنگسار زنی در یکی از روستاهای ایران اختصاص دارد که به حکم روحانی روستا به خاطر مبادرت به زنای محصنه به سنگسار محکوم و حکم در موردش اجرا شده و روزنامه‌نگاری فرانسوی به‌طور اتفاقی از این ماجرا با خبر می‌شود. فیلم جزئیات دلخراش سنگسار ثریا را به وسیله مردم روستا (از جمله کودکان خردسال زن) و جان کندنش تا مرگ را به تصویر می‌کشد. فیلم سنگسار ثریا میم در کشورهای زیادی به نمایش درآمد و برنده جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در سال ۲۰۰۹ از جشنواره فیلم لس‌آنجلس شد.

www.takbook.com

در سال ۲۰۰٦، فیلم «یک شب با پادشاه»، بر اساس داستان «استر مقدس» از کتاب عهد قدیم ساخته شد. استر در این فیلم دختری یهودی است که موردخای، پسرعمو و قیم او به حساب می‌آید. استر با رخنه به دربار خشایارشا او را از قتل عام یهودیان که به توصیه هامان، وزیر پادشاه، در شرف وقوع است، منصرف می‌کند. فیلم سرشار از حس همدلی نسبت به یهودیان و نگرانی از قتل و آزار آنان توسط ایرانیان است. در صحنه‌های آخر این فیلم، استر پس از نطقی در دفاع از قوم یهود و اسرائیل و در جهت اثبات یهودی بودن خود گردنبد خویش را بالای شعله شمع می‌گیرد و ستاره‌های داوود بر پرده‌های کاخ پادشاه پارسیان می‌درخشند و در آخر هم خشایار شاه در دفاع از همسر «فهیم» خویش در برابر هامان، وزیر که هدفی جز کشتار و محو یهودیان از جهان را نداشت برمی‌خیزد.

اما فیلم بسیار پرحاشیه و جنجالی این دوران «۳۰۰» به کارگردانی زک اسنایدر و تولید سال ۲۰۰۷ است. ۳۰۰ که بر اساس کمیک استریپی از طراح مورد علاقه هالیوود فرانک میلر در سال ۱۹۹۸ منتشر شده بود، بدون هیچ صحنه خارجی و با تکنیک پرده آبی فیلمبرداری و تولید شد. فیلم روایتی تحریف شده و خلاف مستندات تاریخی از نبرد معروف ترموپیل است که در سال ٤۸۰ قبل از میلاد میان خشایارشا پسر داریوش کبیر و شاه لئونیداس رخ داد. در فیلم «۳۰۰»، ۳۰۰ نفر از اسپارت‌ها، فقط با تکیه بر شجاعت، اعتقاد راسخ و جنگ‌آوری سپاه بی‌شمار و تجهیز شده خشایارشا را در تنگه ترموپیل متوقف می‌کنند. این فیلم انتقاد بسیاری از ایرانیان را در سرتاسر جهان علیه سیاست های فرهنگی آمریکا برانگیخت. منتقدان و تحلیلگران نیز ایرادات جدی چه در زمینه

www.takbook.com

تحریف‌های تاریخی ـ اسنادی و چه بازنمایی موجود در فیلم ۳۰۰ مطرح کردند.

در فیلم‌های دیگری «همچون کشتی‌گیر: ۲۰۰۸»، «دیکتاتور: ۲۰۱۲» و «تصادف: ۲۰۰۴» نیز به موضوع ایران نه به‌طور محوری، اما مابین مضامین فیلم پرداخته شده است. در فیلم کشتی‌گیر، میکی رورک در نقش کشتی‌گیری بازنشسته و تضعیف شده، بار دیگر به میدان کشتی می‌رود. در این فیلم که هم زمان با شروع دوران رکود اقتصادی آمریکا به نمایش گذاشته شد، حریف میکی رورک در فیلم، فردی است که با اسم ورزشی «آیت الله» به مبارزه با او می‌پردازد. در این فیلم همچنین به پرچم ایران در طول مسابقه، به انحای مختلف تعرض و بی‌حرمتی می‌شود.

در فیلم «دیکتاتور» نیز همان‌گونه که در فهرست فیلم‌های ضداعراب نیز از آن یاد شد، نظام سیاسی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه را به سخره می‌گیرد و به زعم خود فساد، غیردموکراتیک بودن و استبداد این نظام‌ها را تلویحاً با دموکراسی و توسعه سیاسی در غرب مقایسه می‌کند. این فیلم کمدی، در بخش‌هایی از خود کنایه‌های آشکار و نهانی هم به جمهوری اسلامی ایران و به ویژه برنامه هسته‌ای آن دارد. دیکتاتور این فیلم طی حادثه‌ای مجور می‌شود مدتی را در ایالات متحده سپری کند و در این مدت شیفته دموکراسی آمریکا شده و در بازگشت به خاورمیانه، مبادرت به برگزاری انتخابات آزاد می‌کند.

در فیلم «تصادف» که فیلمی درباره اقلیت‌ها در جامعه آمریکا و حاشیه‌های پیرامون آنهاست، یک خانواده ایرانی نیز به تصویر کشیده شده‌اند. هر چند موضوع اصلی این فیلم درباره ایرانیان نیست، اما بعضی

www.takbook.com

از صاحب‌نظران و منتقدین فیلم، تصویری که از این خانواده ایرانی مقیم آمریکا ارایه شده است را در راستای بازنمایی هالیوود بر ضد ایران قلمداد می‌کنند. به ویژه که این فیلم در سال ۲۰۰۴ و تحت تأثیر فضای حاکم بر آمریکا بعد از یازده سپتامبر ساخته شد و توانست اقبال منتقدین و تماشاگران را به خود جلب کند.

در ادامه ژانر تاریخی ـ باستانی که با موضوع تمدن کهن ایران در هالیوود به وجود آمد و تولید فیلم‌هایی مثل ۳۰۰ و شبی با پادشاه از مشخصه‌های آن بود، فیلم جاودانه‌ها «Immortals» در سال ۲۰۱۱ به کارگردانی «تارسیم سینک» تولید شد و به طرز بی‌سابقه‌ای، مملو از نشانه‌ها و پیام‌های آشکار و نهان در راستای اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی است. داستان این فیلم جنگ افسانه‌ای و اسطوره‌ای میان یونانیان و سپاه جاودانه‌ها را روایت می‌کند. فیلم از آن جایی شروع می‌شود که «هایپریون» فرمانده سپاه جاودانه‌ها به دنبال سلاح قدرتمندی است که در یونان پنهان شده، این سلاح به او کمک می‌کند تا او به قدرت خارق‌العاده‌ای برای جهان‌گشایی خود دست یابد. در این بین یکی از اساطیر یونانی یعنی «تیتیوس» که از نظر فرهنگ چند خدایی المپیا، یک نیمه خدا محسوب می‌شود، در اثر کشته شدن مادرش به دست هایپریون وارد جنگ با او می‌شود. این ورود او به جنگ با سپاه جاودانه‌ها در حالی رخ می‌دهد که «اوراکل» پیشگوی افسانه‌ای پیشاپیش این مسأله را پیش‌بینی می‌کند که فقط «تیتیوس» نیمه خدا، می‌تواند هایپریون را شکست دهد. در این بین هایپریون در این فیلم شخصی به نمایش گذاشته می‌شود که فقط به بدترین شکل ممکن سرزمین‌ها را ویران و خون‌ریزی می‌کند و مردم کشورش هم در این راه با عضو شدن در سپاه

www.takbook.com

«جاودانه‌ها: Immortals» او را در این موج خون و وحشت، همراهی می‌کنند.

این ترسیم و کلیت داستان فیلم در حالی مطرح می‌شود که در تاریخ غرب به ویژه در اسناد تاریخ‌نویسانی مانند «هرودوت»، سپاه جاودانه‌ها به فرمانده هایپریون فقط در مورد ایران بیان شده و در واقع تنها تمدنی که در زمان افسانه‌هایی مانند تیتیوس وجود داشته، ایرانیان بوده‌اند. هایپریون و سپاه جاودانه‌ها همه را از ابتدای فیلم به خاک و خون می‌کشند و بدون توجه به هیچ معیار اخلاقی تمام دنیا به ویژه یونان که به نوعی نماد غرب تلقی می‌شود را ویران می‌کند. در این میان شخیصت هایپریون هم که نماد شیطانی ایرانی در این فیلم محسوب می‌شود، فوق‌العاده ددمنش و وحشی به نمایش در می‌آید و در مقابل کاراکتر تیتیوس که از افسانه‌های نیمه خدایی یونان است فردی قهرمان و سلحشور که در پی نجات جهان می‌کوشد به تصویر کشیده شده است.

در سال ۲۰۱۲، فیلم‌هایی با موضوعیت ایران و خاورمیانه ساخته شدند که بیشتر از هر زمان دیگر مورد توجه قرار گرفتند. دو فیلم «آرگو، ساخته بن افلک» با موضوع تسخیر سفارت آمریکا در تهران و تلاش یک مأمور سی‌ای ای برای نجات تعدادی از کارکنان آن که در سفارت کانادا پنهان شده‌اند، و «سی دقیقه پس از نیمه شب، ساخته کاترین بیگلو» بر پایه داستان شناسایی مخفیگاه اسامه بن لادن در پاکستان و دستگیری و قتل وی توسط نیروهای آمریکایی، در این سال ساخته شدند و در اسکار ۲۰۱۳ به نمایش در آمدند.

www.takbook.com

آرگو

آرگو در مناظره های انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری هم بازتاب یافت؛ سعید جلیلی یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در مناظره فرهنگی درباره تأثیر ساخت فیلم در جامعه بیان کرد: «هالیوود با ساخت فیلم‌های "آرگو"، "سی دقیقه نیمه شب" و "لینکلن" توانست سیاست های خود را نشان دهد.» تسخیر سفارت آمریکا در ایران اگرچه تا مدت‌ها تیتر خبرگزاری‌ها و رسانه‌های سرتاسر جهان بود، اما اتفاقی دیگر هم در جریان تسخیر سفارت آمریکا در تهران به وقوع پیوسته بود که در آن دوران، به صورت وسیع به آن پرداخته نشد و آن این بود که تعداد ٦ نفر از کارمندان سفارت آمریکا در هنگام تسخیر این سفارت به دست دانشجویان خط امام، موفق شده بودند از آن‌جا فرار کرده و خود را به محل اقامت سفیر کانادا در تهران برسانند و برای مدت ۲ ماه در آن‌جا مخفی شوند.

آن‌چه به عنوان شرح این واقعه تاریخی برای اذعان عمومی در آمریکا و کانادا منتشر شده این هست که یکی از جاسوسان سازمان سی‌ای اِی (CIA) برای نجات این شش نفر تصمیم می‌گیرد تا خود را به عنوان سازنده یک فیلم علمی ـ تخیلی به نام «آرگو» جا بزند و به همراه چند نفر به ایران بیایند تا بتوانند به بهانه تصویربرداری بخشی از فیلم که در صحرا باید انجام شود، این شش نفر را از ایران خارج کنند و همین‌طور هم می‌شود. ظاهراً این مأمور سازمان سی. آی. اِی با افرادش به ایران می‌آیند و موفق می‌شوند با شش کارمند سفارت آمریکا که از سفارت گریخته بودند، دیدار کرده و در نهایت آنها را با پاسپورت جعلی کانادایی از ایران خارج کند.

www.takbook.com

این که این روایت تا چه حدی به واقعیت نزدیک هست، هنوز کسی به درستی نمی‌داند. از طرفی دولت آمریکا پس از مطرح شدن این موضوع از دولت کانادا برای همکاری صمیمانه با آنها در جریان این اتفاق تشکر کرده و از طرف دیگر ایران بعد از این اتفاق، ناگهان رابطه‌اش را با سفارت کانادا به حالت تعلیق درآورد که همه این مسائل دست به دست هم داد تا وقوع چنین اتفاق مهمی علناً تأیید شود. صادق قطب‌زاده، وزیر امورخارجه وقت ایران نیز در طی اظهارنظری درباره این ماجرا بیان کرده بود: «کانادا با این اقدام خود، قوانین بین‌المللی را که مدعی دفاع از آن هست و همچنین حق حاکمیت ملی ایران را نقض کرده است». «آرگو Argo» به کارگردانی بن افلک، فیلمی است که قرار است به شرح وقایع خروج شش نفر از کارمندان سابق سفارت آمریکا از ایران بپردازد. این فیلم اولین‌بار در جشنواره فیلم «تورنتو» در کانادا به نمایش درآمد و هم‌زمان با نمایش «آرگو»، کانادا بلافاصله اعلام کرد که سفارتش را در تهران تعطیل کرده است. این اقدام شاید به سبب اتفاقاتی باشد که در سال‌های اخیر مابین طرفین پیش آمده بود، اما این‌که در خلال جریان جشنواره تورنتو و همزمان با این فیلم، این اقدام صورت بگیرد کمی تا حدودی جنبه تصادفی بودن قضیه را تحت شعاع قرار می‌دهد.

همچنین بن افلک کارگردان این فیلم در جریان برگزاری همین جشنواره، گریزی هم به سفارت تعطیل شده کانادا در تهران زد و این اقدام دولت کانادا را تحسین‌برانگیز بیان کرد. بعد از تمامی این حواشی، «آرگو» سرانجام به اکران عمومی درآمد تا داستانش را برای مخاطبان عام سینما روایت کند. ماجرای فیلم از این قرار است: سال ۱۹۷۹ است و

www.takbook.com

پس از برکنار کردن محمدرضا پهلوی از سلطنت و برچیده شدن نظام شاهنشاهی در ایران، در یک اقدام غیرمنتظره، عده‌ای از دانشجویان تحت عنوان «دانشجویان خط امام» تصمیم می‌گیرند به سفارت آمریکا در تهران حمله کنند و تمام کارمندان آن را دستگیر کنند و نهایتاً در این راه موفق هم می‌شوند. اما شش نفر از اعضای سفارت، موفق می‌شوند تا از در پشتی این محوطه پا به فرار بگذارند و در خانه سفیر وقت کانادا در تهران و همسرش، پناه بگیرند. دولت آمریکا با اطلاع از این موضوع تصمیم می‌گیرد هر طور شده این شش نفر را از خاک ایران خارج کند تا امنیت جانی آنها به خطر نیفتد، آنها به خوبی می‌دانند که در شرایط بحرانی کنونی روابط بین دو کشور، امکان استرداد گروگان‌ها به این راحتی امکان‌پذیر نیست، از این‌رو تصمیم به اجرای نقشه‌ی خطرناکی می‌گیرند که ریسک انجام آن بسیار بالاست. نقشه از این قرار است که یک مأمور سازمان اطلاعات آمریکا (CIA) به نام تونی مندز (بن افلک) تصمیم می‌گیرد خود را با عنوان یک فیلمساز که قصد ساخت یک فیلم تخیلی به نام «آرگو» را دارد، جا بزند تا از این طریق بتواند وارد ایران شود و به ملاقات کارمندانی که حالا در سفارت کانادا مخفی شده‌اند برود. وی در راه سفر به ایران یک اکیپ سینمایی با حضور جان چمبرز (جان گودمن) و (آلن آرکین) را با خود همراه می‌کند.

سرانجام این گروه موفق می‌شوند، از خاک ایران متواری شده و به آمریکا بازگردند. «آرگو» توانست در سه جشنواره مهم بین‌المللی در سال؛ اسکار، گلدن گلوب و بفتا جایزه بهترین فیلم را از آن خود کند و در چندین زمینه دیگر هم جایزه گرفته یا نامزد دریافت جایزه شود. چنین موفقیتی تا آن زمان، فقط نصیب شاهکارهای سینمایی شده بود، اما

www.takbook.com

آرگو که فیلمی متوسط تلقی می‌شد، خلاف پیش‌بینی بسیاری توانست حایز چنین جایگاهی شود. به اعتقاد نگارنده، آنچه آرگو را مورد اقبال و توجه جشنواره‌ها و منتقدین قرار داد، پیام‌ها و نشانه‌های بی‌شماری است که به‌طور پنهان و ظریف در فیلم گنجانده شده‌اند.

در واقع آرگو را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین فیلم‌ها به لحاظ بازنمایی ایران در سینمای هالیوود و در عین حال موفق ترین آنها به حساب آورد. کما این‌که راجر ایبرت، منتقد نامدار سینما، به فیلم نمره کامل (چهار ستاره) داده و هنر به کار رفته در فیلم را نایاب توصیف کرد. تاد مک کارتی، منتقد هالیوود ریپورتر نوشت که فیلم آرگو یک فیلم دلهره‌آور سیاسی عالی است که جزئیات را هوشمندانه روایت می‌کند. منتقد یواس‌ای تودی نوشت که آرگو یک فیلم دلهره‌آور سیاسی واقعی و هیجان‌انگیز با طراحی عالی است.

همچنین شیوه اعطای جایزه به آرگو، سازوکار سیاسی حاکم بر روند فیلمسازی در آن سال را برجسته‌تر کرد. در جشنواره گلدن گلوب، پس از آن که بیل کلینتون، رییس جمهوری اسبق آمریکا برای معرفی فیلم «عشق» بر صحنه حاضر شد، تونی مندز، عضو سابق «سیا» که فیلم آرگو براساس عملیات او ساخته شده است، در مراسم حاضر شد و برای جمع صحبت کرد. اما در اقدامی دیگر، به شیوه‌ای که پیشتر سابقه نداشته بود، جایزه اسکار بهترین فیلم برای آرگو، نه از محل برگزاری مراسم که در تماسی تصویری با کاخ سفید و توسط میشل اوباما اعلام شد. در این هنگام دست‌اندرکاران فیلم ازجمله «بن افلک» بازیگر اصلی و کارگردان و «جورج کلونی» تهیه‌کننده، با سیمای جدید و با محاسن بلند (به شکل ایرانی های فیلم آرگو) روی صحنه حاضر شدند. بدین ترتیب چنان‌چه

www.takbook.com

ذکر شد، پس از سکوت بیست ساله هالیوود درباره ایران، آرگو اوج توجه هالیوود نسبت به این کشور محسوب می‌شود؛ روندی که پس از یازده سپتامبر، با تمرکز بر موضوعات مرتبط با خاورمیانه و ایران تکوین شده است.*

* در معرفی فیلم آرگو بخشی از مطلب میثم کریمی در نقد این فیلم استفاده شده است.

www.takbook.com

□ تاریخچه کوتاه بازنمایی ایران در هالیوود

www.takbook.com

www.takbook.com

در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، تصویر چندانی از ایران یا پرشیا در فیلم‌های هالیوودی وجود ندارد. علی‌رغم این که عناصری از شرق مثل صحرا، شتر، نفت، اهرام مصر یا شخصیت‌هایی مثل علاالدین و علی بابا در هالیوود شناخته شده‌اند، از فرهنگ و تمدن ایرانی نشانه بارزی به چشم نمی‌خورد. علت این امر شاید به منفعل بود ایران در روابط بین‌الملل باز گردد. اما دلیل مهمتر این است که در بسیاری از فیلم‌های این دوره، ایرانی‌ها را با اعراب یکسان فرض می‌کردند. کاراکترهایی با مشخصه شیوخ ثروتمند، مالک چاه نفت، لوده، علاقه‌مند به خوشگذرانی و بسیار حریص به زنان برای نمایش فرد عرب ـ ایرانی یا خاورمیانه ای به‌طور کل در این فیلم‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. با این حال، کاراکتر ایرانی‌ها در کل، حضوری در قالب نقش‌های کمرنگ و فرعی در فیلم‌های هالیوودی داشتند.

فیلم «اوکلاهاما» ساخته ۱۹۵۵ جزء استثناهایی است که نقش اصلی آن درباره فردی با ملیت ایرانی است که در قالب کمدی موزیکال و به دور از هرگونه پیام سیاسی ساخته شده است. هرچند فیلمی جز مورد مذکور با اشاره مستقیم به ایران در این دوران ساخته نشد، اما لاجرم تصویر ایرانیان جدا از تصویرسازی کلیشه‌ای که در آن سال‌ها از شرق ارایه می‌شده است، نیست؛ تصویری رمزآلود، ناشناخته و «دیگر انگار» که بدون ارجاعات تاریخی و پیشینه تمدنی راجع به خاورمیانه ارائه می‌شود.

www.takbook.com

در رابطه با سیاست خارجی آمریکا و روابط دو جانبه با ایران، مهمترین چالش مشارکت سازمان سیا در سقوط دولت مردمی دولت مصدق است که با توجه به روی کار آمدن مجدد محمدرضا پهلوی و برقراری روابط حسنه با ایالات متحده، انعکاس چندانی تا پایان حکومت پهلوی پیدا نمی‌کند. افزون بر آن، با توجه به این که در این سال‌ها، دشمن اصلی و اولیه آمریکا اتحاد جماهیر شوروی و تهدید کمونیسم به حساب می‌آید، اساساً تهدید درسیاست خارجی آمریکا معنایی خارج از بلوک شرق پیدا نمی‌کند.

با وقوع انقلاب اسلامی ایران و تغییرات بنیادینی که بلافاصله تحت تأثیر ماجرای گروگانگیری در روابط دو کشور رخ داد، ایران به عنوان «کشور یاغی» توسط ایالات متحده شناسایی شد. در واقع ایران اولین کشور در خاورمیانه است که این تلقی از آن در سیاست خارجی آمریکا پدیدار می‌شود. پس از آن عراق صدام حسین، سوریه، لیبی و غیره نیز به این لیست اضافه می‌شوند.

اما نکته قابل توجه درباره دوران پس از انقلاب اسلامی تا یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آن که، حتی در این فاصله زمانی هم با وجود رخ دادن حوادث بسیار مهمی مثل گروگانگیری، ماجرای ایران کنترا و رویارویی ایران و آمریکا در خلیج فارس در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی، هالیوود خلاف انتظار، فیلم‌های معدودی درباره ایران تولید می‌کند. فیلم‌های این دوره شامل «Flying High II: The Sequel» ساخته ۱۹۸۲ با مضمون علمی تخیلی و سفرهای فضایی است که اساساً تعبیر فیلم سیاسی نمی‌توان از آن کرد. فیلم دیگر در سال ۱۹۸۵ با عنوان «Into the Night» ساخته می‌شود که در رابطه با قاچاق مواد مخدر بوده

www.takbook.com

و ایرانیان در آن چهره‌هایی خشن، پول‌پرست و در نقش منفی ظاهر می‌شوند. با این حال مهمترین فیلم این دوره را باید «بدون دخترم هرگز» ساخته ۱۹۹۱ به حساب آورد.

بدون دخترم هرگز

«بدون دخترم هرگز» نخستین فیلم پس از انقلاب اسلامی بود که به‌طور گسترده توجه افکار عمومی جهان را به ایران جلب کرد. تمرکز و تاکید سازندگان فیلم بر واقعی بودن داستان، از عواملی بود که فیلم را تأثیرگذارتر می‌کرد. فیلم در سال ۱۹۹۱، جایزه گلدن اسکرین را در آلمان دریافت کرد و در برخی جشنواره‌های دیگر هم نامزد دریافت جایزه شد. همچنین علاوه بر آمریکا در ۱۶ کشور دیگر نیز به نمایش در آمد. «بدون دخترم هرگز» در یکی از روستاهای فلسطین اشغالی و با محیطی که شباهت ناچیزی به تهران آن زمان دارد فیلمبرداری شده است و ایرانیان را مردمی خشن، بدوی، به دور از انسانیت و شفقت و عقب‌مانده به تصویر می‌کشد که در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی و جنگ با عراق در وضعیت رقت‌باری زندگی می‌کنند. بتی محمودی، شخصیت اصلی داستان که پس از تحمل مشقت فراوان به همراه دخترش، همسر ظالم و خشن خود را ترک کرده و از ایران می‌گریزد، در سکانس پایانی فیلم، با دیدن پرچم سفارت آمریکا در ترکیه چنان آرامشی حس می‌کند که آشکارا مخاطب نیز همراه با وی نفس راحتی می‌کشد. فیلم تا پیش از سال ۲۰۰۱، هم زمان با بالا گرفتن اختلاف نظرهای موردی بین تهران و غرب، به طور هماهنگ در شبکه‌های تلویزیونی اروپا و آمریکا پخش می‌شد و به جریحه دار شدن احساسات

www.takbook.com

ایرانیان سراسر دنیا می‌انجامید.

با وجود این که « بدون دخترم هرگز» مملو است از پیام ها و نشانه‌های آشکار و نهان علیه ایران و مردم و فرهنگ آن، اما همان طور که ذکر شد، تنش موجود بین ایران و آمریکا و سیر حوادث مهم در روابط دو جانبه، تولید فیلم‌های به مراتب بیشتری از «بدون دخترم هرگز» را در هالیوود طلب می‌کرد. «سالی تاتمن»، نویسنده کتاب «چگونه هالیوود سیاست خارجی را طرح‌ریزی می‌کند» این مساله را مورد بررسی قرار داده است.

تاتمن کشورهای ایران، عراق، لیبی، سوریه، سودان، کوبا و کره شمالی را به عنوان کشورهایی که به عنوان کشورهای یاغی توسط آمریکا شناخته شدند معرفی می‌کند و فیلم هایی که درباره آنها با هدف پیشبرد سیاست خارجی آمریکا در هالیوود ساخته شدند را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی معتقد است، فیلم هایی که تا بیش از دو دهه پس از انقلاب اسلامی ایران در هالیوود ساخته شدند تعمدا به چالش های سیاسی ایران و آمریکا اشاره مستقیمی نداشتند. تاتمن معتقد است دلیل این امر آن است که آمریکا در فیلم‌های خود مایل است وجهه‌ای برتر، دست نیافتنی و خدشه ناپذیر در جهان نشان دهد. این در حالی است که ایران با تسخیر سفارت آمریکا تحقیر قابل توجهی را متوجه کیان بین‌المللی این کشور کرد. به علاوه ایران، آمریکا را شیطان بزرگ لقب داده و همواره بر تداوم شعارمرگ بر آمریکا اصرار می‌ورزد.

ادامه فترت تا وقوع یازده سپتامبر

قطع نظر از درستی یا نادرستی تعبیر سالی تاتمن از علت اجتناب هالیوود

www.takbook.com

از پرداختن به موضوع ایران در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۷۹ تا دو دهه بعد از آن، در این دوران بیشتر رسانه‌های خبری آمریکا سوژه ایران را دنبال می‌کردند و هالیوود در این زمینه به طرز آشکار غیرفعال ظاهر شد. پیشتر به این نکته اشاره شد که اواخر دهه هشتاد و دهه نود در آمریکا، هراس از تروریسم جایگزین هراس از کمونیسم در هالیوود شده بود. در این روند اما الزاماً از ایران و اتباع ایرانی نشانه‌ای در فیلم‌های تولید شده دیده نمی‌شد. اگر چه تلاطم سیاسی بین ایران و آمریکا در تمامی این سالها دیده می‌شد و بعضاً هم به اوج خود می‌رسید.

یازده سپتامبر و بدل شدن «ایران‌هراسی» به یک روند

بعد از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱، دورانی در هالیوود آغاز شد که فیلم هایی با محوریت ایران و با تمرکز بر موضوعات سیاسی به روند فزاینده‌ای ساخته شدند. این روند شامل حال خاورمیانه و موضوعات مرتبط با آن همچون تروریسم، القاعده، اعراب، بنیادگرایی و غیره نیز می‌شد. در این دوره، سینمای آمریکا فیلم هایی همچون جعبه درد با موضوع جنگ عراق، بابل با محوریت سفر توریست‌های غربی به خاورمیانه، پادشاهی بهشت با مضمونی تاریخی و نگاه خاص به جنگ‌های صلیبی بین مسلمین و مسیحیان، سی دقیقه پس از نیمه شب درباره دستگیری و قتل اسامه بن لادن، دیکتاتور، در قالب کمدی و با تمسخر ساز و کار سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه را دراین دوره تولید کرد. علاوه بر موارد یاد شده، ده‌ها فیلم و مجموعه تلویزیونی با اشارات آشکار و نهان به ایران و بر مبنای بازنمایانه ایران هراسی، ساخته یا در حال ساخت هستند.

www.takbook.com

www.takbook.com

□ هالیوود همواره بدنبال یک دشمن در ورای مرزهاست

www.takbook.com

www.takbook.com

با فروپاشی نظام دو قطبی، عرصه روابط بین‌الملل و به تبع آن، سیاست خارجی آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت باقی مانده، دچار بحران معنا و هویت شده و رئالیسم به عنوان تئوری غالب جنگ سرد به چالش کشیده شد. در این هنگام برخی از متفکران آمریکایی در ارائه بدیلی برای کمونیسم به منظور جهت دهی سیاست خارجی این کشور مساعی زیادی به کار بستند؛ از جمله طرح «برخورد تمدن‌های هانتینگتون»، در این راستا مطرح شد، ولی هیچ کدام از این موارد به اندازه حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نتوانست برای تبیین و مفهوم سازی در زمینه سیاست خارجی آمریکا مؤثر باشد. دولت مردان نو محافظه کار آمریکا با استفاده از این حادثه بعد از دوره‌ای سرگردانی در سیاست خارجی و پس از فروپاشی کمونیسم، راهبرد جدیدی ارائه و آن را در سطح گسترده‌ای از جهان اعمال کردند. حمله‌های تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی در نیویورک و به پنتاگون برای همیشه دیدگاه امریکایی‌ها به خودشان و به جهان را دگرگون کردند. این نخستین حمله جدی به خاک اصلی امریکا، از زمانی که انگلیسی‌ها در ۱۸۱۲ کاخ سفید را به آتش کشیدند، بود و ملت امریکا را به شدت تکان داد و آنها را چنان متحد کرد که مانند آن از زمان حمله ژاپنی‌ها به پرل هاربور دیده نشده بود؛ حمله‌ای که در آن زمان منجر به ورود امریکا به جنگ دوم جهانی شد. هرچند ژاپن و امریکا تا آن مقطع زمانی آماده یک درگیری نظامی با

www.takbook.com

یک دیگر شده بودند.

با وقوع یازده سپتامبر، مقوله اسلام هراسی و بازنمایی مسلمانان، اعراب و خاورمیانه جایگزین پروژه قبلی بازنمایی، یعنی کمونیسم شد. هالیوود به طور عام دشمن را بر اساس دو مولفه شناسایی و از طریق رسانه به افکار عمومی معرفی می‌کند.

یکم: مولفه هراس از دشمن بر مبنای خطر ناشی از خشن و غیرمتمدن بودن آن

دوم: القای برتری آمریکا در مواجهه با این دشمن و در نهایت اطمینان بخشیدن برای نابودی آن توسط ایالات متحده.

در مولفه اول، بازنمایی رسانه‌ای جلوه تهدیدآمیز بودن دشمن جدید را بر اساس «اسلام هراسی» برجسته کرد. آمار و پژوهش‌های صورت گرفته در نخستین سال‌های پس از وقوع یازده سپتامبر، حاکی از شکل‌دهی به ذهنیت غالباً خام آمریکاییان نسبت به مردم خاورمیانه است. در گزارش شورای روابط اسلام و آمریکا (CAIR) در سال ۲۰۰٦ به عنوان نمونه، به اطلاع بسیار ناچیز و منفی آمریکایی‌ها از جهان اسلام اشاره می‌کند. بر اساس این گزارش «فقط ۲ درصد از آمریکایی‌ها اطلاع کامل از اسلام دارند و ۲۵ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند اسلام دین خشونت و تنفر است» در بین مطالعات انجام شده درباره چگونگی بازنمایی اعراب در رسانه‌های سرگرم‌کننده آمریکا، اثر برجسته «جک شاهین»، استاد ارتباطات دانشگاه الینویز به عنوان شاخص‌ترین اثر در این زمینه شناخته می‌شود.

شاهین در این اثر که در سال ۲۰۰۳ با عنوان «اعراب همواره بد؛ چگونه هالیوود به مردم بهتان می‌زند» منتشر شده، تصویر اعراب را در

www.takbook.com

۹۰۰ فیلم هالیوودی بررسی کرده است. او در این تحقیق نشان می‌دهد «تصاویر روی پرده‌های عریض سینما و تلویزیون بیش از صد سال است که در حال ساختن تصاویر کلیشه‌ای و باورهای قالبی از اعراب هستند».

در واقع شاهین در این دوره، روند شتابنده هالیوود برای بازنمایی مسلمانان را دارای پیشینه‌ای پنهان و بطئی قلمداد می‌کند که به یک باره به سطح آمده است. تحلیل‌هایی که از منظر انتقادی و با زاویه دید جک شاهین در این دوره صورت پذیرفته‌اند، غالباً موید نتایج یاد شده هستند. اسلام‌هراسی موجود در تولیدات رسانه‌ای آمریکا، از این رهگذر اشاره‌ای است به یک اضطراب اجتماعی نسبت به فرهنگ اسلام و مسلمانی و به شدت در حس تمایزگذاری میان خودی و غیرخودی ریشه دارد. انتقاد موجود در این دوره، نسبت به فرضیه‌های موهن طرح نشده، اما آشکارا ریشه آن در طرح این نکته است که در مورد مسلمانان، سیاست، مذهب و رسوم آنان و حتی روابط با ایالات متحده تهدید آمیز است. این واقع نمایی که آنها در مورد اسطوره عرب ــ که همواره معادل مسلمان انگاشته می‌شود ـ انجام می‌دهند، منجر به تولید نادرست دو بُعد «ما» و «سبک زندگی‌مان» در مقابل «غیرخودی‌ها» می‌شود. این دید دو بعدی در سیاست آمریکا به ویژه در دوران ریاست جمهوری جورج بوش و مشروعیت بخشی به «جنگ علیه تروریسم» و خشونت و شکنجه علیه مسلمانان در این دوره، به درون مایه‌ای بنیادین بدل شد.

تأکید غرب بر ادامه روند بازنمایی نژادپرستانه از غیر خودی‌ها، در ترسیم رویارویی با غیرخودی‌ها، رابطه‌ای عمیق با اندیشه‌های استعماری دارد. این بازنمایی‌ها درباره جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، تنها اطلاعاتی در اختیار ما قرار نمی‌دهند، بلکه این‌ها، جهان را طبقه بندی

www.takbook.com

می‌کنند و به آن نظمی می‌بخشند که برای مخاطب قابل فهم و برانگیزنده حسی مشترک است. شرن رازک (۲۰۰۸) در کتاب خود: «اخراج؛ بیرون راندن مسلمانان از قانون و سیاست غرب»، می‌نویسد: «تفکر نژادی به گسترش امپراطوری کمک می‌کند و باعث می‌شود که جهان بیش از پیش به وسیله منطق استثنا مدیریت شود. هر فصل، نمونه‌ای از یک کمپ است؛ جایی که در آن، قانون به تعلیق در می‌آید و مسلمانان از جامعه ملل بیرون رانده می‌شوند.... در نهایت، وقتی تصور می‌شود مسلمانان ذاتاً برای ملت‌ها تهدیدآمیز هستند، این گروه به عنوان افرادی خارج از جامعه ملل علامت گذاری می‌شود.»

رازک، شکنجه زندانیان ابوغریب و رفتار خشونت آمیز سربازان آمریکایی با زندانیان عراقی را نمونه‌ای از این کمپ می‌داند؛ فضایی که در آن، قانون هیچ‌گونه کارکردی در جلوگیری از ظلمی که به زندانیان مسلمان می‌شود، ندارد و حتی در راستای طبیعی جلوه دادن این اعمال خشونت‌آمیز عمل می‌کند. این پژوهشگر در تحلیل خود از زن مسلمان «آسیب‌پذیر» اشاره می‌کند که فمینیست‌های غربی نیز همگی در پروژه «جنگ علیه تروریسم» دست دارند؛ زیرا در تفاسیر آنان، خشونت اعمال شده بر اجتماعات مسلمان با اشاره به «نجات» زنان مسلمان از چنگال مردان «وحشی» و قوانین مرتجع توجیه می‌شود. نمایش‌های بصری باعث ایجاد حساسیت، تأدیب و به حاشیه راندن افراد می‌شوند، اما این به حاشیه راندن به‌طور مساوی شامل همه اجتماعات نژادی نمی‌شود. بنابراین، از حضور فعال برخی اجتماعات در کشورها جلوگیری می‌شود و در حق خود این اجتماعات نیز خشونتی ناعادلانه صورت می‌گیرد. ایجاد کلیشه منفی برای یک اجتماع ممکن است فشارهایی بر آن اجتماع

www.takbook.com

وارد کند، اما با در نظر داشتن پراکندگی نامتوازن روابط قدرت، برخی اجتماعات قادر هستند با استفاده از منابع و قدرت اجتماعی در مقابل چنین کلیشه‌هایی ایستادگی کنند.

در فوریه ۲۰۰۲، موسسه گالوپ درباره نامطلوب‌ترین کشورها از منظر مردم آمریکا یک نظر سنجی انجام داد. در نتایج به دست آمده، به ترتیب ایران، کره شمالی، عراق، کوبا و سوریه بدترین کشور معرفی شدند؛ یعنی همان کشور هایی که از منظر سیاست خارجی آمریکا به اصطلاح «یاغی» خوانده می‌شوند. به غیر از کوبا و کره شمالی، سه کشور دیگر مسلمان و واقع در خاورمیانه به حساب می‌آمدند. ایجاد و گسترش چنین ذهنیتی در میان افکار عمومی جامعه آمریکا را رسانه‌های این کشور به صورت سریع و مقطعی و با توسل به بمباران خبری و تفسیر های مرتبط با آن به وجود آورند. در حالی که در طول سالیان بعد، هالیوود به صورت تدریجی، اما عمیق و ماندگار، سازوکار بازنمایی را در میان ذهن مخاطبین نهادینه کرده است. اساساً تفاوت رسانه‌های خبری مثل سی ان ان و فاکس نیوز با تولیدات سینمای هالیوود در همین نکته است. خبرگزاری‌ها اثر مقطعی و آنی ایجاد می‌کنند، اما آثار سینمایی، کلیشه‌های ماندگار در ذهن مخاطبین می‌سازند.

به عنوان نمونه فیلم قلمرو پادشاهی(The Kingdome) در سال ۲۰۰۷، به کارگردانی پیتر برگ، به داستان گروهی از مأموران اف.بی.آی می‌پردازد که در حال بررسی یک بمب‌گذاری تروریستی در یک مجتمع مسکونی متعلق به کارگران آمریکایی در عربستان سعودی هستند (داستان این فیلم از جریان دو بمب‌گذاری واقعی در عربستان سعودی الهام گرفته است). چهار مأمور ویژه آمریکایی مسئولیت دارند تا ضمن بررسی

www.takbook.com

بمب‌گذاری روی داده، ظرف کمتر از پنج روز، مجرمان را شناسایی و دستگیر کنند. این محدودیت زمانی سطح هیجان فیلم را ارتقا می‌دهد و نوعی منطق بمب ساعتی به فیلم می‌بخشد. در روند فیلم، سرهنگ القاضی نیز در انجام مأموریت مورد نظر با گروه همراه می‌شود. «قلمرو پادشاهی» با توجه به آن چه پیشتر درباره اسلام هراسی پس از ۱۱ سپتامبر ذکر شد، به چند دلیل حایز اهمیت است؛ نخست، الهام گرفتن از بمب‌گذاری‌های صورت گرفته در مجتمع آمریکایی ریاض در سال ۲۰۰۳ و مجتمع مسکونی آمریکایی در شهر خبر در سال ۱۹۹۶ که روایتی مبتنی بر واقعیت را موجب شده و ابهامی به این فیلم بخشیده است که تا پیش از این در فیلم های تروریسم محور شاهد نبوده ایم. همچنین انتشار فیلم بعد از حادثه یازده سپتامبر نیز بر جذابیت آن افزوده و در چشم‌انداز سیاسی ـ اجتماعی کنونی، بستری مناسب برای آن فراهم شده است. در این چشم‌انداز:

الف: تنش‌ها نسبت به اسلام، مسلمانان و عرب‌ها تشدید یافته است.

ب: در پرتو «امنیت عمومی» اقداماتی چون تجسس، بازداشت و خشونت علیه این اجتماع، قانونی محسوب می‌شود.

ج: به منظور تعریف مرزهای تازه برای کشورها، از سیاست خارجی در کنار اقدامات نظامی استفاده می‌شود.

د: «نجات» زنان و کودکان مسلمان (به ویژه پس از آن در افغانستان) هم در فیلم های سینمایی و هم در عملیات واقعی یک اولویت قلمداد می‌شود.

در «سیریانا» محصول ۲۰۰۵، «جورج کلونی» سرشناس، ماموریتی را در خاورمیانه مرتبط با اقتصاد نفت آغاز می‌کند که با مسایل دیگری

www.takbook.com

همچون فساد سیاسی، تروریسم، بهره‌کشی از کارگران مهاجر در کشورهای عربی و غیره در هم آمیخته می‌شود. سکانس آغازین فیلم از تهران شروع می‌شود و با یک حادثه تروریستی شروع می‌شود و در ادامه در لوکیشن‌های متعددی از کشورهای حاشیه فارس ادامه می‌یابد. داستان فیلم ظاهرا در انتقاد به بعضی از ماموریت‌های سیا در کشورهای حوزه خلیج فارس پیش می‌رود، اما در عمل تصویری از نا امنی، فساد سیاسی و اقتصادی، برده‌داری نوین در قالب استثمار کارگران آسیایی شاغل در کشورهای عرب خلیج فارس و تروریسم ریشه‌دار در خاورمیانه ارائه می‌کند.

«جعبه درد» در سال ۲۰۰۹ نخستین فیلمی به حساب می‌آید که با موضوع خاورمیانه موفق به دریافت جایزه اسکار برای بهترین فیلم سال شد. «کاترین بیگلو» کارگردان این فیلم که در فیلم بعدی خود «سی دقیقه پس از نیمه شب» نیز دغدغه خود در رابطه با ساختن فیلم‌های سیاسی درباره خاورمیانه را نشان داد، در این فیلم داستان سه سرباز آمریکایی مشغول خدمت در عراق را روایت می‌کند.

فیلم اگرچه می‌کوشد نشان دهد نگاهی انسانی و بی‌طرف نسبت به پدیده جنگ عراق دارد، اما در نهایت به تلطیف دیدگاه‌های مخاطبین خود درباره اشغال عراق مبادرت می‌کند. در این فیلم، سربازان آمریکایی ایثارگر، میهن پرست و متهور نشان داده می‌شوند که دغدغه آسیب ندیدن غیر نظامیان و مردم عراق را دارند. در نقطه مقابل، تروریست‌های عراقی، کینه توزانه در صدد کشتن آمریکایی‌ها هستند، بی‌آن که اشاره‌ای به دلایل تنفر آنها از اشغال نظامی کشورشان ارائه شود. فیلم همچون «سیریانا» با پخش اذان روی عنوان بندی شروع می‌شود و دیگر نشانه‌ها

www.takbook.com

و اِلمان‌های مسلمانان در صحنه‌های مربوط به تروریسم و کشتار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این‌گونه فیلم‌ها، استراتژی قطبی‌سازی اولین استراتژی کلی بیان نگرش‌های مشترک گروه محور و ایدئولوژی‌ها از طریق مدل‌های ذهنی است که مبتنی بر توصیف مثبت گروه درون گروهی و توصیف منفی برون گروهی است. مبنای عمل قطبی‌سازی همان تقابل‌های دوگانه است که در بافت ایدئولوژیک سعی بر طبیعی‌سازی آنها می‌شود. بر اساس یک الگوی ایدئولوژیک، ما از آنها جدا می‌شویم و سعی می‌شود «ما» با ارزش‌های مثبت و «دیگران» با ویژگی‌های ارزشی منفی ترسیم شوند. فیلم‌های مرتبط با مردم خاورمیانه در دوران بعد از یازده سپتامبر، ترویج شکلی از نژادپرستی جدید فرهنگی است که در آن «دیگری» به سطح ابژه‌های رسانه‌ای فرو کاسته می‌شود که هر گونه کنشی در مقابل آنها مجاز است. این شکل جدید از نژادپرستی با مفهوم اسلام هراسی مقارن است و می‌توان به راحتی ریشه آن را در تاریخ گذشته و در تجربه استعمار جستجو کرد. تجربه‌ای که استعمار را به مثابه امری طبیعی و بخشی از تجربه بشر جلوه داده و فرودست شمردن بخش اعظمی از انسان‌ها را مشروعیت بخشیده است. آن چه از آن تحت عنوان مطالعات پسا استعماری یاد می‌شود به وضوح نشان می‌دهد این سلطه از شکل جغرافیایی و آشکار خود به حوزه فرهنگی انتقال یافته و شکلی چند لایه به خود گرفته است. آن چه در ادبیات سیاسی نظریه‌پردازان غربی به وضوح نمایان است.

موجی که در این روزها[1]، دونالد ترامپ و گروهش بر آن سوار

---

۱. زمان انتشار این نوشتار

www.takbook.com

شده‌اند، مبین پروژه اسلام‌هراسی هالیوود و دیگر رسانه‌های آمریکاست که از یک دهه پیش تا به حال در حال تکوین است. در واقع ظهور پدیده ترامپیسم بدون پیش زمینه فکری در ایالات متحده صورت نپذیرفته و بیش از پانزده سال است که خاورمیانه، اسلام و ایران، به‌عنوان «دیگری»های خطرساز برای منافع و امنیت ملی آمریکا بازنمایی شده‌اند.

www.takbook.com

www.takbook.com

□ هاليوود عليه كمونيسم

www.takbook.com

www.takbook.com

متعاقب بازنمایی مقوله‌های مرتبط با سیاست داخلی مانند ساکنان بومی آمریکا و جمعیت سیاهان این کشور، هالیوود از اواسط قرن بیستم و هم زمان با فعال شدن آمریکا در مناسبات بین‌المللی وارد حیطه‌های مرتبط با سیاست خارجی شد. قبل از اتمام جنگ جهانی و تقسیم دنیا به دو بلوک شرق و غرب، آمریکا که خلاف خط مشی انزواطلبانه خود وارد معادلات جنگ شده بود، استفاده از فیلم را در خدمت سیاست خارجی ضروری دید. این ضرورت پس از جنگ جهانی و در دوران جنگ سرد و سپس حوادث یازده سپتامبر و دوران محوریت خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا، همچنان حفظ و تقویت شده است.

هالیوود احساسات را علیه ژاپن یاغی بسیج می‌کند

وقتی در اواخر دهه ۱۹۳۰ فرانکین روزولت به این نتیجه رسید که جنگ با ژاپن و آلمان، غیرقابل اجتناب است، به کمک هالیوود نیاز داشت تا مردم «انزواطلب» آمریکا را مجاب کند که مجبورند وارد جنگ شوند. در همان سال قبل از حملهٔ ژاپنی‌ها به پرل هاربر، چهل فیلم سینمایی ساخته شد که آمادگی نظامی را تبلیغ می‌کرد. حال آن که یک سال قبل از آن هیچ خبری از این گونه فیلم‌ها نبود. در واقع، تولیدات هالیوودی آن قدر جنگ طلبانه شدند که مجلس سنا تحقیقاتی را آغاز کرد تا معلوم شود آیا استودیوها عامدانه خیال دارند ملت را به سوی جنگ سوق دهند

www.takbook.com

یا خیر. روزولت علنا اعلام می‌کرد که نمی‌خواهد هیچ سانسوری بر هالیوود تحمیل شود ولی به طور محرمانه بر «اداره فیلم‌های سینمایی» نظارت داشت که کار آن بررسی فیلمنامه‌ها و ارائه «توصیه» هایی به شرکت‌های سینمایی بود. در سال ۱۹۴۳ این اداره تعطیل شد ولی جای خود را به «اداره ممیزی» داد که «توصیه»های آن یکی را به «دستور» تبدیل کرد.

فیلم های جنگی مثل «جزیره بیداری» (۱۹۴۲) و «مقصد توکیو» (۱۹۴۳) بر تنوع فرهنگی، دموکراسی آمریکایی و کارآیی «کارهای گروهی» تاکید داشت و فیلم‌های دیگر مثل «کازابلانکا» (۱۹۴۲) و «باتان» (۱۹۴۳) به نیاز بر ایثار و ازخودگذشتگی تاکید می‌کردند. با این حال فیلم‌هایی نیز بودند که تصویری اهریمنی از دشمن ارائه می‌دادند مثل سری فیلم های مستند فرانک کاپرا تحت عنوان «چرا می‌جنگیم؟» یا فیلم های دیگری که شرکت «وارنر» ساخت و در آنها تصویر زشتی از ژاپنی‌ها به بیننده منتقل می‌شد.

روس‌ها؛ شیاطین جدید سینمای آمریکا

اما پایان جنگ جهانی دوم با آغاز دوران رقابت آمریکا و شوروی مقارن شد و موجی از جنگ تبلیغاتی را نیز با توسل به ابزار رسانه پدید آورد. جنگ سرد، اصطلاحی که در سال ۱۹۴۷ توسط برنارد باروخ، متخصص مالی و سیاستمدار آمریکایی ابداع شد و والتر لیپمن، روزنامه‌نگار آمریکایی آن را رواج داد، مبین مجموعه‌ای از رقابت‌های نظامی، سیاسی، فضایی و هسته‌ای دو ابرقدرت آمریکا و شوروی بود. در این میان رقابت فرهنگی ـ رسانه‌ای دو بلوک شرق و غرب را نیز باید در کنار رقابت‌های

www.takbook.com

مذکر به‌طور ویژه مورد توجه قرار داد. مبارزه با ایده کمونیسم در هالیوود نه فقط جنبه ایجابی قدرتمندی پیدا کرد، بلکه ابعاد سلبی آن نیز خیلی زود نمایان شد؛ پس از سال ۱۹۴۵ در آمریکا قانون «Hartley Taft» اتحادیه‌ها را مجبور کرد تا قسم یاد کنند که هیچ گونه عضویت و وابستگی به کمونیست‌ها ندارند. قانون «Nixon –Mund» در ۱۹ می۱۹۴۸ کمونیست‌ها وادار کرد تا در مقابل مقامات فدرال به وابستگی خود اعتراف کنند. کمیسیونی به سرپرستی سناتور جوزف مک کارتی مسئولیت ارزیابی گسترش کمونیست را به ویژه در هالیوود بر عهده گرفت. هر کسی که در آن شهرک سینمایی کمونیست یا از طرفداران آن به شمار می‌رفت، مظنون شناخته می‌شد. «فهرست سیاهی» از تهیه‌کنندگان، فیلمنامه‌نویسان، ستاره‌ها و کمدین‌های مشکوک به انجام فعالیت های ضدآمریکایی تنظیم شد. بعضی از آنها به زندان افتادند و افراد دیگر مانند چارلی چاپلین، جول دسن یا جوزف لوزی تبعید شدند.

استودیوهای بزرگ فیلم‌سازی که معمولاً توسط تبعیدیان اروپایی اداره می‌شدند، برای اجتناب از اتهام و اثبات دوستی خود به ایالات متحده، به سرعت مبادرت به تولید فیلم های ضدکمونیستی کردند که از میان فیلم‌های آن دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پرده آهنین ۱۹۴۶ اثر ویلیام ولمن یا فیلم مایکل اندرسون ۱۹۵۶ که بر گرفته از رمان معروف Greargrorwell بود همچنین Walk a crsoked mile اثر گوردون داگلاس که نخستین فیلمی بود که با موضوع وجود کارخانه‌ای هسته‌ای که جاسوسان خارجی درصدد یافتن نقشه آن هستند، ساخته شد. سینما در دوره یاد شده بیشتر از دیگر وسایل ارتباط جمعی توانست وحشت، ترس جمعی و بی‌اعتمادی موجود را منعکس کند. خطر «تهدید

www.takbook.com

سرخ» جامعه آمریکایی را فرا گرفته بود و بعضی از فیلم‌ها با این ایدئولوژی که دشمن از خارج می‌آید، از هم گسیختگی خانواده هایی را نشان می‌داد که یکی از اعضای آن توسط کمونیست‌ها «فاسد» شده بودند. (تاراجی ۱۳۸٤، ۱۸). در سال ۱۹۵۳ ساموئل فولر «جیب بر خیابان جنوب» را با مضامین ساخت؛ فیلمی که منتقدین آن را یک اثر زننده ضدکمونیستی توصیف کردند. در سال ۱۹٦۱ بیلی وایدر سرشناس فیلم «یک، دو، سه» را با حال و هوای فیلم‌های جنگ سرد تولید کرد، «یک دقیقه به صفر» تای گارنت (۱۹۵۲)، و «حکومت نظامی» گوستاو گاوراس هم نمونه‌های دیگری از رویکرد بازنمایی هیولای کمونیسم در هالیوود محسوب می‌شوند.

ساخت فیلم‌های ضدکمونیستی در سال‌های اولیه الزاما به این معنا نبود که تمامی شرکت های فیلمسازی هالیوود مستقیما کارگزار دستگاه سیاست خارجی آمریکا هستند. هر چند در سال های پس از جنگ اسنادی منتشر شد که دخالت آشکار سیا را در ساخت فیلم های ضدکمونیستی بر ملا می‌کرد. به عنوان نمونه کتاب «جنگ سرد فرهنگی: سیا و جهان هنر و ادب» که به سال ۱۹۹۹ توسط فرانسس استونر سندرس و در لندن منتشر شد، مجموعه اعمال نفوذهای سیا در دستگاه تولید فرهنگ آمریکا را برای پیروزی ایالات متحده مقابل کمونیسم، از مجرای غیر نظامی شرح داده است. درباره سینما به طور مثال فیلم های ضدکمونیستی «مزرعه حیوانات» و «۱۹۸٤»، (هردو برگرفته از رمان های جورج ارول) با بودجه سازمان سیا ساخته شدند. با این وجود همواره هالیوود به موازات جریان فیلم سازی برآمده از سیاست‌های کلان فرهنگی کشور، جریان منتقد و مستقلی نیز داشته است که این مهم، خود

www.takbook.com

بر تأثیر گذاری سینمای آمریکا در میان افکار عمومی جهان افزوده است؛ چرا که باعث شده هالیوود از یک دستگاه پروپاگاندا صرف، به یک ساز و کار هنری تحسین برانگیز ارتقا یابد. عده‌ای وجود یک جریان متعالی و انتقادی در سینمای آمریکا را به عنوان تمهیدی متعادل‌کننده در مقابل جریان هژمونی فرهنگی هالیوود تلقی می‌کنند. به عنوان نمونه در واکنش به جنگ ویتنام، فیلمسازان مستقلی چون «الیور استون»، «فرانسیس فورد کاپولا» و «استنلی کوپریک» به ساخت فیلم‌هایی که عمیقا منتقد جنگ ویتنام بودند پرداختند که توجه جامعه هنری وقت را به خود جلب کرد. در مجموع اما با بررسی روند قالب تولیدات سینمایی در دوران جنگ سرد، در نشانه شناسی فیلم‌ها و قهرمانان آن زمان هالیوود به طور معمول سیاست ضدکمونیستی آمریکا در قالب بسیاری از آثار به طور مستقیم و غیرمستقیم انعکاس داشته است.

توافقات سری سیا با دنیای انیمیشن

علاوه بر فیلم، هالیوود که در مهمترین تولیدکننده انیمیشن در جهان نیز به حساب می‌آید، در دوران جنگ سرد از این ژانر نیز به عنوان عاملی برای پیشبرد هژمونی فرهنگی بهره برد. چنان چه ذکر شد انیمشن «مزرعه حیوانات» پیرو برنامه فرهنگی سیا که از اواخر دهه ۵۰ میلادی و با اختصاص بودجه قابل توجهی برای مبارزه با گسترش فرهنگ کمونیسم به کار گرفته شده بود، ساخته شد. در همان دوران، شرکت ساترلند مجموعه‌ای از این انیمشن‌های تبلیغاتی را تولید کرد که از سوی سازمان گسترش فرهنگ در آمریکا و برای دانشگاه هاردینگ تولید می‌شد. هدف از این گونه فیلم‌ها رواج فرهنگ آمریکایی و همچنین

www.takbook.com

جلوه دادن آمریکا به عنوان بهترین کشور دنیا بود. به طور مثال انیمیشن «در رفت و آمد» که در سال ۱۹۴۸ به سفارش دانشگاه هاردینگ ساخته شد و به کارتون جنگ سرد ملقب شد، از انگیزه‌ها و اهداف کاپیتالیسم دفاع می‌کرد و آن را مورد ستایش قرار می‌داد. این انیمیشن داستان کارگر ساده کارخانه صابون سازی را به تصویر می‌کشد که به خاطر لیاقت در تولید محصولات بهتر به یک کارخانه بزرگ‌تر انتقال یافته و در آن جا نیز به پیشرفت‌های زیادی دست می‌یابد.

محصول دیگری که جزء تولیدات مهم ساترلند به حساب می‌آید، فیلم «ملاقات با پادشاه جو» است. این فیلم هم مانند سایر فیلم های ساترلند به سفارش دانشگاه هاردینگ و در سال ۱۹۵۰ ساخته شده است. این انیمیشن که در سال‌های جنگ سرد تولید شد، کارگران آمریکایی را به تصویر می‌کشد که با هدف یک زندگی بهتر و آینده‌ای روشن تر در حال فعالیت و کوشش فراوان هستند. فیلم در واقع به دنبال دفاع از مفاهیم اقتصاد لیبرالی که توسط کمونیسم به چالش گرفته می‌شد بود؛ شیوه زندگی آمریکایی بر پایه مصرف گرایی بنا شده بود و در این میان، سرمایه داران با به کارگیری سرمایه‌های فراوان خود و با استفاده از نیروی کار مناسب و ارزان قیمت کالاهای زیادی را تولید می‌کنند؛ به طبع در این میان دستمزد کارگران نیز باید سیر صعودی داشته باشد. در این هرم اقتصادی با رشد سرمایه و استفاده از نیروهای کار، تولیدات نیز افزایش یافته و با رشد میزان تولید و ایجاد حس رقابت میان تولیدکنندگان، قیمت کالا کاهش چشمگیری خواهد داشت. با استفاده از همین شیوه اقتصادی است که آمریکا تبدیل به یک قطب اقتصادی مهم در جهان شده و وجود آن در دنیای اقتصادی بیش از پیش احساس

www.takbook.com

می‌شود. انیمشن‌های دیگری همچون (آزادی مرا فراهم کن: ۱۹۴۸)، (آلبرت در بلوندرلند: ۱۹۵۰)، (Inside Cackle Corner:1951) و (Why Play Leapfrog: 1948) همگی توسط شرکت ساترلند و به سفارش غیر مستقیم دولت وقت ایالات متحده آمریکا در راستای نشر افکار ضدکمونیستی و تبلیغ موضع برتر آمریکا (که به تازگی آن را به دست آورده بود) تولید شدند.

راکی و رمبو علیه کمونیسم

در این دوران همچنین، قهرمانانی نیز توسط هالیوود ساخته شدند که در قالب مجموعه فیلم‌های دنباله‌دار، گرایش به القای مفاهیم ضد کمونیستی از خود نشان می‌دادند. گذشته از نسخه‌های سینمایی کمیک استریپ‌ها، همچون «بتمن»، «سوپر من»، «اسپایدر من» و امثال آنها، که نماد انسان برتر، جسور و فکور آمریکایی را به جهان معرفی می‌کردند، ستاره هایی مانند «جیمز باند»، «راکی» و «رمبو» نیز در راستای اهداف سیاست خارجی آن زمان به وجود آمدند. به عنوان نمونه فیلم «راکی ۲» که یکی از فیلم‌های پرفروش کریسمس ۱۹۸۵ بود، نمایش تمثیلی جنگ سرد شوروی و آمریکا در رینگ بوکس است. در این فیلم «سیلوستر استالونه» آمریکایی که با ایفای نقش در سه فیلم قبلی راکی، هویت خود را به عنوان «نماینده یک شهروند امریکایی که می‌توان با پشتکار و تلاش از صفر به ثروت برسد» تثبیت کرده است؛ با حریف روسی خویش به نبرد می‌پردازد و او را مغلوب می‌کند.

در پایان فیلم «راکی ٤» نیز پس از این که استالونه به شوروی می‌رود و دل تماشاگران روس اطراف رینگ بوکس را به دست می‌آورد و

www.takbook.com

قهرمان بوکس شوروی را شکست می‌دهد، طی نطقی خطاب به مردم شوروی می‌گوید: «وقتی من این جا آمدم شما من را دوست نداشتید و من نیز علاقه چندانی به شما نداشتم، بعد دیدم که احساسات کم کم تغییر کردند. شاید همه ما بتوانیم تغییر کنیم.» جمعیت می‌غرد و رهبر شوروی برای تشویق او به پا می‌خیزد! در ابتدای فیلم راکی به همسرش گفته بود که او یک جنگجوست و نمی‌تواند خودش را عوض کند. و حالا که عاقلانه تر فکر می‌کند به این نتیجه می‌رسد که ما همگی می‌توانیم دیگر جنگجو نباشیم؛ بدین ترتیب راکی بیلبائو، یک رهبر مصالحه جو به سبک آمریکایی می‌شود.

استالونه همچنین در فیلم «رمبو» در جنجالی‌ترین فیلم آن سال و بزرگترین تبلیغ برای آمریکا در سراسر جهان، نقش یک سرباز بازنشسته، عضلانی و غیرقابل انعطاف جنگ ویتنام را ایفا می‌کند. او مجددا به ویتنام فرستاده می‌شود تا حضور آمریکایی‌های گمشده را به اثبات برساند. «رمبو» یک تنه زندانیان آمریکایی در ویتنام را از دست شکنجه گران دیو صفت کمونیست ویتنامی و و رییس روس اردوگاه زندانیان جنگی نجات می‌دهد. «رمبو» همان‌طور که در فیلم «اولین خون» هم نشان داده بود، یک تنه حریف یک لشکر است و شاید کافی بود تا در ذهن تماشاگران آمریکایی این تصور پیش بیاید که با داشتن چنین سربازانی دیگر چه نیازی به بمب اتم وجود دارد! با فیلم «رمبو» بار دیگر قوای آمریکا تبدیل به عاملان احسان و نیکوکاری می‌شوند، همان گونه که در جنگ جهانی دوم چنین نقشی بر عهده داشتند.

«رمبو ۳» در سال ۱۹۸۸ و در دوران افول این مجموعه اکران می‌شود. وی به افغانستان می‌رود تا مجاهدین افغان را در جنگ با متجاوزین

www.takbook.com

شوروی یاری دهد. نکته قابل ذکر آن که موسیقی آمریکایی نیز همپای هالیوود (بعضا فراتر از آن)، تأثیر عمیقی در بازنمایی بلوک غرب در میان جوانان کشورهای کمونیستی به ویژه اروپای شرقی به جا گذاشت. چنان چه موسیقی راک، گروه جنجالی بیتلز و به ویژه شبکه پخش ویدیو کلیپ های آمریکایی «ام تی وی» به موج اشتیاق برای گسستن از اتحاد جماهیر شوروی را در بین جوانان این کشور دامن می‌زد. همان طور که تعدادی از جوانان آلمانی که دیوار برلین را فروریختند تی‌شرت‌هایی با آرم «ام تی وی» بر تن داشتند و رییس هیات مدیره رادیو تلویزیون دولتی آمریکا «بی بی‌جی» با قاطعیت در آن دوران تاکید می‌کرد: این «ام تی وی» بود که دیوار برلین را فرو ریخت. به هر روی پرداختن به موسیقی و اثرات آن در دوران جنگ سرد نیازمند مقاله بسیط دیگری است که در این مجال نمی‌گنجد.

www.takbook.com

www.takbook.com

□ هالیوود علیه رنگین‌پوستان

www.takbook.com

www.takbook.com

پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پروژه بازنمایی و دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا معطوف به شوروی و اقمار آن بود؛ به بیان دیگر پیش از مطرح شدن مفاهیمی همچون بنیاد گرایی اسلامی و تروریسم، لیبرال دموکراسی در تقابل ایدئولوژیک با کمونیسم قرار داشت. این دوره نسبتا طولانی، پیشینه‌ای از عملکرد رسانه‌ای آمریکا در قبال بسط هژمونی از طریق بازنمایی و محدود کردن جذبه ایدئولوژیک رقیب را ارایه می‌کند. اما آن چه در این جا لازم به اشاره است این است که حتی پیش از آن که ایالات متحده وارد رقابت ایدئولوژیک با شوروی در عرصه روابط بین‌الملل شود، از بازنمایی در هالیوود برای نیل به اهدف فرهنگی در داخل کشور استفاده می‌کرد.

به طور دقیق، نخستین نمونه‌های تحلیل گفتمان انتقادی هالیوود در خصوص بازنمایی کاراکتر ساکنان اولیه قاره آمریکا (سرخپوستان) و پس از آن سیاهان در سینمای آمریکا صورت پذیرفته است. درباره سرخپوستان، بسیاری از فیلم‌های هالیوود به صورت مستقیم و عیان مانند «دلیجان» (ساخته جان فورد: ۱۹۳۹) و «یونیون پاسیفیک» (ساخته سیسیل. ب. دومیل: ۱۹۳۹) یا در قالب اشارات مستتر و پیچیده مثل فیلم برنده جایزه اسکار «رقصنده با گرگ» (ساخته کوین کاستنر: ۱۹۹۰)، سرخپوستان را مهاجمانی نیمه وحشی و مرگ آفرین تصویر می‌کند. جیمز موناکو در کتاب چگونگی درک فیلم از کلیشه ها و قالب هایی

www.takbook.com

سخن می‌گوید که چهره‌ای نادرست از سرخپوستان در فیلم‌ها ارایه کرده است.

اما درباره بازنمایی سیاهان آمریکا در فیلم‌های هالیوود، از پیروزی جنبش‌های مدنی تاکنون پژوهش‌های بیشماری در محافل علمی ایالات متحده صورت پذیرفته است. در این جا به عنوان نمونه می‌توان به اثر ریچارد دایر تحت عنوان «سفید» اشاره کرد که در آن به بررسی نحوه بازنمایی سفیدپوستان (تحت عنوان کلی سفید) در سینمای هالیوود پرداخته شده است. دایر، سه نمونه از فیلم‌های ساخته شده در دوره‌های مختلف تاریخی در هالیوود را مورد بررسی قرار می‌دهد: "Simba", "Night of Living Dead" و "Jezebel". هر کدام از این فیلم‌ها از نظر ژانر و زمان ساخت، متفاوت از یکدیگرند، دایر (۲۰۰۵) معتقد است این فیلم‌ها به اشکال گوناگونی به بازنمایی سفید پوستان می‌پردازند؛ اما شکی نیست که در راستای تقویت کلیشه‌های ساخته شده درباره گروه‌های فرو دست عمل می‌کنند. کلیشه‌ها هرگز به شکل ناب و خالص ارایه نمی‌شوند، بلکه قسمتی از فرآیندی هستند که به واسطه آن، کلیشه‌ها طبیعی جلوه داده می‌شوند و حیاتشان تضمین می‌شوند. بر این اساس دایر کلیشه‌های ساخته شده در این فیلم‌ها را به شرح ذیل دسته‌بندی می‌کند:

الف) هر سه فیلم دیدگاهی را که در آن سفیدپوستان افراد منظم، عقلانی و ساعی هستند در تضاد با سیاهپوستان (به عنوان افرادی بی‌نظم، غیرعقلانی و بی‌بند و بار) به تصویر کشیده‌اند. فیلم Simba بر مبنای تقابل دوگانه ساده و آشکار سفید ـ سیاه پیش می‌رود. Jezeble مبهم‌تر عمل می‌کند و سیاهان را در تضاد با زنانشان نشان می‌دهد و فیلم

www.takbook.com

Night of Living dead با ایما و اشاره به ساخت کلیشه‌ها کمک می‌کند.

ب) بازنمایی سیاهان در این سه فیلم امکان دیدن سفیدپوستان به مثابه سفیدپوست را فراهم می‌کند...این روشی است که با روانشناسی اگزیستانسیالیستی مفهوم «دیگری» در هویت سازی گره خورده و ریشه در آرای «ژان پل سارتر» دارد.

ج) در هر سه فیلم سفید پوستان در موضع قدرت اند، اما به لحاظ جسمانی به سیاه پوستان وابسته هستند. هر فیلم با شدت و حدت متفاوتی این وابستگی را به تصویر می‌کشند. در Simba این وابستگی ضعیف، در Jezeble وابستگی قوی و شدید اما هنوز در حالت پوشیده و ضمنی و در فیلم سوم وابستگی شدید و واضح به تصویر کشیده شده است.*

در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱٤ فیلم‌های «جانگوی آزاد شده» و «دوازده سال بردگی» با محوریت ستمی که بر سیاهان در دوره برده داری آمریکا تحمیل شده بود، در آکادمی اسکار و از دیدگاه منقدین مورد اقبال واقع شدند. به علاوه در سال‌های پیش از دو تاریخ مذکور نیز فیلم‌های زیادی از این دست در هالیوود ساخته شده اند؛ اما برخی از صاحبنظران همانند استوارت هال (در کتاب تاریخ تفسیری سیاهان در آمریکا) معتقدند با وجود تحول دیدگاه به سیاهان در هالیوود که ناشی از فشار نهادها و رسانه‌های مختلف هستند، اما اصل مساله بازنمایی «دیگری» در قالب کلیشه‌های رسانه‌ای و طبیعی سازی‌ها پابر جا مانده است.

اساس نظری مبحث سیاهان و بازنمایی در هالیوود را می‌توان نوعا به حوزه روابط بین‌الملل تعمیم داد. بازنمایی برتری و هژمونی آمریکا در

---

* ترجمه تقسیم‌بندی دایر از عبدالله گیویان و محمد سروی‌زرگر

www.takbook.com

رسانه، برای «دیگری» (بلوک شرق در دوران جنگ سرد یا خاورمیانه پس از یازده سپتامبر) تداعی‌کننده کلیشه‌های سیاه ــ سفید فیلم‌های مذکور است. کلنر می‌گوید: «نمایش رسانه‌ای که ما بررسی می‌کنیم، همچون اسطوره‌شناسی رولان بارت، پدیده‌های فرهنگی مهمی هستند که نظم موجود اجتماعی را بازتولید کرده، آن را طبیعی و ایده آل جلوه می‌دهند». این نقطه نظر کلنر درباره بازتولید نظم اجتماعی را می‌توان با نظام بین‌الملل و نظم مد نظر قدرت هژمون تطابق داد که از مجرای تولیدات فرهنگی انحصاری اعمال می‌شود. در بخش بعدی به مبارزه هالیوود با کمونیسم در خلال سال‌های جنگ سرد پرداخته می‌شود.

www.takbook.com

□ بازی تاج و تخت؛ وحشت از تروریسم بین‌المللی

www.takbook.com

www.takbook.com

در مجموعه تلویزیونی بسیار مشهور بازی تاج و تخت «Game of Thrones» وایت واکرها مردانی تغییر ماهیت یافته و شیطانی هستند که ظاهرا برنامه‌ای برای حمله به قلمرو انسان‌ها و از بین بردن تمدن بشری طرح ریزی کرده‌اند. آنها در سرزمین‌های یخ زده شمال دیوار (مرز بین انسان‌ها و دیوها)، پس از سال‌ها انقیاد، از دل یخچال‌ها بیرون آمده‌اند و لشگری از مردگان را برای حمله ای بزرگ و ویرانگر تدارک می‌بینند.

تاثیر و محبوبیت مجموعه بازی تاج و تخت به حدی است که پس از شش سال از انتشار فصول این مجموعه، رفته رفته داستان‌های اساطیری آن به همراه کاراکترها و افسانه‌های تودرتوی آنها، بدل به نوعی‌آیین‌واره – Cult – در بین مخاطبان بیشمارش در سراسر جهان و از جمله در ایران شده است. بازی تاج و تخت حاوی مضامین پیچیده فلسفی و سیاسی است که طیف گسترده‌ای از نظرات بدبینانه به ذات بشر و جبر تاریخی تا تمثیل‌هایی از نظام بین‌الملل حاضر و بازیگران دولتی و غیردولتی موجود در آن را در بر دارد.

برای رمزگشایی مجموعه، شاید صرف تحلیل شخصیتی نویسنده «جرج.آر.آر.مارتین» یا تهیه‌کنندگان سریال کفایت نکند. در عوض کارکردهای معنایی و نشانه‌شناختی شخصیت‌هایی مثل وایت واکرها می‌تواند بیانگر تاثیر ناخودآگاه یا خودآگاه ترتیبات سیاسی جهان معاصر

www.takbook.com

بر خلق نمادین نیروهای خیر و شر در دنیای خیالی داستان باشد. از این رهگذر، سوال اینجاست که وایت واکرها در نقش منفی‌ترین شخصیت‌های این مجموعه، چه نشانه‌های برای همانند سازی در نظام بین‌الملل امروز به دست می‌دهند؟

تجربه‌طالبان و داعش

سریال به طرح یک مضمون موازی با وایت واکرها در فصل پنجم مبادرت می‌کند. در این فصل، «سرسی» ملکه بدذات و حیله گر پایتخت هفت اقلیم که جایگاه خود را به خاطر توطئه های خاندان عروسش در خطر می‌بیند، با یک گروه مذهبی تندرو که پایگاه مردمی وسیعی در بین فقرا و عوام دارد متحد می‌شود تا عروس خود و سایر مدعیان تاج و تخت را سر جایشان بنشاند. در بادی امر، این گروه بنیادگرا، دشمنان «سرسی» را به اتهام فساد اخلاقی دستگیر و شکنجه می‌کند. اما رفته رفته تحت حمایت‌های «سرسی»، افراطی‌ها قدرت بیشتری می‌گیرند و کنترل اوضاع از دست می‌رود. تا آن جا که تندورهای مذهبی بعد از فایق آمدن بر رقبای «سرسی»، خود او را هم به اتهامات مشابه مجرم تشخیص داده و مورد حمله قرار می‌دهند. در نهایت «سرسی» مجبور می‌شود این گروه را از میان ببرد و دوباره ابتکار عمل سیاسی را اعاده کند.

ایالات متحده آمریکا تا کنون دو مرتبه اشتباه «سرسی» را در خاورمیانه مرتکب شده است؛ بار اول از مجاهدین افغان در برابر شوروی حمایت کرد تا موازنه جنگ سرد به هم نخورد، اما بنیادگرایی برآمده از این فعل و انفعال در قالب طالبان، نهایتاً پنجه در روی آمریکا کشید. وهله بعد حمایت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن از گروه‌های

www.takbook.com

سلفی و تکفیری در عراق و سوریه بود تا نفوذ رو به تزاید ایران در این دو منطقه را مهار کنند، اما داعش برآمده از این استراتژی، همانند گروه تندروی «هفت» در بازی تاج و تخت که ذکر آن رفت، خیلی زود گریبان حامیان خود را هم گرفت.

وایت واکرها، تروریسم و یخبندان

وایت واکرها هم مثل داعش و طالبان محصول محاسبات استراتژیک دیگران هستند که رفته رفته از کنترل خارج شده و نفرت و خشونت را علیه سازندگان خود به کار می‌گیرند. وایت واکرها را یکی اقوام باستانی مجموعه برای مقابله با دشمنان خود ساختند، اما نهایتا آنها علیه خودشان قد علم کردند.

در حال حاضر داستان در نقطه ای است که وایت واکرها از سرزمین سرد و یخبندان شمال و در پشت «دیوار» برخاسته‌اند و به نیت نابودی شهرها و انسان‌ها پیش می‌آیند.[1] شمال، محلی است که «وحشی ها»، غول‌ها و وایت واکرها در آن هستند. ساکنین هفت اقلیم با ساختن یک دیوار، قلمرو خود را از دیگرانی که گفته شد جدا کردند. اما رستاخیز وایت واکرها باعث فرار وحشی‌ها و تلاش آنها برای یافتن محل‌های امنی پشت دیوار شده است. وایت واکرها شباهت‌های زیادی به پیکار جویان داعش دارند. آنها مظاهر تمدن را از میان می‌برند، بی‌محابا می‌کشند و سر می‌برند، لشگری از مردگان دارند که گوش به فرمان آنها هستند و مثل ماشین می‌جنگند. هدف غایی آنها نابودی شهر هاست؛ چرا که از همه متنفرند و می‌خواهند حکومت مطلوب خودشان را برقرار

۱. در زمان نگارش این مطلب

www.takbook.com

کنند. در عین حال اختلافات درونی هفت اقلیم، مانع توجه آنها به خطر وایت واکرها شده است. هر چند در انتهای فصل ششم سریال، وایت واکرها به لبه قلمرو انسان‌ها رسیده‌اند و نقش مهمی را در ادامه مجموعه بر عهده خواهند گرفت.

بازی تاج و تخت، وایت واکرها را نمادی از تروریسم و بنیادگرایی قرار می‌دهد. شمال می‌تواند تمثیلی از خاورمیانه باشد و نگهبانان دیوار (نگهبانان شب) متحدین غرب مثل رژیم صهیونیستی هستند (چنانچه این تعبیر پیشتر هم مورد اشاره بعضی نویسندگان قرار گرفته است) که در این منطقه، دنیا را از شر وحشی‌ها و وایت واکرهای پشت «دیوار حایل» صیانت می‌کنند.

در این میان، به احتمال فراوانی در دو فصل پایانی این مجموعه، رقبای متخاصم در هفت اقلیم، رفته رفته نزاع درونی را کنار گذاشته و علیه خطر وایت واکرها متحد می‌شوند. بازی تاج و تخت، دشمن اصلی را تروریسم و بنیادگرایی در حال گسترشی معرفی می‌کند که غرب نیز در برساختن و تکوین آن بی‌تاثیر نبوده و اینک جهان را به سمت تاریکی پر از وحشت و زمستان طولانی سوق می‌دهد. همان‌طور که استنیس براتیون (Stannis Baratheon) یکی از شخصیت‌های داستان در توصیف اهمیت خطر وایت واکرها می‌گوید: «شیاطینی از برف و یخ و سرما... دشمنی باستانی.... تنها دشمنی که اهمیت دارد.»

www.takbook.com

□ برکینگ بد؛

برداشت‌هایی از مصادیق سیاست خارجی آمریکا

www.takbook.com

www.takbook.com

سریال «Breaking Bad» که به خاطر ایهام دار بودن نام آن در فارسی به «بدبیاری»، «قانون شکنی» «از هم گسیختن» و امثال آن ترجمه شده است، در فاصله سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ از شبکه «ای ام سی» آمریکا پخش می‌شد و توانست رکورد پر مخاطب‌ترین مجموعه تلویزیونی تاریخ را در گینس به ثبت برساند. داستان مجموعه، روایتی است از یک معلم شیمی به نام والتر وایت که در ایالت درجه چندم نیومکزیکو آمریکا زندگی می‌کند و ناگهان متوجه می‌شود به بیماری سرطان مبتلاست. او برای اینکه بتواند سرمایه و پشتوانه لازم را برای همسر و دو فرزند خود بعد از مرگش به میراث بگذارد، به تولید ماده مخدر شیشه روی می‌آورد. وایت اگرچه از این راه به ثروت خارق العاده‌ای دست می‌یابد، اما به خاطر ماهیت کسب و کار در مافیای مواد مخدر آمریکا، رفته رفته از یک انسان آرام و مهربان به هیولایی بدل می‌شود که صرفاً با هدف کسب پول برای رفاه خانواده اش دست به جنایت‌های پی در پی می‌زند.

نقاط مشترک بازنمایی

اگر نظر طیف گسترده‌ای از اندیشمندانی همچون فوکو، بودریار، هال، بارت و مانند آنها را درباره اینکه اساساً اثر هنری بدون نشر یک پیام و نیت مشخص در لایه‌های پنهانی خود نمی‌تواند به وجود آید، در نظر بگیریم، نگاه واکاوانه به مجموعه «برکینگ بد» از منظر پیام‌های سیاسی

www.takbook.com

نهفته در آن موجه به نظر می‌رسد. سریال خلاف جریان اصلی حاکم بر هالیوود، به بازنمایی معکوس از آمریکا مبادرت ورزیده است.

داستان در ایالتی فقیر نشین همچون نیومکزیکو جریان دارد که به عکس لوکیشن‌های غالب آثار سینمایی آمریکا در نیویورک یا لس آنجلس، سبک زندگی مغایر با رویای آمریکایی رایج را به تصویر می‌کشد. در عین حال قهرمان ها در اصل ضد قهرمان هایی هستند که به جای نمایندگی قدرت، رفاه و اعتماد به نفس آمریکایی، تزلزل روانی و استیصال فرد در نظام ثروت محور این کشور را نمایندگی می‌کنند.

والتر وایت و سیاست خارجی معاصر آمریکا

همانطور که اشاره شد، وایت که در ابتدای ماجرا، اولویت اصلی برای او شان اجتماعی و ارزش‌های انسانی است، به اهمیت پول در نظام اجتماعی پیرامون خود واقف می‌شود. او خشونت پنهان سرمایه داری علیه فقرا را دریافته و به همین خاطر برای تضمین رفاه خانواده اش، هدف را بر کسب ثروت قرار می‌دهد. هدفی که نه تنها وسیله را توجیه می‌کند، بلکه نوعاً به احیای شخصیت منزوی، شکست خورده و ضعیف والت منجر می‌شود. در واقع ایالات متحده آمریکا از نیمه دوم قرن بیستم، با درک اهمیت تجمیع ثروت در مرزهای خود، رویکرد انزواگرایی را کنار گذاشت و در روابط ظالمانه نظام بین‌الملل ورود پیدا کرد. در شرایط سخت اقتصادی بعد از بحران بزرگ ۱۹۲۹ آمریکا رفته رفته وجهه ضد استعماری و مسالمت آمیز خود را که در اعلامیه چهارده ماده‌ای وودرو ویلسون انعکاس داده شده بود، رها کرد تا منافع بیشتری برای شهروندان خود به دست آورد. ورود ددمنشانه و دردناک آمریکا به

www.takbook.com

معادلات جهانی با بمباران اتمی ژاپن همانند سکانس ارتکاب اولین قتل والتر وایت، کاراکتر کشوری که می‌خواست با حفظ وجهه بشردوستانه و نوع دوست خود، از هیولاهای استعمارگر اروپایی متمایز شود را به شدت مختل کرد.

در عین حال آمریکا در دهه‌های گذشته، درست مثل والتر وایت همواره کوشیده است تا برای حفظ رفاه شهروندان خود، دنیا را قربانی سازد. همانطور که وایت به جد در صیانت از بچه‌های خود کوشاست، اما در برابر مسموم و کشته شدن بچه‌های دیگران یا اعتیاد آنها به متامفتامین بی‌تفاوت است. روزها مواد تولید می‌کند و آدم می‌کشد و شب‌ها در کانون گرم خانوادگی با بچه هایش گرد هم می‌آیند. در عین حال والتر وایت هم مثل ایالات متحده، از ترفندهای قانونی و حقوقی توام با خشونت برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌جوید.

در نهایت تلاش والتر وایت برای پنهان نگه داشتن زندگی دوگانه اش ناکام می‌ماند. در واقع وایت که در روابط جایتکارانه مافیایی عمیقاً ورود پیدا کرده است، می‌کوشد تا همچنان در منظر خانواده خود مردی انسان دوست و بی‌گناه جلوه کند. اما با افشا شدن چهره او، همسرش هم بعد از مقاومت‌های اولیه، رفته رفته با این شیوه پول درآوردن وایت همراهی می‌کند. حاکمیت آمریکا بعد از جنگ‌های هولناک ویتنام، عراق و افغانستان و دامن زدن به مناقشات خونین در نقاط مختلف دنیا، وجاهت شعارهای بشرپرستانه خود همچون دفاع از دموکراسی، بسط حقوق بشر و اشاعه ارزش‌های آمریکایی را در منظر افکار عمومی شهروندانش لوث کرد. در واقع آمریکایی‌ها هم مثل همسر والت به این امر واقف شده‌اند که حکومت آنها صرفاً به طمع نفت، پول، تجارت

www.takbook.com

اسلحه و غیره است که در جهان دست به کشتار می‌زنـد، امـا بـه خـاطر مزایای رفاه اقتصادی ناشی از این دست سیاست‌هـا، خـود را بـه نحـوی توجیه کرده و با شرایط موجود تطابق یافته‌اند.

در واقع آمریکای فعلی مانند والتر وایـت عاصـی و خـسته در فـصل پنجم سریال است که در میـان نفـرت دیگـران از او و غـرق در گـرداب جنایت و تبهکاری، به تپه‌ای از دلار نامشروع که برای خـانواده خـود بـه ارمغان آورده دلخوش است و به همین ترتیب، از هـر آنچـه در گذشـته برای کسب این ثروت مرتکب شده است، احـساس پـشیمانی نمـی‌کنـد. وایت، آمریکای رو به زوالی است که نقاب خوبی از چهره اش برافتاده و با تکیه بر هوش و دلسنگی خود، از تنگناهای صعب بیرون آمده و اینـک واپسین حقه‌ها را برای رساندن پول به شهروندانش سوار می‌کند.

www.takbook.com

□ سینمای انتقادی در آمریکا؛

زخم‌های ادامه‌دار سیاهان

www.takbook.com

www.takbook.com

در روزهای اخیر[1] به فاصله زمانی اندکی، موج تظاهرات ضد نژاد پرستی در اعتراض بـه قتـل جـورج فلویـد شـهروند سیاهپوسـت مینیـاپولیس، ایالت های آمریکا را در نوردیده است. وقوع ایـن حـوادث ذهـن علاقـه مندان به سینمای اجتماعی و سیاسی در آمریکا را به یکی از تلخ تـرین و صریح‌ترین آثار سینمایی درباره نژادپرستی متبادر می‌کند.

فیلم برو بیرون «get out» ساخته جوردن پیل کـه موفـق بـه دریافـت اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی سال ۲۰۱۷ شد، کمدی سـیاهی اسـت درباره ماهیت نژادپرستی در آمریکای معاصر. داستان فیلم روایت کریس، جوان سیاهپوستی است که همـراه بـا رز کـه دختـری دانـشجو و سـفید پوست است در رابطه عاشقانه بـه سـر مـی‌بـرد. آن‌هـا قـصد ازدواج بـا یکدیگر را دارند اما قبـل از آنکـه بتواننـد بـه ایـن تـصمیم جامـه عمـل بپوشانند از طرف والدین رز به یـک ملاقـات عجیـب در روسـتایی دور افتاده دعوت می‌شوند. گرچه ابتدا به نظر می‌رسد این دعوت صرفاً یـک ملاقات معمولی است اما مشخص می‌شود پر پس پرده، ماجرایی هولناک وجود دارد؛ پدر رز یک جراح مغز و مادرش روان درمانگر است، این دو نفر به اتفاق به یک روش پیچیده پزشکی دست یافته‌اند که بخشی از مغز را که مربوط به تفکر و هویت است را از سر افراد سالمند یا بیمار سـفید پوست خارج کرده و در مغز جوانان سیاهپوست قرار می‌دهند.

---

۱. زمان نگارش این مطلب

www.takbook.com

بدین ترتیب فرد سفید پوست پیر و بیمار در بدن سالم و جوان یک قربانی سیاهپوست دوباره زنده شده و به حیاتش ادامه می‌دهد. کریس متوجه می‌شود که او هم بخشی از همین پروژه پزشکی است و قرار است مغز او را با یک سفید پوست نابینا عوض کنند. همچنین می‌فهمد که قبل از او، رز طعمه ی به دام انداختن جوانان سیاه زیادی که این بلا را به سرشان آورده‌اند بوده است، از جمله پدر بزرگ و مادر بزرگ رز که مغز آنها در بدن دو سیاهپوست ادامه حیات می‌دهد.

انطباق با نظریه نژادپرستی واتسون

اظهارنظر جنجالی جیمز واتسون، پدر دی ان‌ای و برنده جایزه نوبل درباره ژن سیاهان، شباهت زیادی به موضوع این فیلم دارد. واتسون در مصاحبه سال ۲۰۰۷ با نشریه ساندی تایمز مدعی شده بود که از نظر ژنتیک سفید پوستان از قدرت هوشی بالاتری نسبت به سیاهان برخوردارند. بنابراین ژن سفیدها برای تفکر و خلاقیت مناسب است در حالیکه ژن سیاهان آنها را متناسب با فعالیت‌های بدنی و جسمی کرده است.

در فیلم «get out» هم چند مرتبه به این برتری جسمی سیاهان اشاره می‌شود در حالی‌که در طرف مقابل این مغز سفید پوست‌ها است که اهمیت دارد. پس هدف از جراحی، ایجاد ترکیبی برتر از یک بدن سیاه با یک مغز سفید است.

اوباما و استحاله سیاهان

در قسمتی از فیلم، پدر رز که این جراحی‌ها را انجام می‌دهد، به کریس

www.takbook.com

می‌گوید از نظر من باراک اوباما بهترین رئیس جمهور آمریکا بود و اگر می‌شد برای بار سوم هم به او رای می‌دادم. باراک اوباما گر چه از نژاد از سیاهان آمریکا به حساب می‌آمد، اما خط مشی وی در دوران ریاست جمهوری همان خط مشی امپریالیستی آمریکا بود. او هیچ گاه سیاستی که خلاف مانفیست سرمایه داری باشد را اجرا نکرد و در مورد قضایایی مثل داعش، حتی از اسلاف سفید خود هم بدتر عمل کرد.

در واقع انگار اوباما جسمی سیاه و مرکز تفکری سفید داشت. این ترکیب همان چیزی بود که پدر رز در جراحی های خودش دنبال رسیدن به آن بود. از این دید، فیلم کنایه‌ای دارد به تغییری که آمریکا رفته رفته در ماهیت جامعه سیاهان این کشور بوجود آورده است؛ آنها به تدریج در هویت سفیدها استحاله شده‌اند و انگار به طور سیستماتیک مغز آنها را از هویت اصلی خودشان فاصله گرفته و به بخشی از طرز تفکر حاکم بدل شده‌اند.

اما در قسمتی از فیلم می‌بینیم که وقتی یکی از این سیاهان تغییر مغز یافته مقابل نور فلاش دوربین قرار می‌گیرند برای مدت کوتاهی به خود می‌آید و مثل اینکه حافظه اش برگشته باشد به هویت ماقبل جراحی خود بر می‌گردد. این شاید اشاره‌ای باشد به ضرورت جرقه‌ای برای بازگشت سیاهان به هویت اصیل خود و آنچه قرن‌ها در آمریکا از آنها سلب شده است. کریس در انتها از آن خانه بیرون می‌زند و مانع از آن می‌شود که مغز یک سفید پوست را در سرش جایگزین کنند. کریس از یک جهت دیگر با بقیه قربانیان سیاه در این فیلم متفاوت است و آن اینکه وی فقط قدرت جسمی ندارد، او یک هنرمند عکاس با دیدگاه هنری منحصر به فرد است. کسی که کریس را برای استفاده از جسمش

www.takbook.com

خریده یک دلال آثار هنری است. او به کریس میگوید من تو را نه فقط به خاطر بدنت که به خاطر نگاه هنری که داری انتخاب کردم.

در حقیقت مرد سفید پوست نه تنها به دنبال تصاحب جسم کریس که در پی تصاحب خط فکری او هم هست. فکر کریس هنوز اصالت و هویت خودش را دارد و مثل سیاهان تاثیرگذار تاریخ آمریکا همچون مالکوم ایکس و لوتر کینگ، همین فکر مستقل است که باعث بیرون زدن او از خانه شیطانی رز و رهایی او در انتهای فیلم می‌شود. بدین روی، حوادث اخیر در آمریکا نشان داد هنوز سیاهان این کشور هویت اصیل خود را از دست نداده‌اند و مرگ جورج فلوید مثل نور فلاش دوربین در فیلم «get out»، یک لحظه جرقه‌ای به این هویت خاموش شده زد و آمریکا را به آتش خشم کشید.

www.takbook.com

□ کرونا، مردگان متحرک و جهان ما!

www.takbook.com

www.takbook.com

مجموعه تلویزیونی مردگان متحرک (Walking dead) یکی از مجموعه‌های پرطرفدار در ژانر پسا رستاخیزی است که فصل دهم آن اخیرا توسط شبکه ای ام سی آمریکا پخش شد. موضوع زامبی‌ها یا به تعبیر این سریال «مردگان متحرک»، اگر چه موضوع بدیعی در هالیوود به حساب نمی‌آید و از ویدیو کلیپ «تریلر» مایکل جکسون تا فیلم‌های معروفی مثل «من یک افسانه ام» سوژه قرار گرفته است، اما نحوه داستان پردازی این سریال با درون مایه هایی از روانشناسی، جامعه‌شناسی، بیولوژی و به خصوص علوم سیاسی، آن را به مجموعه‌ای خاص و متمایز بدل کرده است. از جمله ملاحضات سیاسی این سریال زمانی است که واکنش‌های انسان‌ها در قبال شرایط وخیم حاکم بر دنیا دیده می‌شود.

در واقع در ابتدای داستان متوجه می‌شویم که یک اپیدمی ناشناخته باعث شده است که همه انسان‌ها ویروس عجیبی در خود داشته باشند که پس از مرگ تبدیل به زامبی شوند. در فصول ابتدایی سریال، هراس از این پاندمی باعث شده که انسان‌ها گرد هم آورده و گروه‌های ناهمگونی از طبقات و اقشار اجتماعی برای مبارزه با شرایط بد موجود با همدیگر متحد شوند. اما این اتحاد دیری نمی پاید و در ادامه داستان، بروز اختلافاتی که عمدتا ناشی از کمبود غذا، دارو، سوخت و سرپناه هستند، موجب می‌شوند که انسان‌ها کلونی‌های مجزایی تشکیل دهند و

www.takbook.com

برای دسترسی بیشتر به این منابع به جان هم بیفتند.

در فصول متأخر مردگان متحرک شاهد این هستیم که دیگر، زامبی‌ها و بیماری شیوع یافته به عنوان تهدیدات مشترک برای انسان ها اولویت ندارند، بلکه این خودانسان‌ها و رقابت‌های بین آنهاست که بقا را تهدید می‌کند.

در جهان زامبی‌زده سریال، کلونی‌های انسان‌های موجود، عمدتا به دو گرایش فکری تقسیم شده اند؛ یا آنهایی که مشی دموکراتیک دارند مثل آلکساندریا، هیل تاپ، کینگدام و اوشن ساید، یا کلونی هایی که بر پایه توتالیتاریسم و استبداد عمل می‌کنند مثل ناجی ها، نجواگرها و زباله گردها. این دو گفتمان غالب، به عوض اینکه برای حفظ بقای کل انسان‌ها در آن شرایط بد دنیا متحد شوند، منافع و امنیت کلونی‌های خودشان را به امنیت همگانی ترجیح می‌دهند. در فصول متأخر سریال با کمتر شدن منابع، دعوا بر سر شکارگاه‌ها و مرزهای سرزمینی بالا گرفته و به جنگ‌های سختی منجر می‌شوند.

در عین حال بعضی از کلونی‌های توتالیتر، از زامبی‌ها به عنوان ابزار حمله به دشمن در جنگ‌ها استفاده می‌کنند؛ آنها گله‌های زامبی‌های سرگردان را جمع‌آوری کرده و به سمت قلعه‌های دشمن هدایت می‌کنند؛ چیزی که یادآور بیوتروریسم در جهان حاضر است!

امروزه با انتشار ویروس کرونا در جهان، وابستگی بشریت به اتحاد و همدلی برای زیستن در جهان ناپایدار کنونی بیش از گذشته عیان شده است. بشریت علیرغم پیشرفت‌های تکنولوژیکی هنوز در برابر بلایای طبیعی مثل بیماری‌ها، سیل، زلزله، سونامی و... آسیب پذیر است. اما به هر روی شاهد آن هستیم که نه تنها این عوامل تهدیدکننده طبیعی، باعث

www.takbook.com

تقویت همگرایی بین انسان‌ها نشده است که دو مسأله ناسیونالیسم افراطی و رقابت بر سر منابع کمیاب به جنگ‌ها و کشمش‌های جهانی دامن زده‌اند.

در حقیقت ویروس کرونا مثل ویروس زامبی در سریال «واکینگ دد» نه تنها عاملی برای تقویت حس همدردی بین انسان‌ها نشده که کشورهایی مثل امریکا آن را برای ضربه زدن به رقبا مورد استفاده قرار می‌دهند. در چنین شرایطی است که به قول شخصیت «آلفا» در سریال، فقط قوی‌ترها در این دنیای ترسناک زنده می‌مانند و مخرب‌ترین چیز، عشق و نوع‌دوستی است.

www.takbook.com

www.takbook.com

□ سینمای انتقادی در آمریکا؛
نمایش زوال سرمایه اجتماعی

www.takbook.com

www.takbook.com

هر چند فیلم‌های کلاسیک سینمای آمریکا را به عنوان دوران طلایی آن می‌شناسند، اما هالیوود در همه دوره‌ها در راستای تعمیق نوعی از باور اوتوپیایی از این سرزمینِ بر فراز تپه (لقبی که آمریکایی‌ها به کشورشان داده‌اند) عمل کرده است.ژان بودریار در کتاب سفرنامه گونه خود به اسم «آمریکا» در این باره که ایالات متحده، در اذهان مردم جهان به طور متفاوت نسبت به آنچه واقعا وجود دارد بازنمایی شده است، سخن می‌گوید. به باور او آمریکا چیزی جز بازنمایی و برساختگی رسانه‌ای نیست و هر چه ما از این کشور می‌دانیم در اثر القا بصری پدیدار گشته است. اساساً امر بازنمایی به نشان دادن بیش از حد توانایی‌ها و کمتر از حد جلوه دادن ضعف‌ها برای خود و به عکس آن برای دشمن اختصاص دارد؛ امری که هالیوود ظاهرا در ایفای آن استادانه و با ظرافت کامل عمل کرده است.

بدین ترتیب آمریکا غالبا تداعی‌کننده هزاران تصویر هیجان انگیز و دلنشینی است که صرفاً از قاب سینما دیده‌ایم. به همین نحو هر کشوری هم که هالیوود زشت و بد تصویر کرده باشد، تداعی‌گر حس انزجار و تنفر خواهد بود؛ این یعنی سینما به مثابه نوعی از جادوگری یا هیپنوتیزم مدرن با اثر بخشی بسیار طولانی است. همان طور که اغلب ما در ایران مثل بسیاری از دیگر مردم جهان نه هرگز سرخپوستی دیده‌ایم و نه به تبع کابوی، اما یکی تداعی‌کننده توحش است و دیگری نماد انسان قوی و

www.takbook.com

آزاد. مسئله اینجاست که در اصل این صفات به طور کاملاً برعکس برای سرخپوست و کابوی صادق بوده‌اند، اما مهم این است که رسانه چگونه بخواهد آن را در منظر افکار عمومی بازنمایی کند.

شناگران خلاف جریان

با وجود آنچه در بالا گفته شد، در هر دوره‌ای جریانی از فیلم‌های ضد بازنمایی در هالیوود تولید می شوند که به خاطر ارایه تصویری واقع گرا از آمریکا، با پروژه رویایی آمریکایی در منافات هستند. به طور مثال فیلم تولد یک ملت، ساخته دیوید گریفیث در ۱۹۱۵، به شیوه‌ای عریان مقوله نژاد پرستی در آمریکا را به تصویر می کشد و در زمره نخستین فیلم هایی است که پرده از زشتی های آمریکا بر می‌دارد. چارلی چاپلین در دوران فیلم‌های صامت، ابایی از انعکاس تضادها و تلخی‌های جامعه آمریکا نداشت، به همین دلیل بود که بعد از فیلم چپ گرای «عصر جدید»، در لیست سیاه هالیوود قرار گرفت و موج «وحشت سرخ» در آمریکای دوران مکارتیسم، باعث تبعید وی از کشور شد.

در دوران جنگ ویتنام، فیلمسازان مولفی مثل کاپولا، استون، چیمینو و حتی استنلی کوبریک بزرگ، به نقد و هجو سیاست‌های جنگ طلبانه آمریکا در این جنگ پرداختند. در سال‌های بعد آثاری مثل فیلم برنده جایزه اسکار «زیبایی آمریکایی» مناسبات خانوادگی رو به زوال آمریکا را مورد مداقه قرار می‌دهند. اسپایک لی به عنوان منتقد نژاد پرستی ساختاری در آمریکا و مایکل مور در جایگاه یک مستند ساز منتقد سرمایه داری و سیاست‌های جورج بوش، از دیگر شناگران خلاف جریان اصلی هالیوود هستند.

www.takbook.com

سه بیلبورد خارج از آبینگ، میزوری

فیلم تحسین شده منتقدین و برنده جوایز بخش‌های مختلف در بفتا، گلدن گلوب و اسکار، ساخته یک کارگردان انگلیسی با خاستگاه تئاتری؛ مارتین مکدونا است. «سه بیلبورد خارج از ابینگ، میزوری» بنا بر آنچه در مقدمه گفته شد، در ضدیت با رؤیای آمریکایی و آمریکای اتوپیایی قرار می‌گیرد؛ فیلم روایت مادری عاصی و نامتعادل به اسم میلدرد است که چون پلیس را در پیدا نشدن قاتل متجاوز به دخترش مقصر می‌داند، بیلبوردهایی را در یک جاده فرعی شهر اجاره می‌کند و جملات انتقاد آمیزی راجع به ناکارآمدی رییس پلیس شهر روی آنها می‌نویسد.

در ابتدا روند داستان به گونه‌ای پیش می‌رود که به نظر می‌رسد فیلم در باره قدرت فضای مجازی است. بیلبوردها، امکان اعتراض نسبت به ناکارآمدی صاحبان قدرت را علیرغم مقاومت آنها فراهم می‌آورد که می‌تواند تمثیلی از آزادی ابراز عقیده در توییتر و امثال آن باشد و ایده یورگن هابر ماس را تداعی می‌کند که عقلانیت ارتباطی خارج از رسانه‌های معطوف به قدرت را در حکم اکسیژن برای دموکراسی و عامل یگانه «رهایی» قلمداد می‌کرد. اما با پیش رفتن داستان، تعبیر «سپهر عمومی» نسبت به بیلبوردها رنگ می‌بازد و مخاطب به جای تقابل یک زن مورد ستم واقع شده با پلیس‌های زورگو، با تراژدی یک آمریکای رو به زوال مواجه می‌شود که به سان قواعد داستانی تراژدی همه طرف‌ها در آن به نوعی قربانی و محکوم به شکست هستند.

رییس پلیس متکبری که از سرطان هم رنج می‌برد در کنار معاون به ظاهر نژاد پرست او که خودش در بچگی اقلیت و مهاجر به حساب می‌آمده است، به علاوه شوهر میلدرد که آنها را رها کرده و با دختر

www.takbook.com

نوجوانی رفاقت می‌کند، قرار است شخصیت‌های سیاه فیلم باشند، اما مکدونا با ظرافت، داستان را به نحوی پیش می‌برد که در نهایت مخاطب به درماندگی آنها پی می‌برد و متوجه می‌شود همگی شهروندان عادی آمریکایی هستند که شرایط اجتماعی، آنها را به جان همدیگر انداخته و رودرروی یکدیگر قرار داده است.

اما آنچه به عنوان آسیب شناسی جامعه آمریکا در فیلم سه بیلبورد... مورد مداقه قرار می‌گیرد عبارت است از زوال سرمایه اجتماعی به ویژه عنصر اعتماد، تزلزل خانواده، رواج خشونت، احیا نژاد پرستی، بی‌اعتمادی به نهاد دولت و بروز اختلافات ناشی از قشر بندی های ناهمگون اجتماعی.

در سکانس پایانی فیلم، میلدرد و معاون کلانتر، بعد از کنار گذاشتن خصومت فی مابین، نهایتا بر سر یک نقطه مشترک به اتحاد می‌رسند و آن، تصمیم برای اقدام جهت اصلاح اجتماعی، ورای قانون و قوه قهریه است. آنها در این سکانس که دست آخر به یک پایان باز ختم می‌شود، برای کشتن مردی که می‌دانند مرتکب تجاوز شده رهسپار محل زندگی او می‌شوند. هر چند فرد متجاوز، قاتل دختر میلدرد نیست، اما به هر روی او و معاون کلانتر به این اعتقاد می‌رسند که در جامعه رو به فروپاشی آمریکا، بایستی خودشان دست به کار شوند.

فیلم سه بیلبورد اگرچه رویای آمریکایی را به چالش می‌کشد، اما در نهایت به احیا جامعه آمریکا امیدوار است. فیلم، روی قدرت اجتماعی و اراده ملی برای تغییر حساب باز می‌کند و رهایی از قدرت را به شیوه آنارشیسم تجویز می‌کند.

www.takbook.com

□ بومی‌گرایی در سینمایی علی حاتمی
و هایائو میازاکی

www.takbook.com

www.takbook.com

«هـــزار دســـــتان شبیه به هیچ کار دیگری در دنیا نیست که مثلاً بشود آن را با بدترین اثر کارگردان ایتالیایی یا بهترین کـار کـارگردان سـوئدی مقایسه کرد... کـار، ویژگـی یـک اثـر ایرانـی را دارد و همـین قـضیه در قصه پردازی هم هست؛ یعنی چیزی که منتقدان فکر می کنند اگر آشفتگی در قصه وجود داشته باشد درواقع یـک تکنیـک در قـصه‌نویـسی شـرقی است.»

در این اظهارات علی حاتمی، نکته‌ای کلیدی وجـود دارد کـه فهـم و درک بهتر تلاش‌های او برای خلق یک‌گونه بـومی و منحـصر بـه فـرد از سینما در ایران را ممکن می سازد؛ امری که اهمیت آن در پیوند با اذعـان به هژمونی همه جانبه هالیوود بر تولید محتوا در جهـان، جنبـه مـضاعفی پیدا خواهد کرد.

نخست اینکه روش قصه‌گویی در هالیوود، میراث قصه‌های شـرقی را در سینما به کل از میان برده است. روایت شرقی شکلی سـیال و رهـا از قصه دارد که خود را از خط‌کش دقیق منطق داستانی و بـذر افکنـی‌هـای معمول رها می‌سازد و همانند یک رویای شیرین یا کابوس هولناک پیش می‌رود و درنهایت به فرجام می‌رسد. درواقع قصه‌ها هم مثل اقلیم و آب و هوا، از یک جغرافیا به جغرافیای دیگر متفاوت است اما هـالیوود ایـن تنوع فرهنگی را بـه رسـمیت نـشناخته و روایـت غالـب خـود را بـسط می‌دهد.

www.takbook.com

پس از این رهگذر مدعای متواضعانه علی حاتمی در ایجاد یک گونه از سینمای بومی در آثار وی قابل مشاهده است. چنین فیلمسازان بومی‌گرا که بر خلاف جریان آب شنا می‌کنند، امروزه در دنیا انگشت شمار هستند.

هایائو میازاکی در سینمای ژاپن در زمره این نوادر هنری است که در انیمیشن‌های خود به نوعی از قصه‌گویی شرقی به سبک منحصر به‌فرد ژاپنی رسیده و همین امر کارهای او را از دیگر انیمیشن‌های ژاپنی متمایز می‌کند. استودیو گیبلی که او و دیگر دوستانش آن را بنیان گذاشتند، در طول چند دهه فعالیت خود کوشیده تا به مانند وجه تسمیه‌اش (برگرفته از واژه عربی قیبلی به معنی باد سوزان صحرا)، توفانی در بازار مکاره مانگاهای ژاپنی به‌پا کند.

در انیمیشن «شهر اشباح: ۲۰۰۱»، میازاکی قصه‌ای را روایت می‌کند که حوادث آن یادآور رویاهای کودکی و داستان‌های جن و پری شرقی است. همین طور در انیمیشن «همسایه من توتورو: ۱۹۸۸»، میازاکی از دریچه ذهنیت دختر بچه‌های داستان، حدفاصل بین فانتزی و واقعیت را از میان می‌برد و به خلق بی‌نظیر کاراکتر توتورو می‌رسد، شخصیتی که نه به قهرمان های دیزنی و پیکسار و نه هیچ اسطوره انیمیشنی دیگری در هالیوود شبیه نیست و هویت مختص به خودش را دارد.

در قصه گویی حاتمی هم عناصر رایج در هالیوود وجود ندارد، بنابراین او نه به سینمای بدنه جهان نظر دارد، نه مجذوب آوانگاردیسم سینمایی هنری می‌شود، بلکه می‌کوشد سبک قصه‌پردازی بومی را احیا کند. فیلم «حسن کچل: ۱۳۴۹»، اولین فیلم حاتمی که برگرفته از قصه های فولکلور ایران است، بیانگر نگرشی است که وی از ابتدا نسبت

www.takbook.com

به ادای دین به روایت گویی ایرانی و پرهیز از تقلید و انقیاد در اولین اثر سینمایی به آن دقت نظر داشته است.

در عین حال جدال سنت و مدرنیته نیز مساله ای است که هر دو کارگردان به آن توجه نشان می‌دهند. در آثار میازاکی به‌عنوان کارگردانی که شهروند یک کشور صنعتی است، این جدال عمدتا در قالب دغدغه های محیط زیستی تبلور پیدا می کند. در «شاهزاده مونونوکه: ۱۹۹۷»، کارخانه ذوب‌آهنی که در دل جنگل‌ها قرار گرفته است، می‌کوشد تا برای توسعه کار، روح جنگل را که در کالبد یک گوزن تبلور یافته است، با شکار آن از میان بردارد. جدال مشابهی در «لاپوتا قلعه‌ای در آسمان: ۱۹۸٦» نیز به چشم می خورد؛ جایی که مهاجمانی که پوشش سبک استیم پانک آنها یادآور مفهوم انقلاب صنعتی است در تلاش برای دزدیدن سنگ جادویی و سوءاستفاده از انرژی جادویی آن هستند. در «پونیو: ۲۰۰۸» شوق به زندگی در کنار طعنه به نابودی دریاها و اقیانوس ها توسط بشر قرار می گیرد و به بیانی لطیف و دلنشین از خودخواهی انسان در زیان رساندن به محیط‌زیست گلایه می‌کند.

اما علی حاتمی به گذشته از دریچه نوستالژی می‌نگرد و اندوه نابودی هویت بومی در مواجهه با فرهنگ وارداتی را می خورد. در سریال «هزار دستان» تهران قدیم و جدید از همین نگاه با یکدیگر قیاس می شوند. در فیلم «مادر: ۱۳٦۸»، در تحریمی ظریف از خانواده سنتی ایرانی، صفای از دست رفته بین بچه‌ها دوباره در روزهای واپسین حیات مادرشان زنده می‌شود و روابط ازهم گسیخته خانوادگی با تدبیر مادر برای مدت کوتاهی احیا می شود. حاتمی همچنین در تریلوژی «هزار دستان»، «کمال الملک» و «دلشدگان» به هنر خوشنویسی، نقاشی و موسیقی سنتی

www.takbook.com

ایرانی که در آستانه زوال قرار گرفته‌اند می‌پردازد. او سال‌ها پیش از آنکه ایران به طور گسترده در مواجهه با هجمه بازنمایی ضدایرانی در هالیوود قرار گیرد، درباره هدف خود از ساختن فیلم‌هایی درباره تاریخ، ادبیات و هنر ایران می‌گوید: «اگر تصویر خیلی صریح و روشنی از مردم ایران به دنیا معرفی نکنیم، آنها این کار را خواهند کرد.»

میازاکی به عکس علی حاتمی مجال این را یافت که به دنیا معرفی شود و آثارش را در سرتاسر جهان تماشا کنند. وی مثل شعر هایکو، سبکی برآمده از فرهنگ کهن زادگاهش را با آموزه‌هایی از طبیعت‌گرایی ژاپنی به جهان معرفی کرد و اگرچه با اعطای لقب والت دیزنی ژاپن، جایگاه بومی‌گرایانه وی را مخدوش کردند اما دست‌کم به حق خودش در بسط ایده‌های ذهنی‌اش رسید. علی حاتمی اما در این بین مهجور ماند تا افراد دیگری نماینده سینمای ایران در جهان باشند؛ سینمایی که شاید هیچ‌گاه سبک حاتمی با شاخصه‌های اصالت، هویت‌مداری، بومگرایی ناب دست نیافت.

www.takbook.com

□ اصغر فرهادی، اسکار و سیاست

www.takbook.com

www.takbook.com

رابطه هالیوود و سیاست در ایالات متحده آمریکا، رابطه‌ای دوسویه و متغیر است. همان‌طور که سینما بعضاً بازتاب‌دهنده سیاست خارجی آمریکاست و پروژه بازنمایی برای اعمال دیپلماسی عمومی آمریکا را تسهیل می‌کند، در پاره‌ای از موارد هم خلاف جریان سیاسی غالب ظاهر می‌شود. نمونه‌های حالت دوم اگر چه معدود، اما در تاریخ سینمای معاصر آمریکا مشهود هستند. در رابطه با جنگ ویتنام، سینما بیانی هنری برای اعتراض به آنچه در لوای دفاع از دموکراسی و ارزش‌های آمریکایی در قالب کشتار دسته جمعی مردم ویتنام بروز یافته بود به کار گرفته شد. فیلم‌هایی همچون جوخه (الیور استون)، شکارچی گوزن (مایکل چیمینو)، اینک آخرالزمان (فرانسیس فورد کاپولا)، غلاف تمام فلزی (استنلی کوبریک) و نمونه‌های دیگر، بیهودگی و فریبکاری این جنگ را برای مخاطبین سینما به نمایش در آوردند.

پیش از این دوره، در بحبوحه جنگ سرد، فیلمسازانی به خاطر گرایش به سوسیالیسم و کمونیسم، خود را از بدنه سینمای هالیوود جدا کردند و عملاً در مقابل آن ایستادند. هرچند با ظهور مک کارتیسم و وحشت سرخ، مماشات با این جریانات مخالف از میان برداشته شد و بسیاری از آنها در لیست سیاه هالیوود جای گرفتند و ممنوع‌الکار یا تبعید شدند.

در دوران جورج بوش پسر هم، هالیوود نشانه‌هایی از رویکرد

www.takbook.com

اپوزوسیونی علیه نومحافظه‌کاران از خود بروز داد. پیدایش پدیده «مایکل مور» با بی‌پروایی خاص خودش و اعطای جایزه اسکار به مستند ضد خشونت وی، در راستای همین نشانه‌ها صورت پذیرفت. ذکر این مقدمه از آن روی است که خاطر نشان گردد، دوران حاضر هم از آن دوره‌هایی است که گویی هالیوود در برابر سیاست جناح حاکم ایستادگی می‌کند.

هنوز ترامپ بر مسند کار نیامده بود که سلبریتی‌های سینما راه خودشان را از او جدا کردند. رابرت دنیرو در ویدئویی ابراز کرد که واقعاً دلش می‌خواهد با مشت توی صورت ترامپ بزند و بسیاری از اهالی هالیوود هم مستقیماً یا در لفافه با رییس جمهور تازه سر کار آمده به چالش برخاسته اند. اما اوج این مقوله را شاید بتوان مراسم اسکار امسال قلمداد کرد. به ویژه آنجا که یک بازیگر مسلمان برای اولین بار اسکار نقش اول مرد را برنده شد. اما نکته قابل تامل در اینجا، اعطای اسکار بهترین فیلم خارجی به اصغر فرهادی است.

اختصاص اسکار به فرهادی یادآور کسب مدال طلای دو میدانی المپیک ۱۹۳۶ توسط جسی اونز سیاه‌پوست، در حضور هیتلر و در برلین بود. شاید بدتر از آن، تحریم مراسم توسط فرهادی و خواندن بیانیه او روی صحنه اسکار و تشویق حضار باشد. برای همین بود که همانطور که هیتلر حاظر نشد با اونز دست بدهد، شان اسپایسر سخنگوی کاخ سفید هم اعلام کرد که ترامپ مراسم اسکار را تماشا نمی‌کند.

در عین حال برجسته شدن فیلم فروشنده فرهادی درآمریکا، می‌تواند خلاف سیاست ایران‌هراسی ترامپ باشد. اگرچه فرهادی در این فیلم هم مثل اغلب فیلم های پیشینش، از هم گسیختگی طبقه متوسط در ایران را موضوع قرار داده است اما گذشته از این، همین که مخاطب آمریکا

www.takbook.com

متوجه می‌شود در ایران هم مثل همه جای دیگر دنیا، زندگی روزمره به‌طور عادی در جریان است کفایت می‌کند! در واقع آنچه ترامپ دوست دارد در سینما از ایران نمایش داده شود چیزی مثل سنگسار ثریا میم و بدون دخترم هرگز است. یا مثل صحنه ورود بن افلک به تهران در آرگو که این شهر را در تسخیر پاسدارهای ترسناک و پر از اجساد به دار کشیده شده نشان می‌دهد.

در فروشنده اما طبقه متوسط شهری دغدغه‌هایی مشابه دیگر مردم دنیا دارند، چیزی که غرب سال‌ها سعی در مخفی کردن آن داشت. نویسنده نیویورک تایمز در واکنش به خبر اسکار برای فروشنده اظهار می‌دارد این خبر برای ایران که در صدر اخبار روزانه جهان با آزمایش موشکی، تروریسم و خشونت بازنمایی می‌شد، فی نفسه تحول مثبتی به حساب می‌آید.

کلیشه‌سازی سال‌های اخیر به قدری درباره ایران قوی بوده که حتی خبرنگار یکی از شبکه‌های ورزش پرتغال از کارلوس کی روش می‌پرسد موقع رفتن به ایران نمی‌ترسیدی؟ و کی‌روش پاسخ می‌دهد چرا! ولی بعد فهمیدم مردم ایران مردم ساده‌ای هستند که دغدغه‌های ساده‌ای دارند درست مثل خود ما...

اعطای اسکار برای فیلم فروشنده به فرهادی را می‌توان در راستای عزم جزم اعضای آکادمی و قاطبه اهالی هالیوود برای دهان‌کجی به دونالد ترامپ تلقی کرد، او همواره با رسانه‌ها و هالیوودی‌ها زاویه داشته و هرگز رابطه خوبی بین آنها شکل نگرفته است. در هالیوود شاید به غیر از کلینت ایستوود، کسی جسارت حمایت آشکار و ابراز علاقه به ترامپ را نداشته باشد.

www.takbook.com

جشنواره‌های سطح بالای هنری به خصوص اسکار، همواره تحت تاثیر عوامل حاشیه‌ای و فرامتنی عمل می‌کنند، این بار این تلاقی زمانی اوج‌گیری دعوای ترامپ و هالیوود با مراسم آکادمی، برای سینمای ایران یک اسکار را به همراه آورد، اگرچه فروشنده بهترین تصویر ممکن از ایران را ارایه نمی‌دهد! اما این تلاقی را باید در مجموع نقطه مثبتی در آوازه جهانی سینمای ایران محسوب کرد.

www.takbook.com

□ مجموعه تلویزیونی «Homeland»؛

رواج ترس از مسلمانان و ایرانیان

www.takbook.com

www.takbook.com

در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد مجموعه «Homeland» بیش از سایر مجموعه‌های تلویزیونی که به مساله خاورمیانه پرداخته‌اند (همانند «۲٤» و «خانواده صدام» و...) مورد توجه و اقبال مخاطبین قرار گرفته است. «Homeland» که تولیدی از کمپانی «فاکس ۲۱» است، از سال ۲۰۱۱ در شبکه کابلی «شو تایم» آمریکا پخش گردیده و پس از پایان فصل‌های یک تا سوم آن، فصل چهارم این سریال نیز از اکتبر ۲۰۱٤ به نمایش گذاشته شده است. داستان فیلم درباره جدال ماموران سیا با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه است که در قالب عملیات‌هایی در عراق، لبنان، ایران، افغانستان، پاکستان و دیگر کشورهای منطقه دنبال می‌شود.

در عین حال، تروریست خطرناکی در ایالات متحده به نام «ابونظیر» که ظاهرا پس از مرگ بن لادن، عملیات‌های تروریستی این گروه در آمریکا را هدایت می‌کند، چالش‌های امنیتی پی در پی را برای سیا و ماموران آن به وجود می‌آورد. این مجموعه که براساس داستان سریال اسراییلی «هاتوفیم» (اسیر جنگی) ساخته شده، پس از انتشار آن موفق گردیده است علاوه بر جلب مخاطب پر تعداد، برنده جوایزی از جشنواره‌های «امی» و «گلدن گلوب » نیز شود. منتقدین در آمریکا غالبا با تقدیر از سریال آن را نمونه‌ای قابل توجه در تصویر نبرد آمریکا با تروور قلمداد کردند، در عین حال باراک اوباما نیز «Homeland» را

www.takbook.com

به‌عنوان سریال مورد علاقه اش معرفی نمود۱.این مجموعه را می‌توان از سه بعد حایز بار بازنمایی خاورمیانه از نوعی که در باره فیلم‌های ازین دسته مشاهد می‌شود دانست. این سه بعد عبارتند از میهن و امنیت، قطب‌بندی و کلیشه‌سازی.

میهن و امنیت

همان‌طور که از نام فیلم هویداست، «Homeland» با محور قرار دادن تروریسم به عنوان پدیده‌ای که «سرزمین مادری» شهروندان آمریکایی را تهدید می‌کند به جلب همذات پنداری مخاطب با قهرمانان مجموعه می‌پردازد. در این مجموعه کاراکتر «ابونظیر» از جنس دشمنانی همچون ژاپنی‌های فیلم‌های جنگ جهانی دوم یا روس‌های دوران جنگ سرد، بلکه فرومایه‌تر و خطرناک‌تر از آنها ترسیم شده است. بافت داستانی سریال برای جلب تنفر مخاطب از «تندروهای خاورمیانه‌ای» به ترتیبات معمول دراماتیک نیاز ندارد، در عوض همین که آنان در خاک آمریکا امنیت شهروندان را تهدید می‌کنند کافیست تا همراهی مخاطب جلب گردد.

به باور گوین ویلکینز، در ایالات متحده تصویرپردازی از خاک در ارتباط با ملت، در روایت‌های رسانه‌ای برجسته می‌شود و از طریق تمهیدات وزارت امنیت داخلی آمریکا نهادینه می‌گردد. مفهوم «وطن» مستلزم تامین امنیت در داخل آمریکاست و تصاویر میهن پرستانه از پرچم‌های ملی، لباس‌های فرم یکپارچه و چشم‌اندازهای مناطق شهری

---

۱. اوباما در مصاحبه‌ای سال ۲۰۱۲ با مجله People، «Homeland» و «بوردواک امپایر» را به عنوان مجموعه‌های مورد علاقه‌اش نام برد.

www.takbook.com

آمریکا را آن گونه که در ادبیات تاسیس این وزارتخانه دیده می‌شود، تقویت می‌کند.این تصاویر، تابلو هایی خوش نقش را در برابر چشم قرار می‌دهد که باعث تفاخر به نمادهای ملی می‌شود و این احساس را به وجود می‌آورد که باید این سرزمین مادری را پاس داشت و به هر قیمتی از آن محافظت کرد. ژانر ماجراجویانه در هالیوود (همانند «Homeland») با دلالت‌های ضمنی مربوط به نقاطی خاص، باعث می‌شوند وطن در ذهن مخاطبین آمریکایی از دیگر سرزمین‌های بیگانه به ویژه خاورمیانه متمایز شده و هراس‌هایی را از تروریسم و سرزمین‌های خطرناکی که در دوردست قرار دارند القا نمایند در «Homeland» با برجسته شدن آمریکا در قالب یک دولت ـ ملت، اجتماعی پویا و به هم پیوسته ترسیم می‌گردد که در برابر وحشی گری و نفرت تروریست‌های خاورمیانه ای، حس همدلی ملی شهروندان آن به انسجام می‌رسد. این مقوله به شکل‌گیری دو مفهوم کلیدی در بازنمایی یعنی «ما» در مقابل «دیگری» می‌انجامید و همانطور که ذکر شد، این روند پس از یازده سپتامبر به روند غالب بازنمایی در هالیوود بدل گردید.

در رابطه با محوریت مفهوم «میهن» در بازنمایی؛ فرآیندهای تولید و دریافت رسانه‌ای، مرزهایی فرهنگی را ترسیم می‌کنند که در آن مفاهیم و ساخت‌های رسانه‌ای، رمزگانی را که در قالب داستان‌ها، لوکیشن‌ها و شخصیت‌هایی که کلیشه‌ای عمل می‌کنند، ایجاد می‌نماید. ترسیم رسانه‌ای مرزها با گروه‌های فرهنگی و سرزمین‌های دوردست، به ایجاد تصویری مطابق با پیش فرض‌های تاریخی و سیاسی از خاورمیانه می‌انجامد. در «Homeland» نیز برجسته کردن خطر تروریسم با ارجاع ضمنی به حوادث یازده سپتامبر و همچنین احتمال عملیات‌های

www.takbook.com

بمب‌گذاری انتحاری مسلمانان افراطی، مجموعه‌ای از تهدیدات علیه منافع و امنیت ملی ایالات متحده آمریکا را تصویر می‌کند که در پرتو کوشش ماموران امنیتی سیا خنثی می‌گردد. سریال از این دیدگاه، به فیلم «سی دقیقه پس از بامداد» نزدیک می‌شود، به ویژه آنکه یکی قهرمانان اصلی فیلم به نام «کری متیسون»، زنی است که در مقام مامور امنیتی سیا به ایفای نقش پرداخته و شخصیت پردازی فمینیستی وی، قویا تداعی کننده «مایا» است. برای او هم حفظ و صیانت از امنیت ملی کشورش مهمتر از مناصب شغلی و روابط معمول عاطفی و خانوادگی بوده و در این راه اصطلاحاً از جان مایه می‌گذارد!

در پایان فصل اول این مجموعه، دختر «نیکلاس برودی» که در خلال قسمت‌های این فصل به عنوان نوجوانی سرکش و گرفتار معضلات معمول نوجوانان در آمریکا مانند الکل، مواد مخدر و عصیان در روابط با جنس مخالف معرفی می‌گردد، در نهایت تنها فردی است که موفق می‌شود جلوی عملیات تروریستی پدرش را بگیرد.بدین سان «Homeland» با قرار دادن کاراکتر «نوجوان آمریکایی» (که ظاهراً امیدی نمی‌توان به آن بست) در نقش منجی میهن از خطر تروریسم، مجموعه پیام‌های میهن‌پرستانه خود را تکمیل می‌کند.

قطب‌بندی

همانطور که در روش‌شناسی رساله و تجزیه و تحلیل سکانس‌های منتخب بدان اشاره شد، قطب‌بندی یا قطبی‌سازی از محورهای اساسی تحلیل بازنمایی رسانه‌ای به شمار می‌آید. اساس قطب‌بندی بر مبنای بزرگنمایی در ویژگی مثبت و کوچک جلوه دادن جنبه‌های منفی «خود»

www.takbook.com

است که همین روند به طور معکوس در قبال « دیگری» اعمال می‌گردد.قطبی بندی در «Homeland» به شکل تقابل‌های دوگانه آمریکایی ـ خاورمیانه‌ای، مسیحی ـ مسلمان و تمدن ـ توحش ترسیم شده است.

«نیکلاس برودی» سرباز آمریکایی که پس از هشت سال اسارت به دست القاعده در عراق، به طور اتفاقی توسط سربازان آمریکایی پیدا شده و به کشورش باگردانده می‌شود، همچون «رابینسون کروزوئه» ظاهری ژولیده و دور از تمدن دارد که به واسطه چند سال زندگی در عراق و دوری از آمریکا، ویژگی‌های انسانی خود را از دست داده و همانند سایر مسلمانان (به زعم این مجموعه)، اندیشه‌های افراطی و تروریستی پیدا کرده است.وی هر چند پس از بازگشت به آمریکا ظاهر مقبول خود را باز می‌یابد، اما به واسطه مغزشویی‌های تندورهای مسلمان، اندیشه بمب گذاری در آمریکا را در سر می‌پروراند. در داستان نسخه اسراییلی این سریال هم دو سرباز اسراییلی پس از هفده سال اسارت در لبنان مجدداً به اسرایی بازگردانده می‌شوند. در سکانسی از این فیلم همسر «برودی» که متوجه مسلمان شدن شوهرش شده است، قرآنی که توسط وی در خانه آنها پنهان گردیده را پیدا می‌کند و آن را به عنوان نمادی از شکنجه و توحش به گوشه‌ای پرتاب می‌نماید.به علاوه زمانی خطر «برودی» به عنوان یک تروریست مغزشویی شده برای مخاطب عیان می‌شود که وی مخفیانه به پارکینگ خانه اش می‌رود و شروع به نماز خواندن می‌کند. به همین تناسب شخصیت هایی مسلمانی که در خلال داستان‌های موازی فیلمنامه، از کشورهای خاورمیانه (از جمله سردارهای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران) وارد مجموعه می‌شوند حایز خصایل انسانی به

www.takbook.com

مراتب نازل‌تر نسبت به کاراکترهای آمریکایی می‌باشند. تقابلی کـه نقطـه اوج آن «ابونظیر» رییس شیطان‌صفت تندروهای اسلامی آمریکاست.

در عین حـال بعـد دیگـری از قطـب‌بنـدی مبتنـی بـر قابلیـت‌هـا در «Homeland» تصویر گردیده است. در این رابطه «ریچارد فـالکنرات» در نشریه «فارین افرز»، قطبی‌بندی مزبـور را در قالـب «بچـه‌هـای خـوب و بچه‌های بد» مورد تحلیل قرار داده اسـت. وی معتقـد اسـت در نمـایش قدرت و سلطه، حوزه اقتـدار و دسـتگاه‌هـای الکترونیکـی سـیا خـلاف واقعیات موجود بزرگنمایی شده است. در نقطه مقابـل، خطـر ابـونظیر و مردان جهادی تحت فرمان او که در آمریکا به فعالیت مشغولند، بـیش از میزان واقعی نشان داده می‌شود تـا بـر تهدیـد امنیتـی ناشـی از آن تاکیـد بیشتری داشته باشد. به بیان دیگر در قدرت شر مسلمانان تنـدور آمریکـا به اندازه زیاده‌روی شده که نویسنده مقاله از اینکه در عـالم واقـع چنـین چیزی صحت ندارد ابراز خوشحالی می‌کند[1]!

کلیشه‌سازی

از دیگر عناصر اصلی در روند بازنمایی، کلیشه سازی است که بر مبنـای گـرایش‌هـا و سـمت گیـری‌هـای ایـدئولوژیک صـورت مـی‌پـذیرد.در «Homeland» مجموعه کلیشه‌های منتسب بـه مـسلمانان و عـرب‌هـا در هالیوود به نمایش گذاشته می‌شوند. در این میان، از عناصر و اِلمـان‌هـای شخصیتی کلاسیک، همانند مواردی که «جک شاهین» در پـژوهش خـود بدان اشاره کرده بود تا کلیشه‌های رایجِ پس از یازده سپتامبر کـه در ایـن

۱. مقاله مذکور تحت عنوان «سوراخ‌ها در هوملند» به تـاریخ ۱۴ دسـامبر ۲۰۱۲، قابـل دسترسی در سامانه الکترونیکی این نشریه به این آدرس می‌باشد.
www.Foreignaffairs.com

www.takbook.com

رساله شناسایی گردیدند، همگی در معرفی کاراکترها، لوکیشن‌ها و رفتار و عقاید مسلمانان به چشم می‌آیند. به عنوان مثال شهر بیروت مهد تروریسم معرفی شده و همانند دیگر شهرهای خاورمیانه، آشوب زده، بی‌قانون و خطرناک تصویر می‌شود. همانطور که «بروس هافمن» در مقاله‌ای در «فارین پالیسی» به آن اشاره می‌کند، شخصیت‌های منفی و گانگسترهای مجلات کمیک دهه‌های پیشین آمریکا، اینک در قالب بنیادگرایان خاورمیانه‌ای مجسم شده‌اند. «ابونظیر» و همراهانش به طور مثال با ریش انبوه، لباس‌های کثیف و مندرس، اسامی کلیشه‌ای عربی و حرف زدن به زبانی بیگانه و نامفهوم نشان داده می‌شوند.در عوض «سیا» با ماموران تیز هوش و وظیفه شناسش همچون «کری متیسون»، نمونه کلیشه‌ای قهرمانان آمریکایی هستند که یادآور «دیک تریسی»، قهرمان دهه‌های هالیوود است.[۱]

«گوین ویلکینز» معتقد است اینگونه کلیشه‌سازی‌های پس از یازده سپتامبر، می‌کوشند جنایت و تروریسم را با نمادها و نشانه‌های دینی مقارن سازند. «ابونظیر» به عنوان یک ضد قهرمان مسلمان از این دیدگاه مشمول بازنمایی اعتقادات دینی در ارتباط با فرهنگ‌های خاورمیانه‌ای می‌گردد. وی در مقایسه با ضد قهرمانان متعلق به دیگر مناطق غیر از آمریکای شمالی، متفاوت دانسته می‌شود؛ «اگر یک فیلم تروریستی ببینیم که ضد قهرمان آن از آمریکای جنوبی یا از یک کشور اروپایی است، موضوع مورد تمرکز، دین نیست، بلکه پول یا مواد مخدر است. اما اگر

---

۱. این مقاله با نام «هشدار اسپویلر؛ می‌دانم مبارزه با تروریسم، سیا و تقریباً همه چیز در هوملند مسخره است، با این حال تماشایش می‌کنم» به تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در سامانه الکترونیکی این نشریه به این آدرس می‌باشد.
www.Foreignpolicy.com

www.takbook.com

ضد قهرمانانی از منطقه خاورمیانه مواجه گردیم، حتی اگر موضوع فیلم دینی نباشد، آن‌ها با سر دادن مکرر فریاد الله یا گفتن برخی عبارات نامفهوم یا نماز خواندن قبل از یک کشتار، بر دین تاکید می‌کنند».

درباره زنان، رویکرد مجموعه به طرز مشهودی از کلیشه‌های مسلط درباره تفاوت جایگاه زن در غرب و شرق پیروی می‌کند.در وهله نخست، همانطور که در مطالب پیشین بدان اشاره شد، نگاه «فتیشیستی» که از مولفه‌های اصلی شرق‌شناسی است، انعکاسی چشمگیر در مجموعه دارد. در فصل نخست، «امیر» شاهزاده عرب فردی عیاش و متمول تصویر می‌شود که هر ساله به آمریکا می‌آید تا دختران شایسته را با پرداخت پول زیادی به خدمت خود در آورد. همانند «برودی» که به تازگی پس از سال‌ها زندگی در میان مسلمانان نزد خانواده اش بازگشته است و نمی‌تواند رابطه عاطفی و انسانی پیشین خود با همسرش را بازیابد.به علاوه، زنان در کشورهای مسلمان با حجابِ اغراق شده و نقش‌های اجتماعی حاشیه‌ای با «کری متیسون» مقایسه می‌شوند که در این مجموعه از حد یک زن پیشروی غربی هم فراتر رفته و جلو تر از مردان، عملیات‌های پیچیده جاسوسی را به مرحله اجرا می‌گذارد.

«Homeland» را می‌توان در راستای توجیه و مشروعیت بخشی به سیاست خارجی آمریکا با محوریت جنگ با تروریسم قلمداد کرد. افزون بر خلاف مجموعه‌های مشابه مثل «۲٤»، نهادهای امنیتی فرضی و تخیلی در کار نبوده و «سیا» به طور مستقیم در کانون داستان قرار می‌گیرد.همانطور که بالاتر به آن اشاره شد، از این رهگذر، مجموعه به «سی دقیقه پس از نیمه شب» نزدیک می‌شود؛ نوعی از بازنمایی امنیت محور که با قریب الوقوع و مهلک جلوه دادن تهدیدات تروریست‌های

www.takbook.com

مسلمان علیه شهروندان آمریکایی، سیاست‌های رسمی دولت در قبال مقابله با آنها در خاورمیانه را ضروری جلوه می‌دهد.[۱]

در ادامه تمرکز بازنمایانه «Homeland» بر کشورهای خاورمیانه، بخش عمده‌ای از فصل سوم این مجموعه به ایران اختصاص پیدا می‌کند. در این فصل، سیا می‌کوشد با نفوذ در معاون سپاه پاسداران که اختلاس مالی وی توسط این سازمان کشف شده است، فرمانده سپاه پاسداران را ترور کند. سپس معاون مذکور به عنوان عامل نفوذی به فرماندهی کل سپاه می‌رسد تا از این طریق سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه هسته‌ای و دیگر زمینه‌ها را در جهت منافع آمریکا هدایت کند.[۲] برخی از تحلیلگران تمرکز بر مساله ایران در این مجموعه را متاثر از پاره‌ای از جریان‌های موجود در روابط خارجی ایران و آمریکا قلمداد نمودند. از این دیدگاه، «Homeland» را می‌توان بازتاب‌دهنده آن دسته از جهت‌گیری‌های منفی نسبت به بهبود روابط آمریکا با ایران، مانند آنچه در سری «سیصد» مورد اشاره قرار گرفت به حساب آورد. در همین زمینه «فواز جرجیس»، استاد مسائل خاورمیانه در مدرسه اقتصاد لندن معتقد است: «هوملند برای تلاش های صورت گرفته جهت بهبود روابط ایران و آمریکا، حکم سم را دارد... ترسیم ایران و ایرانی ها به عنوان افراد

---

۱. فراگیری مجموعه و کثرت مخاطبین آن، انتشار پیام‌های بازنمایی را در داخل و خارج از آمریکا موثرتر نموده است؛ چنانچه «Homeland» در بیش از سی کشور دنیا پخش گردیده و رکورد بیشترین مخاطب در تاریخ شبکه «شو تایم» را نیز به خود اختصاص داده است.

۲. همزمان با پرداختن فصل سوم این مجموعه به موضوع ایران، آمار مخاطبین آن نسبت به فصل دوم، رشدی ۲۶ درصدی را به خود دید.

www.takbook.com

تروریست، خشن و فریبکار، سبب تحکیم تصویری در ذهن آمریکا می‌شود که بر پایه آن، ایران یک ملت متخاصم است و نمی‌توان به آن اعتماد کرد. این نه تنها کاری مضر و توطئه‌محور است، بلکه همچنین سبب ایجاد و تثبیت دشمنی میان مردم دو کشور می‌شود».[۱]

عنوان‌بندی (تیتراژ) آغازین «Homeland» را می‌توان از این منظر که همانند یک فیلم کوتاهِ کامل ساخته شده است، منحصر به فرد محسوب کرد. ابتدای عنوان‌بندی کودکیِ «کری متیسون» مامور سیا دیده می‌شود که به عنوان نمادی از نسل آمریکایی‌های پس از فروپاشی شوروی، در معرض تهدید تروریسم از جانب بنیادگرایان اسلامی معرفی می‌گردد. همزمان با بزرگ شدن وی، روسای جمهور آمریکا از ریگان تا باراک اوباما به نمایش در می‌آیند که هریک بر مبنای وقایع تروریستی که در دوران آنها رخ داده است، به خط و نشان کشیدن برای تروریست‌ها می‌پردازند. در این میان تصویری از جورج بوش، با وجود اینکه حادثه یازده سپتامبر در زمان وی رخ داد نشان داده نمی‌شود و به عوض وی، تصویری از سخنرانی «کالین پاول» که فردی میانه رو و خوشنام در کابینه بوش شناخته می‌شد پخش می‌گردد. مجموعه این اظهار نظرات به باراک اوباما ختم می‌گردد که به طوری مصمم و قاطع درباره تهدیدات تروریستی می‌گوید:« ما باید در میهن (هوملند) و خارج از آن هوشیار بمانیم و خواهیم ماند».

«Homeland» با این مقدمه که در ابتدای هر قسمت از آن پخش می‌گردد، اقدامات سیا برای مقابله تروریست‌ها در داخل و خارج آمریکا

---

۱. فواز جرجیس در مصاحبه با ایندیپندنت به نقل از وبسایت تابناک در تاریخ ۲٦ آذر ۱۳۹۲. www.tabnak.ir

www.takbook.com

را به تصویر می‌کشد. «کری متیسون» به همراه سایر همکارانش در سیا، شبکه «ابونظیر» تروریست خطرناک القاعده را در خاک آمریکا با کشتن او منهدم می‌کنند. آنها همچنین در لبنان، عراق و پاکستان هم به مبارزه با تروریسم پرداخته و در ایران با قتل فرمانده سپاه پاسداران و جایگزینی عامل نفوذی سیا، فعالیت‌های تروریستی سپاه قدس در سراسر جهان را خنثی می‌کنند. در واقع «Homeland» بیانگر نقش و اهمیت سیا در رسالتی است که اوباما برای مبارزه با تروریسم در خارج و داخل از آمریکا متصور شده است.

مجموعه «Homeland» را می‌توان نمونه‌ای جامع از جریان فیلم‌های خاورمیانه‌ای دانست که پس از یازده سپتامبر با محوریت اسلام هراسی و بازنمایی مسلمانان عرب و غیرعرب منطقه خاورمیانه تولید شده‌اند. «Homeland» حایز شباهت‌های مضمونی زیادی هم با سه نمونه تحلیل شده در این رساله است. با «سی دقیقه پس از نیمه شب» در تاکید بر احاطه امنیتی سیا، مقایسه شان و جایگاه زن در آمریکا و خاورمیانه، توجیه شکنجه و اعمال خشونت، نگاه پست و حیوانی نسبت به عرب‌ها، تمجید از سیاست‌های اوباما در قبال مبارزه و تروریسم یکسانی‌های مشهودی دارد. با «سیصد» در نمایش شکاف‌های تمدنی میان غرب و شرق و همچنین چهره‌ای خشن، خطرناک و غیرمتمدن از مردم مشرق زمین مشترک است. به علاوه در هر دو اثر، روح استبداد و بردگی نهادینه شده در کشورهای خاورمیانه در مقابل آزادی سیاسی ـ اجتماعی غرب مورد نکوهش قرار می‌گیرد.[۱]

---

۱. علاوه بر نمایش فضایی مستبدانه از کشورهای خاورمیانه در این مجموعه، نیکلاس برودی به نوعی از بندگی و سرسپردگی در برابر ابونظیر می‌رسد، چنانچه حاضر شده است برای اجابت فرامین او به کشورش خیانت کند.

www.takbook.com

در عین حال بخش هایی از «Homeland» با «آرگو» نیز دارای مشابهت است. در هر دو اثر قهرمان داستان از پرسنل میانی سازمان سیا بوده که در عین اختلاف با مقامات مافوق، نهایتاً به واسطه تدبیر و تهور در اجرای ماموریت، موفق به رفع تهدید از اتباع آمریکایی می‌گردد.به علاوه در فصل سوم «Homeland»، زمانی که موضوع ایران و چالش با سپاه پاسداران را سوژه داستان قرار می‌گیرد، شباهت‌ها بیشتر به چشم می‌آیند. در «Homeland» هم همانند «آرگو»، سپاه پاسداران مجموعه‌ای خشن و غیرمنعطف ماست که مانع اصلی بر سر راه تعاملات ایران و آمریکا معرفی می‌شود. ضمن آنکه در هر دو اثر تصویری ذهنی که از تهران برای مخاطب نمایش داده می‌شود ترکیبی از صحنه‌های اعدام در ملا عام، هرج و مرج و نابسامانی، جامعه میلیتاریزه شده و محدودیت‌های اجتماعی ـ سیاسی است.

www.takbook.com

□ نگاهی دوباره به سریال «تهران»

به بهانه ترور شهید فخری‌زاده

www.takbook.com

www.takbook.com

«تهران» نام یک مجموعه تلویزیونی اسراییلی به کارگردانی دانیل سیرکین است که در سال جاری[1] توسط کانال ۱۱ اسراییل، «سینه فیلیکس» و «اپل تی وی» در سراسر جهان پخش شد. داستان این مجموعه درباره برنامه خرابکاری موساد در ایران است که طبق نقشه‌ای چند مرحله‌ای، رآکتورهای هسته‌ای بعد از قطع برق تهران مورد حمله هوایی رژیم صهیونیستی قرار خواهد گرفت. تامارا، دختری که جاسوس موساد است خودش را در تهران به شمایل یکی از کارمندان زن نیروگاه برق تهران در می‌آورد تا در فرصت مقتضی، برق شهر را به هدف از کار انداختن پدافند هوایی و حمله جنگنده‌های اسراییل قطع کند.

اما در مسیر عملیات تامارا موانعی بوجود می‌آید و او درگیر حوادث فراوانی می‌شود و با افراد مختلفی آشنا می‌گردد. درنهایت معلوم می‌شود که یک زن نفوذی ایران در موساد مأموریت تامارا را به اطلاعات سپاه لو داده است و سپاه در صدد است که جنگنده‌های اسراییلی را پس از ورود به آسمان ایران به تله بیاندازد.

اما نقشه سپاه هم در اثر مداخله یک مامور خودسر اطلاعات سپاه که همسرش را اسراییلی‌ها گروگان گرفته‌اند خنثی می‌شود و تامارا در آخر به اتفاق یک پسر ایرانی که ظاهراً علاقه‌ای هم بین آنها پدید آمده است می‌گریزد. سریال به خاطر ضعف در داستان و شخصیت پردازی و بعضا

---

۱. زمان نگارش مطلب

www.takbook.com

به دلیل عدم تطابق لوکیشن‌های آتن با تهران مورد نقد واقع شده است. اما قطع نظر از انتقادات وارده، مجموعه تهران گویای دیدگاه سازندگان آن نسبت به ایران است که به جای اینکه از تحقیقات دقیقی راجع به فرهنگ و جامعه ایران نشأت گرفته باشد، تحت تاثیر کلیشه‌های بازنمایی شده است.

در روزهای پس از ترور شهید فخری‌زاده، نظرها به سوی این مجموعه تلویزیونی جلب شد؛ سریال «تهران»، ترور و خرابکاری را از نظر دستگاه‌های امنیتی اسراییل راه موثری برای توقف برنامه هسته‌ای ایران نشان می‌دهد و به همین دلیل پس از حادثه اخیر، بسیاری را دوباره به یاد این سریال انداخت.

آنچه اسراییل برای فروپاشی درونی ایران روی آن حساب کرده است در این سریال به خوبی نشان داده می‌شود.از طرفی طبقه متوسط ایران که در سریال شاکی از فقدان آزادی‌های اجتماعی و اوضاع بد اقتصادی هستند، به عنوان پاشنه آشیل جمهوری اسلامی معرفی می‌گردد. از طرف دیگر نسل جوان ایران فاسد، معتاد، سود جو و متزلزل نشان داده می‌شود که هیچ اثری از انقلابی گری در آنها نیست.

دانشجویان هم عمدتا فارغ التحصیلان بیکاری هستند که برای کسب درآمد مواد مخدر می‌فروشند و در روابط اجتماعی مثل هیپی‌ها، بی‌پروا و عصیانی عمل می‌کنند.

سریال تهران به طور آشکاری سعی می کند نشان دهد که شکاف میان مردم و حاکمیت در ایران بسیار زیاد است و اغلب مردم ایران با سیاست‌های حکومت مخالفند.

از دیگر سو اما هراس اسراییل از سپاه پاسداران ایران در جای جای

www.takbook.com

سریال خودنمایی میکند. ماموران اطلاعات سپاه باهوش و مصمم تصویر شده اند و در خلال داستان به نفوذ اطلاعاتی سپاه در منطقه و حتی خود اسراییل هم اذعان می‌شود. نمایش سکانسی در قسمت آخر سریال که اتاق عملیات سپاه را در حالی که مترصد انهدام جنگنده های اسراییلی هستند نشان می‌دهد، حاکی از تایید ضمنی توانایی و کارآیی سپاه پاسداران در حفظ امنیت ملی و توانایی نظامی است.

در عین حال اگر چه محور اصلی موضوع سریال، در رابطه با دغدغه‌های ذهنی اسراییل پیرامون برنامه هسته‌ای ایران است، اما در صحنه‌ای از فیلم به دغدغه‌های موشکی اسراییل هم اشاره می‌شود؛ آن جایی که تامارا از ماموریت خود منصرف شده است اما از رادیوی تاکسی می‌شنود که سخنران نماز جمعه تهران می‌گوید اگر اسراییل دست از پا خطا کند حیفا و تل آویو را با خاک یکسان خواهیم کرد؛ سپس چشمش به بیلبوردی خیابان می‌افتد که زیر یک تصویر موشک نوشته است: «ما از برنامه موشکی دست نخواهیم کشید.» چنین می‌شود که تامارا متقاعد می‌گردد که برنامه را از سر گیرد و ماموریت خود در تهران را به اتمام برساند.

از سه موردی که از فحوای سریال «تهران» می‌توان فهمید اسراییل در آرزوی رخ دادن آنهاست تحقق دو موردش در ایران منتفی به نظر می‌رسد.

نخست حمله هوایی به تاسیسات اتمی ایران عملا امکانپذیر نخواهد بود ؛ هر چند اسراییل در ۱۹۸۱ به تاسیسات هسته ای اسیراک در عراق و در سال ۲۰۰۷ به مجتمع هسته ای (به ادعای اسراییل) سوریه در دیرالزور حمله هوایی کرده است، اما قدرت پاسخگویی ایران و توانمندی در

www.takbook.com

جنگ نیابتی به میزانی است که اسراییل را از این عمل بـر حـذر خواهـد داشت.

در وهله بعد، در سریال بر نارضایی عمومی و احتمال شـورش طبقـه متوسط در ایران تاکید می‌شود. اما این مقوله هم در چهـار دهـه گذشـته جواب نداده است و مـردم ایـران بـا وجـود ترکیبـی از فـشار تحـریم و عملیات روانی، همچنان کشور را از فروپاشی و گسست مصون داشته‌اند.

پس فقط راه سوم می‌ماند یعنی تـرور و خـراب‌کـاری! تـرور شـهید فخری‌زاده نشان داد آنها به این تنها راه حل باقی مانده متوسل شـده‌انـد. رژیم صهیونیستی ترس‌ها و آرزوهای خود را در سریال تهران به نمـایش گذاشته است، مجموعه‌ای که انتشار فصل‌های بعدی آن در آینده، احتمالاً نکات تازه‌ای را از طرز تلقی آنان درباره ما بدست دهد.

www.takbook.com

بخش ۲

هویت، ژئوپولیتیک و سیاست خارجی

www.takbook.com

www.takbook.com

□ عاشورا و سیاست خارجی

www.takbook.com

www.takbook.com

برداشت کلاسیک از سیاست خارجی دولت‌ها، با ظهور نظریاتی مثل سازه‌انگاری دستخوش تحول شده است. در نظریه‌های جدید، سیاست خارجی صرفاً از ساختار نظام بین‌الملل تاثیر نمی‌گیرد، بلکه هویت هر کشور در شکل‌گیری و تکوین آن اهمیت بسزایی دارد. در واقع هویت از مجموعه‌ای از ایستارها و ارزش‌ها، تاریخ و تجربیات مشترک یک ملت در طول سالیان دراز به وجود می‌آید و به طرزی ناخودآگاه منشاء رفتار برای آن کشور می‌شود.

در اینجاست که تاثیر خصیصه ملی در سیاست خارجی تبلور می‌یابد. در واقع همان‌طور که افراد بنا بر ژنتیک، خانواده و محیطی که در آن بزرگ شده‌اند، خصایل متفاوتی دارند، ملت‌ها هم بر مبنای متفاوت بودن عناصر یاد شده حائز ویژگی‌های متمایز نسبت به همدیگرند. اگر چه این دولت‌ها هستند که سیاست خارجی را هدایت می‌کنند و نه ملت‌ها، اما به هر روی سیاست‌مداران و رهبران سیاسی هم مثل بقیه مردم، در همان جامعه رشد کردند و هویت آنها جدای از دیگران نیست. ضمن اینکه اگر دولتی خلاف هویت ملی رفتار کند، پایه‌های اجتماعی آن به تدریج سست خواهد شد.

به طور مثال محمدرضا شاه هیچ‌گاه زندگی در بطن جامعه ایران را تجربه نکرد او در فاصله دوازده سالگی تا هفده سالگی، یعنی مهمترین سال‌های شکل‌گیری شخصیت یک فرد، در سوییس به سر می‌برد. در

www.takbook.com

واقع در حالی شخصیت شاه در آرام‌ترین کشور دنیا شکل می‌گرفت که قرار بود در حادثه خیزترین مناطق یعنی خاورمیانه حکومت کند. در چهره مردی که انگلیسی و فرانسوی را روان‌تر از زبان فارسی حرف می‌زد سیمای یک تاجر اروپایی یا یک کارآفرین آمریکایی بیشتر هویدا بود تا یک ایرانی. شاید یکی از دلایل اقبال نداشتن توده مردم نسبت به سیاست خارجی شاه، همین گسست هویتی و نا آشنایی او با خصلت‌های ملی ایرانیان بوده است. اما این خصلت‌ها چیستند؟ عناصر هویتی ایرانیان در طول تاریخ کهن این کشور با چه شاخصه هایی تدوین شده‌اند؟

نمونه آمریکا

اسطوره‌ها یکی از منابع شناخت هویت ملی است. خصلت‌های هر اسطوره می‌تواند نماینده ارزش‌ها و آمال فراگیر در یک کشور باشند. در آمریکا به عنوان نمونه که به خاطر سابقه تاریخ ناچیزش، فاقد اسطوره است، سینما دست به اسطوره سازی و پر کردن خلاء موجود زده است. در حقیقت، ابرانسان هایی مثل بتمن، سوپر من، آیرون من، کاپیتان آمریکا، اسپایدر من، راکی، رمبو و... اسطوره‌های معاصر آمریکا به حساب می‌آیند. ویژگی‌های مشترک این ابر قهرمان‌ها مبتنی بر قدرت فراوان و بلامنازع، هوشمندی و فراست، نجات بخشی و برخورداری از اقبال عمومی است. این خصلت‌ها همان هایی هستند که آمریکا در اعمال سیاست خارجی خود سعی می‌کند در منظر جهانیان چنین به نظر بیاید: هوشمند، قدرتمند و محبوب. اسطوره‌های نوپای آمریکایی در واقع، نمایان گر هویت ناخوداگاه امریکا در آنچه علاقه دارد باشد است.

www.takbook.com

اسطوره‌هایی که ایستاده می‌میرند

در ایران با تاریخ کهن و تمدن چندین هزار ساله، نیازی به اسطوره‌سازی سینمایی نیست. اسطوره‌ها در ایران دو خصلت مشترک با همدیگر دارند: ۱. سلطه‌ناپذیری و در افتادن با ظلم بدون توجه بـه میـزان قـدرت آن ۲. مظلومیت و فدا شدن در راه آرمان و هدف.

به طور مثال آرش کمانگیر بـا قـدرت فـایق زمانـه یعنـی تـوران کـه تمامیت ارضی ایران را از میان برده است، یک تنه طرف می‌شود. آرش با تهور و جسارت مرزهای ایران را اعاده می‌کند و در آخر جان خود را در این راه از دست می‌دهد. کاوه آهنگر، رستم دستان، سیاوش و... همـه در نبرد با شر حاکم می‌جنگند و در آخر هم فدا می‌شوند. در واقع ایرانیان یا به کل قهرمان اسطوره‌ای که اهل مماشات و سازش با قدرت زمانه خـود باشد ندارند یا اهمیتی به آن نمی‌دهند تا فراموش شود.

ائمه اطهار(ع)

اما سوای از اسطوره‌هـای ایرانـی، ارادت کامـل ایرانیـان بـه دوازده امـام معصوم شیعه نیز مبین همین ویژگی‌های هویتی است. همه امامـان شـیعه با قدرتِ زمانه خود درگیر بوده‌اند و همگی در عین مظلومیت در این راه به شهادت رسیده‌اند. ولی عصر (عج) به عنوان آخرین امام شیعه، رسالت بر انداختن ظلم و استکبار جهانی را بر عهده دارد و در واقع پروژه سلطه ستیزی شیعیان با ظهور امام زمان به تکمیل می‌رسد. اما واقعه عاشورا بـه عنوان مهمترین روایت در سـپهر فرهنگـی ایرانیـان، خـصلت دوگانـه ی سلطه ستیزی و فدا شدن در راه آرمان را به نمایش می‌گذارد. تقابل سـپاه عظیم و پر تعداد دشمن در برابر یاران اندک ابا عبدالله (ع)، نماد بـارز آن

www.takbook.com

چیزی است که در هویت ملی مردم ایران به عنوان ارزش و فضیلت ایستادگی در برابر قدرت ظالم، ولو به صورت نا برابر و با علم به عاقبت کار، شناخته می‌شود.

سیاست خارجی و هویت ملی ایرانیان

امروزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رفتار آن در نظام بین‌الملل، بر گرفته از همین خصلت‌های هویتی مورد اشاره است. ما اکنون، عملا به شیوه اساطیر و شخصیت‌های مذهبی خودمان، با بزرگترین قدرت زمانه که مدعی رهبری جهانی و هژمون بلامنازع است درافتاده‌ایم. در واقع تقابل ایران و آمریکا، در حالی صورت می‌گیرد که ظاهرا فزون تری آشکار قدرت حریف، با علم به عواقب آن برای ما اهمیتی ندارد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه مقاومت در دنیایی است که حتی آخرین کشورهای مقاوم مثل کوبا هم در برابر ایالات متحده عقب نشینی کرده‌اند. به واقع این امر، جز برای ملتی که اسطوره و الگویش امام حسین(ع) است ممکن خواهد بود؟ آیا چنانچه به نظر می‌رسند، شنا در خلاف جریان و ایستاده مردن که در زمره مهمترین عناصر هویت ایرانی ـ اسلامی هستند، عامل پدیدار شدن این نوع از سیاست خارجی تجدید نظر طلب ایران نیست؟

اقتصاد و عقب‌نشینی هویت

فشارهای اقتصادی و معیشتی، عوامل تاثیرگذاری در اولویت خارج شدن مولفه‌های هویتی سیاست خارجی هستند. آمریکا در تمام این سال‌ها کوشیده تا با تحریم و محاصره اقتصادی، ایرانیان را فرسوده کرده و از

www.takbook.com

دنبال کردن خصلت‌های خود در برابر آمریکا منصرف کنند. از آنجایی که مقابله نظامی با ایران به دلایل ژئوپلیتیک و استراتژیک منتفی است، تنها راه برای مهار روحیه مقابله جوی ایرانی، فشارهای اقتصادی است. ایالات متحده در صدد است تا مردم ایران به ویژه طبقه متوسط را به این نتیجه برساند که هزینه‌های تقابل با هژمون، بسیار سنگین و غیر قابل تحمل خواهد بود. بنابراین پاداش‌های احتمالیِ دست کشیدن از این سیاست خارجی مستقل، برای ایران به نحوی ترسیم می‌شود که آنها را ترغیب به تسلیم کند. بررسی اینکه فشار اقتصادی تا چه اندازه در تغییر رویه ایران در سیاست خارجی موثر افتد، در این مجال نمی‌گنجد اما به هر روی هویت مقوله‌ای است که در طی هزاران سال برای یک ملت بوجود می‌آید و در میان آن رسوب می‌کند، بنابراین عقب‌نشینی‌های احتمالی، زودگذر و مقطعی خواهند بود و هر تغییر بنیادینی، در کوتاه مدت و تحت فشار بیرونی صورت نمی‌پذیرد.

www.takbook.com

www.takbook.com

□ شأن و منزلت در سیاست خارجی ایرانیان

www.takbook.com

www.takbook.com

از جمله انتقاداتی که به تحلیل واقع‌گرایی (Realism) در رابطه با سیاست خارجی کشورها وارد شده است، برداشت تقلیل گرا و عام این مکتب از مفهوم منافع ملی است. درحقیقت، واقع گرایان به سان قاعده «توپ بیلیارد» فقط به تماس سطوح خارجی کشورها با همدیگر توجه می‌کنند و تمایلی به درک و تحلیل ویژگی‌های داخلی و اجتماعی آنها ندارند. اما رویکردهای نظری جدید تر مثل سازه انگاری در روابط بین الملل معتقد است نظر واقع گرایی در این باب که منافع ملی به وجود آوردنده اهداف سیاست خارجی است فی نفسه روایی دارد؛ اما منافع ملی کشورها در خلاء شکل نمی‌گیرند. بدین اعتبار، آنچه منافع ملی را می‌سازد هویت ملی است که خود تشکیل شده از اعتقادات، باورها و ایستارهای فرهنگی است که در طول سالیان متمادی به صورت ارزش‌های قابل شناسایی در آمده‌اند. از منظر سازه انگاران، تعریف منافع ملی در ایالات متحده به عنوان مثال، با چین یا روسیه متفاوت است، همان طور که فرهنگ استراتژیک و هویت ملی این کشورها نیز با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارد. به همین اعتبار تحلیل مفهوم منافع ملی در ایران نیز که معمولا به روش سنتی واقع گرایان مورد بحث قرار می‌گیرد، نیاز به بازنگری با محوریت در نظر گرفتن هویت ملی ایرانیان و مهمترین ارزش‌های آنان به عنوان عناصر سازنده منافع ملی است.

عده‌ای بر این باورند که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، حفظ

www.takbook.com

شان و عزت نفس مبتنی بر ارزش‌های اسلامی – ایرانی در سیاست خارجی بر منافع ملی رجحان داشته است. بر مبنای این تحلیل، عمگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تحت‌الشعاع آرمان گرایی قرار گرفته و از این رهگذر منافع ملی بعضاً مغفول واقع شده اند. اما با تفسیری که در مقدمه بیان شد، منافع ملی مفهومی مجرد نیستند، پس این میزان از توجه به شان و منزلت در ارتباط با بیگانگان می‌تواند بر گرفته از فرهنگ استراتژیک ایرانیان باشد. در واقع این امر نه الزاماً بعد از انقلاب اسلامی که در قالب هویت ملی برخاسته از ارزش‌های ایرانی و شیعی، قرن‌هاست در تعامل حکومت‌ها در برابر جهان خارج اعمال شده و در دوره‌هایی بنا بر شرایط حاکم شدت و ضعف داشته است. بررسی ابعاد همه جانبه فرهنگی‌شان مداری در منافع ملی از حیطه این نوشتار خارج است، بنابراین در اینجا صرفا به مقایسه سه تصویر از ملاقات های دیپلماتیک در جمهوری اسلامی ایران و عهد صفویه پرداخته می‌شود و از این طریق، شباهت‌های این تصاویر در هویت عزت‌طلب ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

www.takbook.com

تصویر ۱. دیدار تاریخی حضرت امام با وزیر خارجه شوروی

به نظر می‌رسد دیدار امام خمینی با وزیر امور خارجه وقت ابرقدرت بزرگی مثل شوروی، صرفا برای ثبت در تاریخ صورت پذیرفته است؛ چرا که احتمالاً هیچ زمان دیگری نماینده دولت یک قدرت جهانی حاضر نشود به مناسباتی که در دیدار با امام خمینی وجود داشت تن دهد. در این دیدار، شواردنادزه و همراهانش مدتی را منتظر امام می‌مانند. به محض رسیدن ایشان، امام خمینی بدون این که با کسی دست بدهند یا حتی نگاهی به آنان بیاندازند، به همراه مرحوم احمد خمینی در جایگاه خود می‌نشینند. شواردنادزه با حالت دستپاچگی و صدای لرزان شروع به قرائت متن جوابیه گورباچف که در دست دارد می‌کند، در همین حال حضرت امام با قطع صحبت وی می‌فرماید: «به ایشان (گورباچف) بگویید که من می‌خواستم جلوی شما یک فضای بزرگ تری باز کنم من

www.takbook.com

می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای بعد از مرگ که دنیای جاوید است را برای آقای گورباچف باز نمایم و محوراصلی پیام من آن بود. امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند...» سپس جلسه را ترک می‌کنند. شوادرنادزه درباره این جلسه می‌گوید: «من در حالی که خیلی هم سردم شده بود، شروع کردم به بیان محتوای این نامه و دیدم که امام چند مرتبه در برخی نقاط سر تکان دادند و بعد فرمودند که این نامه پاسخ نامه من نبود. من هدف اصلی ام این بود که آقای گورباچف را ببرم به یک دنیای جاوید، دنیای پس از مرگ و با یک عالم دیگر آشنا کنم و این جواب من نبود. خلاصه با یک حالتی ایشان از این جلسه بلند شدند و پس از آن من یک احساس نارضایتی کردم. احساس کردم که خیلی تحویل گرفته نشدم.»

شواردنادزه در جای دیگر می‌گوید: «خلاف انتظارم که تصور می‌کردم می‌خواهند من را در جماران به سبک پادشاهان تحقیر کنند، دیدم نه آن روحیه اصلاً در امام نیست. امام چنین روحیه ای ندارد.» امام خمینی (ره) اساسا به رابطه با قدرت های جهانی اعتقادی نداشت و شان ایران را اجل از آن می‌دانست که با این قدرت‌های خود برتربین وارد مذاکره شود. به همین دلیل این تنها ملاقات ایشان با نماینده یک قدرت بین المللی محسوب می‌شود. چنانچه مشاهده شد، نحوه دیدار و رفتار حضرت امام به گونه ای است که ضمن حفظ مقام معنوی و انسانی در ارتباط با فرد مهمان، حفظ شان و عزت نفس در عدم تمکین در برابر قدرت فائقه و گوشزد کردن غیر مستقیم مقام اسلام و ایران لحاظ شود.

www.takbook.com

تصویر ۲. دیدار مقام معظم رهبری با روسای کشورها

اگر به نحوه دیدارهای دیپلماتیک توجه شود، می‌توان مشاهده کرد که همه چیز در دیدار دو طرف باید به طور قرین و برابر باشد. از زاویه صندلی‌ها نسبت به هم گرفته تا پرچم دو کشور، شکل نشستن طرفین، دست دادن‌ها و غیره. اما چینش اتاق مقام معظم رهبری در دیدار با روسای دیگر کشورها به نحوی است که در واقع مهمان‌ها گویی به دیدار ایشان نایل می‌شوند. همان‌طور که در تصویر نمایان است، صندلی رهبری تک نفره و صندلی مهمان دو نفره است که معمولاً یکی از مقامات ایرانی در معیت مهمان قرار می‌گیرند. زاویه صندلی رهبری عمود بر مهمان خارجی است و فقط پرچم جمهوری اسلامی ایران در پس زمینه تعبیه شده است.

روسای بسیاری از کشورهای مهم دنیا مثل چین، برزیل، ترکیه، ایتالیا، سوییس، فلاند، کره جنوبی، ونزوئلا، سوئد و... روی همین صندلی با

www.takbook.com

مقام معظم رهبری دیدار کرده‌اند. اما از این بین، دیدار ولادیمیر پوتین با رهبری که در تصویر هم مشاهده می‌کنید، بسیار قابل توجه است. علاوه بر قدرت رو به تزاید روسیه به عنوان یک ابرقدرت، ویژگی های شخصیتی پوتین باعث شده تا در دیدارهای دیپلماتیک خود با دیگران، نوعی تکبر و نخوت از فحوای «زبان بدن» وی قابل تشخیص باشد. در این تصویر اما، پوتین در موضع تدافعی و با خضوع کامل در مقابل رهبری قرار گرفته است؛ تصویری که جز در تهران و در اتاق مخصوص دیدار رهبری با روسای کشورها، در هیچ جای دیگر دنیا بدیل ندارد.

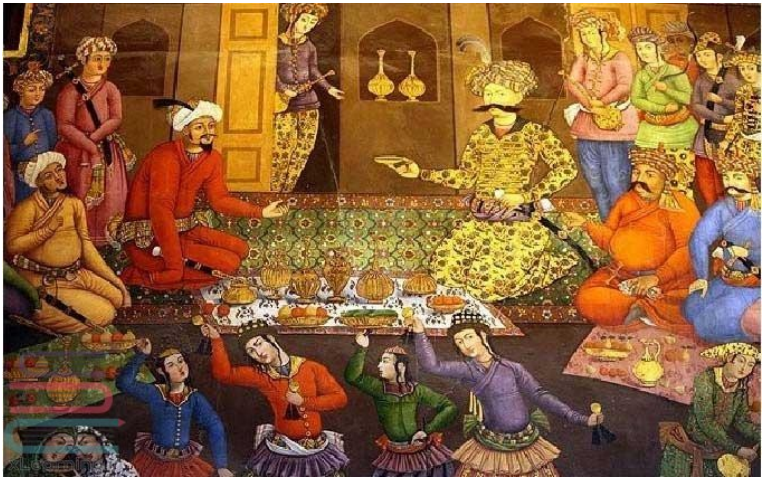

تصویر ۳. نقاشی‌های کاخ چهلستون

دوران صفوی، دوره بازیابی هویت ایرانی بر مبنای تشیع و احیای قدرت از میان رفته کشور محسوب می‌شود. صفویان با تاکید بر عناصر شیعی ـ ایرانی، به برجسته کردن هویت ملی پرداختند و از این بابت

www.takbook.com

تمامیت ارضی ایران را که در معرض تهدیدات دشمنانی مثل عثمانی قرار داشت اعاده کردند. از پنج نقاشی موجود بر دیوارهای کاخ چهلستون اصفهان (نقاشی‌های مربوط به عصر صفوی)، سه تای آنها دیدارهای دیپلماتیک صفویان را به ترتیب زیر تصویر کرده است:

شاه عباس یکم در پذیرایی از ولی محمدخان فرمانروای ترکستان

شاه تهماسب یکم در پذیرایی از همایون پادشاه هندوستان

شاه عباس دوم در پذیرایی از ندرمحمد خان امیر ترکستان در سلسله اشترخانیان

در تصویر فوق که مربوط به دیدار شاه عباس اول با فرمانروای ترکستان است، آستین دست راست محمد خان و چند تن از همراهانش، به نشانه تضرع و خاکساری روی دست آنها کشیده شده است. در نقطه مقابل نقاشی، شاه عباس در مرکز تصویر و در کمال اقتدار و شکوه و در موضعی بالاتر از اتباع ترکستان به تصویر کشیده شده است. در دو نقاشی دیگر هم کمابیش، این برتری ایرانیان نسبت به بیگانگان به چشم می‌خورد. در دوران صفوی اگر چه هنوز عکاسی وجود نداشت، اما آنها می‌کوشیدند تا دیدارهای دیپماتیک را با تکیه بر برتری و عظمت ایرانیان در قالب نقاشی ماندگار کنند.

از دل برون نگردد، الا به روزگاران

بعد از این که آمریکا ژاپن را با دو بمب اتمی هدف قرار داد و هزاران نفر از مردم این کشور را کشت، ژاپنی‌ها در خیابان به احترام حاکم نظامی ژاپن؛ ژنرال مک آرتور می‌ایستادند و کلاه از سرشان بر می‌داشتند. پایگاه نظامیان آمریکا در اوکیناوا که از بعد از جنگ جهانی دوم در اختیار نظامیان آمریکایی است، بارها با مساله هتک حرمت زنان

www.takbook.com

این جزیره توسط سربازان آمریکایی مواجه شده است، اما ژاپنی‌ها نسبت به این رسوایی‌ها مماشات و صبر پیشه کرده‌اند. برای آنها شاید، اولویت منافع ملی، پیشرفت اقتصادی است.

در ایران اما، قریب به صد سال پیش، وزیر مختار روسیه را به خاطر هتک حرمت دو زن مسلمان مجازات می‌کنند. هر چند این عمل کشور را در معرض جنگ قرار می‌دهد اما مردم تبریز مرگ را به بی‌آبرویی و جنگ را به بی‌غیرتی مرجح می‌دانند. در ایران غرور و شان جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. اسطوره‌های ایرانی و ائمه اطهار شیعه، همگی به این علت در حافظه تاریخی ایرانیان عزیز و ماندگار شده‌اند که علیه حکام وقت و قدرت‌های زورگو مقاومت کرده‌اند و در این راه به شهادت رسیده‌اند. فرهنگ استراتژیک ایرانی بر مبنای غرور و تعصب ملی ـ شیعی بنا شده است که نمود آن در سیاست خارجی قابل مشاهده است. این فرهنگ از قبل از انقلاب اسلامی وجود داشته و پس از آن تقویت و تثبیت شده است. اولویت‌های منافع ملی ایرانیان را هنوز نه اقتصاد و رفاه که منزلت و هویت تعیین می‌کند. این فرهنگ در قالب سه تصویر منتخب این مقاله به تحلیل محتوا گذاشته شد. اگر چه در این مجال، تنها اشاره کوچکی به این مقوله وسیع رفت، اما نمونه‌ای است کوچک برای شکل‌گیری مفهوم هویتی منافع ملی در جامعه دیرپا و کهن ایران: «سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل / کز دل برون نگردد الا به روزگاران»

www.takbook.com

□ رهبری، موشک‌ها و بازدارندگی
در سیاست خارجی ایران

www.takbook.com

www.takbook.com

یک ایران خوب از نظر دشمنانش یک ایران تجزیه شده است. این عبارت اگر چه ممکن است در ابتدا اغراق‌آمیز به نظر آید، اما بهره‌ای انکارناپذیر از حقیقت دارد. اگر کشوری تجزیه شود به مثابه آن است که در نظام بین‌المللی مرده باشد؛ کما اینکه فرقی نمی‌کند گفته شود مثلاً شوروی سابق یا مرحوم شوروی! و به همین منوال زنده یاد یوگسلاوی، شادروان عثمانی و.... دشمنان ایران به دنبال مرگ موجودیتی به نام ایران هستند، و این نه از ره کین که مقتضای طبیعی رقابت‌های ژیوپولیتیکی در منطقه بحران خیز خاورمیانه است. ما برای دفع این دشمنی ها و حفظ کیان کشور، حقیقتاً چه در چنته داریم؟ آیا ایران بی‌دفاع و منفعل در مقابل خیل کینه‌توزی‌ها و شرارت‌ها قرار گرفته است؟

بازدارندگی و موازنه قوا به عنوان اصلی مهم در حفظ امنیت کشور ها به حساب می‌آید. آمریکا و شوروی در طول قریب به نیم قرن جنگ سرد، با اتکا به این اصل، هیچ یک به دیگری حمله نکردند. بازدارندگی هسته‌ای مهمترین عامل در حفظ صلح بین آمریکا و شوروی بود. اما در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران به‌طور ناعادلانه‌ای از برنامه هسته‌ای خود باز داشته شد، به نظر می‌رسد توان موشکی ایران تنها و مهمترین عامل بازدارنده این کشور در برابر دشمنان است.

کشورهای حوزه خلیج فارس: عربستان سعودی با خرید سلاح های فوق پیشرفته، تفوق خود در جنگ متعارف را علیه ایران مسجل کرده

www.takbook.com

است. به ویژه نیروی هوایی این کشور در سال‌های اخیر بسیار تقویت شده و مجهز به جنگ‌افزارهای روز دنیاست. در واقع نقطه قوتی که عربستان خیلی هم روی آن تاکید می کند به گزاف نیست. آنها در عین حال پشتیبانی قوای آمریکایی را هم در منطقه برای یک جنگ برق آسا و حمله به نقاط حساس ایران دارا هستند. عربستان سعودی با خرید این حجم از سلاح، موازنه قوا را علیه ایران به هم زده است، آنها برتری نظامی و لجستیکی بیشتری نسبت به ایران در اختیار دارند، اما آنچه عربستان را با وجود این میزان نفرت و عناد با ایران از ورود به جنگ بازداشته، هراس از پاسخ موشکی ایران است. اصابت چند موشک به میادین نفتی عربستان و همچنین زیرساخت‌های شهرهای بزرگ این کشور موجب فلج شدن آنی عربستان خواهد شد.

در این میان از دست آمریکایی هم کاری ساخته نیست و به گفته کالین پاول سعودی‌ها حتی مجال تلفن زدن و کمک خواستن از آمریکا را هم نخواهند یافت. این امر برای امارات متحده که نسبت به ایران ادعای ارضی دارد، حادتر هم خواهد بود. شهرهای لوکس و مملو از آسمان خراش‌های این کشور، به علاوه تمام دستاوردهای عمرانی این چند دهه اخیر، با اصابت موشک‌های ایران نابود خواهند شد، سرمایه گذارها فرار خواهند کرد و توریسم به حال تعلیق در خواهد آمد. به قول معروف آنکه در خانه شیشه ای زندگی می کند، به کسی سنگ پرتاب نمی کند، و این منطق بازدارندگی موشکی ایران است.

رژیم صهیونیستی: سرزمین کوچک اسراییل، به واسطه فقدان عمق استراتژیک، به شدت در برابر حمله موشکی آسیب‌پذیر است. ایران در واقع اسراییل را به خاطر در تیررس نگاه داشتن، به مهار درآورده است.

www.takbook.com

نه فقط موشک‌های ایران که موشک‌های حزب الله که در موعد مقرر از چند کیلومتری اسراییل آن را هدف قرار می‌دهند، تندروهایی مثل نتانیاهو را هم از جنگ با ایران منصرف کرده است. اسراییل خود را مجهز به سپر دفاع موشکی موسوم به گنبد آهنین می‌داند.

با این حال امثال این سامانه‌های دفاعی، هنوز قادر به دفع کامل حملات موشکی نیستند. از نظر رژیم اشغالگر اسراییل ایران بیش از اندازه پهناور است، پس تجزیه آن استراتژی طبیعی اسراییلی‌هاست. در این مورد ایران به صرف داشتن موشک‌ها اکتفا نکرده و جبهه را از طریق لبنان و سوریه یک خط جلوتر یعنی کنار مرزهای اسراییل برده است، چیزی که به آن اصطلاحاً در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محور مقاومت گفته می‌شود.

آمریکا: ایالات متحده مثل عربستان و اسراییل دشمن فطری ایران نیست، اما از نظر آمریکایی‌ها دو سلطان در اقلیمی نمی‌گنجند! آمریکا خلیج فارس را حوزه نفوذ خود می‌داند، پس ایرانی که خودش را محق در تعیین مناسبات این منطقه تلقی می‌کند، طبعاً مزاحم آمریکا به حساب می‌آید.

برای آمریکا هم ایران تجزیه شده به مراتب مزاحمت کمتری نسبت به آنچه امروز با آن روبه روست خواهد داشت. با این وجود آمریکا منافع و هم‌پیمانان خود در خاورمیانه را گروگان ایران می‌بیند. آمریکایی‌ها از پس عراق و افغانستان با قدرت به مراتب نازل‌تر از ایران بر نیامدند. اینک ایران با نفوذ در شیعیان منطقه و در اختیار داشتن نیروی شبه نظامی و نامتقارن، آمریکا را نسبت به جنگ محافظه‌کارتر از هر زمانی کرده است.

www.takbook.com

رهبری، موشک‌ها و امنیت ملی: امنیت مقوله‌ای است که برای هیچ کشوری قابل مذاکره نیست. زمانی، بعد از جنگ سرد، ناتو با وعده حفظ امنیت اوکراین آن را غیراتمی کرد. سال‌ها بعد اوکراین تجزیه شد و عملا از ناتو هم کاری بر نیامد، اما توان هسته ای این کشور در صورت وجود، می توانست عامل بازدارنده موثری باشد.

امنیت ملی مهمترین اولویت منافع ملی ایرانیان در این عصر پر مخاطره و این منطقه بلاخیز است. توان موشکی ایران به همراه نیروهای شبه نظامی وابسته به آن در لبنان، عراق، یمن و سوریه، مهمترین ابزارهای بازدارندگی در مقابل دشمنان تا دندان مسلحی است که دورتا دور این سرزمین را فرا گرفته‌اند. اما علاوه بر این موارد، وجود رهبری قاطع شاید مهمترین عنصر در پیشبرد استراتژی بازدارندگی ایران است. از دیدگاه دشمنانی که مورد اشاره رفت، کاراکتر رهبر ایران را در قالب فردی پیچیده، هولناک و مصمم که هیچ ملاحظاتی در قبال مقابله با دشمن ندارد، می شناسند.

حفظ بقا در چنین منطقه خطرناکی برای کشوری با دشمنان بسیار، نیازمند داشتن شیری است که از بازی با او بهراسند. به نظر می آید جمهوری اسلامی ایران در کنار نمایش وجهه تعامل‌گرا و تنش زدا از خود در عرصه بین‌المللی که طبعاً بر عهده وزارت امور خارجه و دولت است، به جد نیازمند رهبری قدرتمندی است که راه خیال باطل را بر اذهان دشمنان این مرز و بوم ببندد.

www.takbook.com

□ در ثنای سینما

www.takbook.com

www.takbook.com

جادوی تصویر چنان است که جماعتی جام جهان نمای دنیای نو می‌خوانندش و کسانی همان شهر فرنگ ادعایی روزگار کوچه‌ای پر غبار. هر کدام این توصیفات که به گوش لذیذ تر اید باز به تمامی از همان روایت دست بر تن پیل کشان در تاریکی فراتر نخواهد رفت که تا امروز هر دم این تصاویر متحرک به جان وحهان آدمیان تصویر و تصوری نو بخشیده‌اند.

سینما چه آن روزگار که مهر سکوت و صموت بر لب داشت و تنها حرکت و اطوار بود و چه بعدتر که زبان گشود و ناطق شد همواره حضوری فرا و برفراز حقیقت مجازی‌اش بر دنیای واقعی نهاده است.

می‌گویند چون روسی خان در بالاخانه‌ی عکاسخانه‌ی ناگرفته‌اش پرده‌ای آویخت و تصاویر افتان و خیزان پیروگراد و سیبری را نشان داد آتش و عطش بر جان صغار و کبار دارالخلافه ناصری انداخت که همگان از پی یافتن رمز این جادوی نو برآمدند و گروهی از هراس این بی‌آزرم دنیای نو در بقاع بست نشستند و گوشه و زاویه گزیدند. حالیا قطار نگاتیو سخن چنان به حرکت درآمده بود که مظفرالدین میرزا هم یک سینماتوگراف از فرنگستان ارمغان آورد تا چشمان شهلا و نوای بریده بریده‌اش را به زور در حلقوم و دیده چاکران ابدی و رعیتان آماده حیرت حقنه کند.

صغرای کلام به وصلت کبرایش رضا نداده، جماعت بی‌عار و برکنار

www.takbook.com

یا در کار دم خواهند گرفت که هنر، هنر فرنگیست و بـه مـا چـه ؟لیـک نفت هم از چاه موصل در لابراتوار پـاریس مـی‌شـود کیمیـای کریـستین دیور تا لپ و لب لعبتکان را جلا دهد! و نـوش انکـه اکـسیر کیکیـاگری می‌داند. حکایت هنر هم در این کلـک همـین اسـت. روزگـاری روشـن روانی عارف قزوینی نام گفته بود تا قبل از تصانیف اینجانب کمتر ایرانی می‌دانست وطن و ایرانیت چیست و کیست؟ و دهانش پـر گـل بـاد کـه فارغ از اوراق گل و گشاد و دهان‌های به طمع صله گشوده، نواخـت «از خون جوانان وطن لاله دمیده/ از ماتم سرو قدشان سرو خمیده» و چنـان لفظ پارسی را چون دری به زیر پای پیرم خان. آن دیگر آزادگـان فـشاند که هیچ ادعا چون این هنر لشکر مظفر نبود.

هنر انگار آن فوت کـوزه گـری یگانـه اسـت کـه نـسبت و نـسب از معرفت برده و چون دری گران به هر کـس ندهنـدش. تـا هنـوز نقـوش سیمن رخان پارسی بر فرش چنان معرف بنان عاشقان این سرزمین است که یگان توصیف سزا بر آن نوشته ی سعدی روزگار معاصر علی حاتمی عنبر دهان در لسان جمشید مشایخی در ردای محمد غفاری به گلمحمـد قالی باف است «هنر این است که تو مـی‌کنـی نـه آنچـه قلـم مـوی مـن می‌نگارد.»

ابزار که رفع نقصان شدو همه گیرتر هنر هفـتن بیـشتر دلبـری و رخ نمایی کرد. در جهان زودتر به سلاح و نـه صـلاح رسـیده شـد سـرگئی آیزنشتاین و لنی ریفنشتال که برای شـوروری و آلمـان نـازی فـیلم‌هـای حیرت‌انگیز رزمناو پوتمکین و نبرد اراده را بسازند تا چشم‌هـا چنـان در این تصاویر مضبط خیره و غره شود که گردن‌ها و روان‌ها به نشان کرنش و ستایش یکسر پایین بیاید و تابلوی تدبیر و تاریخ در ذهـن خـودی‌هـا

www.takbook.com

محکم و مستحم تا انگشت‌ها بر ماشه نلرزد و ذهن‌ها از تردید پالوده شود.

در بلاد قالی وگربه آن روز هم تماشاخانه‌ها و صنعت نوپای سینما عاری از سیاست و سیاس‌ها نبود و نمی‌توانست هم باشد. مرحوم داریوش اسدزاده هنرپیشه سالدیده ایرانی نیکو بخاطر دارد چگون احمد دهقان روزنامه نویس و صاحب یکی از تئاترهای شهیر دهه بیست چگونه در پیش چشمانش گلوله خورد وخونش افتاد گردن همه کس الا آنکه باده و کالباس خوکش را از روبروی سفارت کبری شوروی به ثمن بخس نوش می‌کرد. و باز عبدالحسین نوشین آن معلم یگانه تئاتر که در بخارست مشق ریژیستوری کرده بود و با بانویش لرتا شده بود سرمشق نوزلفان کلوب حزب چگون مشق آکتوری می‌داد و دل از آرزو به جان داشتگان تهران می‌ربود به تمامی. باز در شامگاهی که نوشین بر پرده و در پرده از برتولد برشت می‌گفت شعبان نامی گردن ستبر برای بی‌آزرمی‌های پس از باده‌اش اسباب و اثاث تئاتر را در هم کوبی و از همان جا برای خود شد شعبان خانو تا مرتبت تاجبخشی هم تاخت. همین نوشین که قهوه‌ای فرانسه لرتا بانویش آرزوی بسیارای از لب ترکیدگان منتظرالعشق بود به فرمانی در دوران دورانی رزم آرا به مسکو گریخت و پشت پرده آهنین فراموش شدو خاک شد..چنان که انگار هرگز مادر نزادی چنین فرزند در خطه خراسان.

آن روزگار خاکستری ایران زمین در کنار مصر و هندوستان یگانه صاحبان این صنعت در در جهان شرقی بودند. هر چند که گاه در بی‌پروایی و بخیه بر آبدوغ خیار گوی و گود را از برادران لومیر هم پیشی می‌گرفتند لیک می‌شد امید داشت که چاه گل الود هم روزی اب

www.takbook.com

شفاف و زلال بر لبان طاهر خواهد نشانید و چشانید. در دنیای خبال اگیز شرق که اوصاف معلم انقلابس از شب‌های کویری به خیال‌انگیزی محصولات متروگلدن مایر و بیشتر هم بود جماعتی برای تیغ در پهلوی قیصرش زار می‌زدند وهای‌های شان سینه اسمان را چنگ می‌داد و در بارگاه شهریاران ساسانی هم باربد و بامشاد چنین چنگ ننواخته بودند.

در کدام صنعت می‌توان برای قهرمان جان نداده چنین گریه از خلق‌الله ستاند که پول گریه شان را نیز کمی قبل تر در گیسشه به تمامی و میل پرداخته باشند؟ و کدامین سردار بی‌رئزی سربازی می‌تواند در قامت یک ابر اسطوره چنینی به اذهان باورانده شود که انگار از فتح پتل پرتو سمرقند بازگشته است؟

کسانی نیکو در خاطر ثبت داند که نمایش سربداران دکتر اهل مزینان وساکن سرای حزینان در همکف حسینیه ارشاد به کارگردانی محمد علی نجفی چنان جانهای شیفته انقلاب را به شور می‌آورد که اشک مقدس و خشم شورشی یک دمان آن اسیمه سران را رها نمی‌کرد. و باز در بحبوحه همان روزهای تاریخ ساز جماعتی حین خروج از سالن‌ها نمایش سفر سنگ مسعود دلنداده به آتش تا هنوز چنان مشت‌های گره کرده در هوا می‌چرخاندند که انگار خود شریک رنج آن دهاقین پینه بر دست و پیله در مشت بوده‌اند و باز انکار در همان مردادهای همیشه داغ این ملک جماعتی چشم بر گوزن‌ها بر صندلی برای همیشه ماندند تا رکس شود چیزی شبیه پمئیی در ایتالیا و آن را آتشفشان کرد و این را آتش نشان نکرد.

و تا کنون که رج می‌زنم این خطوط را باز بنگاه رویا فروشی و گندم به فی زر فروشی از پررونق‌ترین هاست. می‌شود و نیکو به انجام رسیده

www.takbook.com

که حرکت دوربینو چرخیدن دهان به ادای دیالوگ تصویر سرزمینی و مردمانی را یکسره دیگر گون در جلد جماعتی فروکن. قیاس کنید بدون دخترم هرگز را که انگار الکن معیوب الذهن برای آوار کردن آورای ناموجود بر سر مردمانی و باور جماعتی دیگری هرچه داشت در کار آورد اما شترهای ادعایی او وآرگو مشغول نشخوار پنبه دانه گشتند و نه هیچ بیش از آن و دیگر مادر سعدی سینمای ایران که مهر و پیوستگی ذهن حتی حزین این سرزمین را چنان نمود دیگرانی نیکو دانستند یگانه انجام پیران میوه‌ی خویش بخشیده نسیان و خاموشی در فراموشی نیست و در این سامان مردمان به‌این دیگر شمع را ولو نیمه جان در بر می‌گیرند و پاس می‌داند، با اینکه به فراست می‌دانند از این شمع چند جرعه‌ای بیش برجای نیست. این پیام و تصویر کنار آن بی‌آزرمی.....

www.takbook.com

www.takbook.com

□ نان جوین بایدن، سماع بن سلمان!

www.takbook.com

www.takbook.com

انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده امریکا و دامنگیری درازپای کووید ۱۹ اذهان عمومی را مشغول و گفتارها و قلم‌ها را نیز به تشریح و تفسیر در همین وادی وادار کرده است. این‌که جهان پیش و پس از کوس کووید به کدامین جهت خواهد تاخت وآیین ملکداری و مکنت اندوزی هیچ تحول و تغییر خواهد یافت یا که باز در و پاشنه امور جهان با کمی روغن کاری همان طریقت پیشین را خواهند گزید؟ و دیگر این که در انتخابات ایالات متحده که به دوئل بی‌آزرم دو پیرمرد می‌ماند که یکی باید نوه‌ها را دست در دست برای هواخوری به پارک ببرد و شنل بر دوش به میانه کارزار آمده و آن دیگری بی‌توجه به پند حضرت سعدی که «پری رخسار جوان را به پیران چه کار؟» از یار و مشاور همه را آن سان که افتد و دانید گزیده و شاهدان عرصه سیاست را با دولت داری عریان و عیان خود حیران کرده است. حال کسانی از پی پاسخ این معنی‌اند که جهان پسا ترامپ با جهان پیشا کرونا ودیگر از این دست ترهات چه تفاوت هایی خواهد داشت؟ و چه می‌شود اگر این یا آن شود؟

از اهریمن هفت سر کووید ۱۹ بیآغازیم که جان می‌ستاند بی‌آنکه اندک مروتی پیش چشم آورد. از سیاستمدار معمر تا هنرمند و «معمول مردمان» را بی‌حرف پس و پیش راهی عدمستان می‌کند. شاید در سالیان اخیر هیچ گاه تیرگی مرگ این سان نزدیک بر سر آدمیان سایه نگسترده

www.takbook.com

بود. کسانی جان را در پستوی گنجه خانه نهان کرده و کلیدش را هم در اقیانوس غریق ساخته‌اند اما انگار مکنت و اشتهار هیچکدام زره ایمنی برای صیانت از جان نبوده ونیستند. در این میان و میانه گروهی برآنند که جهان پس از رخت برکشیدن هیولای پاندمی جهانی یکسر متفاوت خواهد بود. آدمیان با دانستن «برباد بود بنیاد عمر» آدمی شیوه‌های ناپسند تمام سالیان بر بشر و خاکدان رفته را به کناری نهاده و.ایین برادری ومقداری برابری خواهند گزید. به روایت بامداد شاعر: روزی ما دوباره کبوترهایمان را پیدا خواهیم کرد و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت...و هرانسان برای انسان برادر خواهد بود... دیگر اینکه لطمه‌های اقتصادی ناشی از ویروس دولت‌های متجاسر جهانی را برجای خواهد نشاند و سر در جیب مراقبت خود فرو خواهند برد....

این پسا و پیشا کوییدا۱۹ انگار باز آمده تا دلخوشی از جنس دوشاب وسراب بر آدمیان عرضه کند که عالمی نو و آدمی نو ساخته خواهد شد.اما تاریخ و تلخی حقیقت انگار سخن به دیگر گونه می‌گویند. اگر پس از طاعون‌های سیاه اروپا که تا گورستان کردن لیسبون پایتخت پرتغال هم تاخته بود آدمی راهی نو برگزید و دندان طلب، قدرت، ثروت وشهوت و حسادت را از جای برکند این بار هم چنین خواهد کرد. نزدیک تر بیایم و اگر در هیهات هراس بیماری حوصله‌ای برای خواندن متون نیست نگاهی به فیلم «یتیم‌خانه ایران» ساخته ابوالقاسم طالبی بیندازیم که به موضوع شیوع آنفولانزای اسپانیایی و همزمانی آن با قحطی بزرگ در همین صدسال قبل در سرزمین مان می‌پردازد. این که چگونه بعض ادم نمایان از همان خونابه و چرک هم برای احتکار و فربه شدن کوتاه نمی‌آمدند. همان ایام تیره روز احمدشاه قاجار گندم‌های

www.takbook.com

املاک خود را احتکار کرده بود و در مقابل اصرارهای رئیس الوزرا برای گشودن درب انبارها و نجات نفوس بر این پای میفشرد که تا بـه نهایـت قیمت ترقی نکند تن یک دانه گندم را رنگ آفتاب نخواهد دید!

فاجعه و حرمان با تمامی هولناکی وفروبلعیدن آدمی و عزیـزان چـون بگذرد تنها متعلق به پشت سر است. مرثیه چون فراغ یاران و اقربا چـون غبار زمان بر آن بنشیند تنها انجماد یک لحظه است بـرای فراریـز شـدن آب دیدگان وشاید مناسکی و یادبودی برای نمایش کراوات‌های مـشکی و تورهای ضد آفتاب در برابـر تمثـال بـه خـضاب و وسـمه نشـسته ی پیربیوگان و دیگر هیچ. به رسم تداوم زندگی و تـرجیح «سـیلی نقـد بـر حلوی شکرین نسیه» وعده داده شده باز بشر بـر همـان سـبک و سـیاق ادامه حیات خواهد داد. باز جهد برای استیلا و تداوم لذت با همان سیره سابق گیرم در جامه نو! اگر پنداشـته ایـد پـس از کرونـا بـن سـلمان بـه بیوفایی دنیا پی خواهد برد و دست از ریختن بمب بر سر اهـل سـرزمین عدن برخواهد داشت سخت در اشتباهید! که فرانـسه ی زهـر اشـغال در جنگ جهانی دوم چشیده، چندی نگذشت که خـود اشـغالگر الجزایـر و شامات شد ومگر به جور قدرت پای بیرون ننهاد و امـروز هـم حکایـت آش و کاسه همان اسـت. رویـای مهـار شـقاوت قدرتمـداران جهـانی و عبرت آموزی انسان از فجایع انسانی و طبیعی تا همیشه همراه ذهن حق جو و گاه خسته انسان متفکر بوده است و بارها پنداشته به بزنگاه رسیده و اینجا دروازه آخر است اما باز به حکم آنچه در روایت فوق رفت، آش و کاسه تفاوت آنچنانی نخواهد کرد.

جماعتی می‌پندارند در واویلای سیاست با آمدن این یا آن «میـان مـاه من تا ماه گردون» تفاوت خواهد بود اما تجربـه بـشری آختـه تـر از هـر

www.takbook.com

زمان در برابر است که یگانه منطق قدرت است که تعیین کننده است ولبخند و تلخند هیچکدام را مگر برای فریب اذهان به کار نمی‌برند. اگر بایدن رئیس کاخ سفید شود، بامدادان ظفر، شولای پرهیزکاری برتن و نان جوین به قدر کفایت حیات را برنخواهد گزید و بر تربت بیگناهان به خاک خفته از جنایت هم قطارانش در ویتنام و هیروشیما اشک ندامت و حرمان نخواهد فشاند! که اگر می‌خواست چنین کند نیم قرن از اکابر سیاست در ایالات متحده نبود!

منطق گذشته تا همیشه جهان بر مدار قدرت و افزایش توان تحمیل اراده بوده است و عاقلانه‌ترین کار در جهان وسیاست قدرتمند شدن برای صیانت از خود و توان اعمال اراده است..نزدیک‌ترینش به صلاح توان تحمیل اراده خیر و زیستن در مدار انسانی تر و حقمدار تر...کاش آدم می‌توانست مستی باور به پسا و پیشا این و آن را کنار بنهد که این مستی تا سحر در طول تاریخ نپایید و سردردهای هول انگیز و انتحاربرانگیز تاریخی به باور آورده است. اما انگار مغز انسان همانگونه که با دانایی از مرگبار بودن مصرف شیرینی با فریب خود رو به قند مداوم می‌آورد از این بازی هم انگارلذتی وافر می‌برد...تا چه شود به عاقبت.

www.takbook.com

□ جهان کارمند و کالا

www.takbook.com

www.takbook.com

هنگامی که این خطوط را میهمان چشمانتان می‌کنید احتمالاً جو بایدن هم گره کراوات خود را محکم می‌کند تا در آیینه تمثال تمام رخ رئیس‌جمهور آتی ایالات متحده را ببیند و کمی در نهان قربان صدقه خودش برود. ترامپ هم تا کمی دیگر مگر ردی در تاریخ کمتر یادی از خود باقی خواهد گذاشت که فریاد هم تا زمانی جذبه شنیدن دارد و همیشه عامل فرایاد آوردن آدم‌های گریزان از گمنامی نیست.

هرچه زمان بی‌رحمانه به تاخت می‌رود جادوی سیاست بیشتر رنگ می‌بازد و اهالی بارگاه قدرت ردای رازآلودی و مهابت از تن به در کرده به رنگ اهل ابتلا و جماعت عوام و امی درمی‌آیند، حتی اگر اکسفورد رفته باشند و درس‌ها زبر کرده باشند.

قرار گردش سیاست و ثروت در جهان بر مدارهای ثابت و برقرار است حال در جامه‌ها و رنگ‌های گوناگون ورنه‌ایین همان است حال در نحله و قبیله‌های گوناگون. این که کسی بخواهد بازی را بهم بزند شاید در برهه‌ای و فراق یا فراغتی ممکن بیاید که گاهی که فضا بازتر است اهل جامعه از تکرار مکررات خسته شده به دنبال مجنون نمایان یا تبر بدستان می‌روند اما به حکم «زمستان که از راه برسد ارزش پالتوهای مندرس چون بوران در صورت‌های ناسپاس کوبانیده خواهد شد» مدارهای قبلی برقرار خواهند شد و وصله‌های ناجور یا بخشی از لباس همیشه خواهند شد ویا سر وصدای بی‌حاصلی خواهند کرد وهیچ.

www.takbook.com

شاعر هم که باشی یا آوازه خوان چندان پرش خارج از خطوط برایت رستگاری ببار نمی‌آورد. شنیده اید کسانی گفته بودند

«رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل
مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا
قافیه و مغلطه را گو همه سیلاب ببر
پوست بود پوست بود درخور مغز شعرا»

همین رقص قلم شاعر در ابیات بالا که گله از قافیه‌های همیشه می‌کند دوام یافت چون قافیه داشت و موزون بود تا شد رقص قلم.

انسان گاه از تقسیم نامتوازن فوائد زندگی چنان به تنگ می‌اید که می‌خواهد «فلک را سقف بشکافد و طرحی نو دراندازد» پس به خروش می‌آید و بجای ردیف‌های میرزا عبدالله «جمعه‌ها خون جای بارون می‌چکه» را روی صفحه هزار دور می‌شنود اما جبر زندگی متدوام نمی‌گذارد سوزن صفحه روی صفحه جمعه گیر کند و بدور خود بچرخد که به دور خود چرخیدن تنها کار عارفان اهل سماع است که زنگارشان دل را ریش و اشکم را به پشت می‌چسباند. پس در کار گیتی باید چونان کرد که آن دیگری به دور تو چرخان شود نه تو به دور خود که سرگیجه می‌آورد!

در کار سیاست هم زمانی جوانان و بی‌دندان‌ها پنداشتند می‌توان از دولتمداران زمخت و بی‌احساس با اشکم‌های برآمده و سرهای کویری دل به چریک‌های پرموی کوه‌های سیراماسترا بست یا ژنرال‌های پنج ستاره که راه می‌رفتند و «هل من مبارز» می‌طلبیدند. اما چندی نگذشت که دریافتند گل با خار بهتر که بوته بی‌ثمر که نمی‌داند گل چیست ویگانه داس به دست دارد. حکایت عالم سیاست و ثروت هم در جهان

www.takbook.com

برآمده از دو جنگ ویرانگر همین بوده است. این که بیشینه مردمان آگاهند که سیر ثروت و حرمت انسان به قاعده و مقبول نیست اما کو بهترش؟ همین است که چندی جریان‌های گریز از مرکز در ردای بیرون ار سیستم در ساختارهای متصلب و یا برآمده از صندوق‌های رای یا آرای پستی در چهاچوب‌های دموکراتیک تر رخ می‌نمایند اما این «پری رویان که تاب مستوری ندارند» تا از طریقت عشق قدم بر سریر شهریاری و ملکداری می‌زنند در می‌یابند که «زمین سفت تر از این حرف‌هاست» و آن عشقی که چنین آسان می‌نمود چنان مشکل‌ها نمود که نگو و نپرس.

حکایت امثال این همسر مهربان و باوفای خانم ملانیا ترامپ هم همین است که چندروزی اشتلمی کرد و آتشی سوزاند که «گر جهان به کامم نگردد، بنیانش براندازم» و به حکم «نوآر که نو را حلاوتیست دگر» چندی دلبری کرد که هم مردمان از سیاستمدارن لبخند برلب که در سایه وهم و سخنان تقیل خود را عرضه می‌کردند به تنگی خلق آمده بودند وهم این جناب‌ایین دلبری را نکو می‌دانست. ولی باز چندی نگذشت که «شب شراب به سر آمد و بامداد خمار از راه رسید» و جادو و جذبه جناب ترامپ هم تمام شد و دندان لق بیرون افکنده شد تا تنظیم ردیف دندان به هم نخورد. کسانی مثل لوپن در فرانسه یا اوربان در مجارستان یا کوربین در بریتانیا هم دقیقا همین است.

گر سیاست را تفسیر و تعبیر به قدرت کنیم، روزگاری صدر سیاست از گرده اسب و شمشیر آخته می‌آمد و مهابت و هراس که تداومش به کرنش و پیشکش می‌رسید به تمامی معنای سیاستمدار را می‌رسانید. در متون کهن تر به تنبیه متجاسر یا یارناموافق «سیاست کردن» اطلاق

www.takbook.com

می‌کردند که گاه تا طلاق سر از تن بینوا هم پیش می‌رفت و شاعر هم می‌سرود

«سجده کرد و گفت کین گاو سمین
چاشت‌خوردت باشد ای شاه گزین»

و پاداش وفاداری حق ادامه حیات و خردک نعمتی از خوان گسترده به غارت و از کشته پشته ساختن. در روزگار جدیدتر هم صدرنشینان یا فرزند کسی بودند واز میان پرده‌های زربفت با افسون و افسانه بدر می‌امدند و یا حکم «نادر پسر شمشیر» را داشتند. پس جای چون و چرا در میان نبود و رفتن یگانه با نیست کردن میانه داشت.

امروز اما به مدد رسانه‌های جدیدی که در حکم همان شهر فرنگ و جام جهان نمای در خیال جمشید هستند افراد و پدیده‌ها به عادت‌های عادی تبدیل گشته‌اند که رحجانی یا فضیلتی در آنان نیست. مردمانی که در خصوصی‌ترین لحظات فرمانروا یا شریک‌اند و ابتلائات را عیان می‌بینند هیچ شانی متفاوتی برای هیچ کسی قائل و شامل نیستند. پس سیاستمدار و فرمانروا می‌شود یکی مثل همه و تنها یک کارمند ارشد که باید آب و نان خلق الله را تامین کند و به موقع کارت ورود و خروج بزند وحقوقش را بگیرد...مدتی این ومدتی آن.

در مدل کارمندی نه آدم تخس و متجاسر محبوب است و نه دانایان فراتر از زمان، پس هر دو پس از مدتی ملال آور واسباب تکدر خاطرند و اداره به همان سیاق شناخته و کم خطرتر اداره خواهد شد.

دموکراسی در مسیر بوروکراسی و کارمندیزه شدن به تاخت می‌تازد.

www.takbook.com

□ تماشای حاجی واشنگن*

* عنوان یادداشت اشاره و ادای احترامی به فیلم حاجی واشنگتن ساخته علی حاتمی فقید است که به زندگانی اولین سفیر ایران در ایالات متحده می‌پردازد.

www.takbook.com

www.takbook.com

انگار قطار سیاست در ایالات متحده دانالد ترامپ را در ایستگاه میان راه پیاده خواهد کرد و هر چقدر هم به چنگ برروی همگان بکشد و دندان‌های طلایش را نشان بدهد کمترین رشته‌ای را پنبه نخواهد نمود که به روایت بامداد شاعر «از این زنجیریان یکی در گور دندان طلای مردگان را می‌شکست است.» ترامپ شاید به سبب اطوارو رفتار یگانه‌اش در زمانه خود در یادها بماند اما به حکم پر طنین و میان تهی بودن طبل، این جناب هم پوستین دریده زودتر از آنچه خود می‌پندارد از یادها خواهد رفت. برخی ناظران ودلدادگانش لب به دندان حسرت گزیده می‌گویند ترامپ هم که برود رسم ترامپیسم برنخواهد اوفتاد! حال براستی رسم ترامپ چه بود؟ و اگر گزاره ادعایی این غمین‌های امروز را بپذیرم، مانایی این نقشه راه چقدر خواهد بود؟

الف: در تاریخ سیاست و ملکداری همواره کسانی با مدعای یکسر متفاوت بودن و طرحی نو درافکندن به میدان آمده‌اند و چندی که بر آنها می‌گذرد به سیاستمدارانی به قاعده تبدیل شده‌اند ویا چنان وصله ناجور شده‌اند که هیچ برجای ننهاده‌اند وگوشه‌ای خزیده‌اند. اگر گمان می‌کنید سخن و پیشینه ترامپ نو و یگانه است، تاریخ را با تمرکز تورق نفرموده‌اید. در همین ایالات متحده رونالد ریگان هنرپیشه که کمترین مشق سیاست را کرده بود در سخت‌ترین شرایط جنگ سرد میان ایالات متحده و شوروی ساکن کاخ سفید شد.

www.takbook.com

حکایت تصمیمات غریب و راهکارهای عجیب برای مسائل دشوار جهانی هم کم سابقه نیست. جیمی کارتر، معروف به رئیس جمهور بادام فروش در بحران سفارت ایالات متحده در تهران با عملیاتی موافقت می‌کند که کم از بی‌مایه‌ترین فیلم‌های هالیوودی ندارد! اینکه کماندوهای آمریکایی از دل تهران تعداد زیادی آدم را بردارند و فرار کنند وحاصل هم همان ابتدای کارطوفان شن و و صحرای طبس..ریگان هم می‌پنداشت با یک کیک تولد و کلت وفرستادن چند نفر به تهران می‌تواند پیچیدگی هوای کدورت و روابط تهران و واشنگتن را رفع و رجوع کند! ملاحظه می‌کنید که سبکسری سیاسی یا تظاهر به آن برای فروختن این معنی «که برخلاف جریان غالب و قالب‌بندی شده» هستم همیشه بوده و خواهد بود و این جناب هیچ کار جدیدی نکرده که بشود مکتب و طریق.

ب: وقتی شخص یا جریانی برای مدتی در راس جریان قدرت واجرا جاخوش می‌کند برای چشم و ذهن بخش مهمی از مردم خسته کنند و ملال آور می‌شوند و احتمال برافتادن مقطعی آنان در نزدیک‌ترین انتخابات‌ها هست و این چرخه باز برای خود این نوآمدگان هم ادامه خواهد داشت. می‌گویند جان اف کندی فقید به هزار ویک دلیل مخبوب‌ترین رئیس جمهور ایالات متحده بود و جوانمرگی تراژیک و همسر جوانش ژاکلین که معنایی نو به نام بانوی اول را در کاخ سفید بوجود آورد تا هنوز هم محبوب‌ترین هم لباسان خود در ایالات متحده است. اما همان کندی نه کندیسم برجای نهاد وژاکلین هم پس از چندی همسر ارسطو اوناسیس صاحب مکنت یونانی شد. کمتر از چندسال بعد هم امثال نیکسون وجانسون که مسیر کاملا متفاوتی را با کندی

www.takbook.com

می‌پیمودند به ریاست جمهوری ایالات متحده رسیدند. ترامپ هم احتمالا تا زنده است به نوشتن خاطرات و شرکت در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و دریافت دستمزدهای هنگفت خواهد پرداخت.

ابتلائات اقتصادی و سرعت زندگی در درازنای عبور قطار تاریخ نگذاشته تا مجالی برای بیاد آوردن هیچ کسی باقی بماند. در این روزها که اهریمن کویید هم سبزه ایست که به آراستن گل‌های قبلی آمده است، اذهان از پی گشایشی و گشودن پنجره‌ای رو به امید و زندگی هستند. تفنن رایگان جدال‌های انتخاباتی ایالات متحده و دوگانه‌های مطبوع همیشه ی بشر هم به پایان خواهد رسید و زندگی با تمام پیچیدگی و دشواری‌های خود از راه رسید و کسی خواهد پرسید؟ ترامپ؟ دل خوش سیری چند...

www.takbook.com

www.takbook.com

□ برای آن خسرو شیرین دهان

www.takbook.com

www.takbook.com

آیین خاموشی چراغ انگار یک آن سر بازایستادن بهر نفس تازه کردنی هم ندارد. چنان واگن‌های این قطار به شتاب آدمیان را راهی عدم می‌کنند که انگار این ترن ساربان و سوزنبان را به مکیدن سماق وساختن سفال فرستاده است. این بار در میان و میانه ی تبر به دستی همه گیری باز داس فلک دست چین کرد وشد آن چه همه می‌دانستیم می‌شود اما نمی‌خواستیم باور کنیم. استاد محمدرضا شجریان خاموش شد، و مگر خنیاگرو رامشگر را باایین خاموشی میانه ایست؟ مگر نسروده‌اند که ثبت است بر جریده ی عالم دوام ما؟ سیاوشی که که مخمل رویی سیاووش در خزینه نوایش جی به نیکویی گسترده بود روزی به حرن دم گرفت «نفس کرز گرمگاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک/ همچو دیوار ایستد در پیش چشمانت/ نفس کین است پس دیگر چه داری چشم زچشم دوستان دور یا نزدیک؟» و همین اکنون اشک در بر سرنای بی‌آزرم زمانه فشانان کشسانی می‌گویند «کو آن نفس که هرم زمانه بود و کو آنکه تاج سریر اهل دل و قبیله محبت بود به تمامی؟»

براستی در شقاوت و مهابت مرگ همین بس که پایش را در پیش آنان که به تمامی تجسم «عاشقانی که آبروی جهانند» هم غلاف نکرده به چیدن دراز می‌کند. در سوگ سیاوش از آتش گذشته سروشی نهیب دادم که «شکاریم یکسر همه پیش مرگ» و هر قصه را چه با غصه چه بی‌اب چشم نقطه پایانیست تا به روایت آتش بی‌دود نادر ابراهیمی «قصه‌ای نو

www.takbook.com

آغازیدن گیرد» و کدام قصه به این ترخاطری و طربناکی که خاطر حزین را هم به ترنم شعر تر اندازد؟ کو سیاوشی و کو گذشته از آتشی؟ هر چه هست آتش دل است و نهیب این لهیب‌های بی‌آزرم که «دل در آتش غم رخت...»

سیاوش سترک خراسان، آن حکیم ناآرام خفته در خراسان خیام را بسیار نکو می‌داشت و دل بر مهرش به تمامی داشت. می‌خواست «ره زین شب تاریک برون ببر» اما... گفت فسانه‌ای و در خاک شد و چه نیکو فسانه‌اش را به ردیف رج زد تا جز جان بازماندگان دلشده شود؟ راستی اعتبار این بلاد پیر امشب از خیام خواهی پرسید در پس پرده چه بود وچه دانست؟ قسم به گلچهره‌ات به خواب ما بیا...

و کتایون بانو خاتون دمان همیشه تا تنهایی و هیاهو تا تندیس هیچ به تمامی، آنکه به جان سیاوش از اتش سربلند را در بر مهر گرفت و گوهر جوانی را در پای مردی مرد ونه همچون میان مایگان همیشه جهان سرو پر کرد و چه نیکو توشه برد که شبی در بر شیر به عمری در کنام شغال....

تکمله این سرانگشتان لرزان باز آویختن به دامان سعدی از دست شده ی سینمای ایران علی جان حاتمیست که در جاودانه کارش مادر در دهان هنرپیشه نهاد تا در سوگ مادر سالمند بنالد «مادرا هر وقت بمیرن زوده.... و کاش می‌بود و باز به جوهر خودنویس سربلندش می‌نگاشت» سیاووشان ابروی جهانند، و نیستی! حیا کن که هنوز زود است.

www.takbook.com

□ ترور یا تئوری جنگل کاتین

www.takbook.com

www.takbook.com

اقدام به حذف جانی ناجوانمردانه‌ی دانشمند شهید محسن فخری‌زاده هنوز محل گفتگو و گداز بسیار است. و مردان بزرگ‌ایین شان به تداوم حضور و ردپا حتی سال‌ها پس از فداشدن جسم و جانشان در راه سرزمین و آرمان است. پرداختن به ابعاد عملیاتی-اطلاعاتی این پلیدترین اتفاق در وسع و صلاحیت این قلم نیست اما برخی مشابهت‌های تاریخی برآنم داشت تا از نگرگاهی نو به ترور آبسرد دماوند بپردازم.

اگر لاف و گزاف‌ها را فروبگزاریم نیکو می‌دانیم که در هر سرزمین و زمانه‌ای انسان‌های بزرگ به همت و وجود دانش میاندار راهبری ملت‌ها و از عوامل محوری برقرار ماندن در جهان پرهیاهو و حیله هستند. این که مردمانی برجسته‌ترین اعضای خود را به طرق مختلف از کف بدهند خود حکایت شهر بی‌دفاعی هستند که بی‌رزم و آزرم‌ایین بزرگی به کناری نهاده و سقوط خواهند کرد.

در بحبوحه جنگ عالمگیر دوم که جان و جهان انسان‌ها بی‌رحمانه در آتش می‌سوخت لهستان توسط شوروی و آلمان نازی مشترکا اشغال یا بهتر بگوییم «لوطی خور» شد. در اقدامی هولناک نزدیک به سه هزار تن از برجسته‌ترین شخصیت‌های نظامی –سیاسی-علمی لهستان دستگیر و ناپدید شدند و سالها بعد در گورهای جمعی در میانه ی مهیب و تاریک جنگل کاتین استخوان‌ها به خاک رفته آنها کشف شد. شوروری با استفاده از بدنامی نازی‌ها و قدرت تخریبی-تبلیغی چپ این جنایت را

www.takbook.com

به دامان آلوده‌ی نازی‌ها انداخت. بعدتر کشف شد که تمام آن افراد با شقاوت تمام توسط شوروی و به دستور مستقیم استالین مقتول و مقبور گردیدند. هدف از این اقدام تهی کردن لهستان از نیروهای تاثیرگزارش بود تا برای همیشه در تیول مسکو بماند و آنچه از ملت باقی مانده مشتی مواجب بگیر و میانه حال باشند که از فرط تباهی چراغی نیمسوز هم از استقلال و ملکداری نیفروزند. سال‌ها بعد لخ والسا رئیس جمهور وقت لهستان در پروازی به مقصد کاتین برای ادای احترام به همین جانباختگان در یک سانحه هوایی جان باخت.

باری اکنون به نظر می‌آید که محور دشمنان ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی موذیانه و با آلات فعل مختلف این تئوری کاتین را پی می‌گیرند. ترورهای نخستین دمان انقلاب که متفکری در آوازه شهید مطهری و رئوس قوای نظام نوپا را هدف گرفته بود و تا نظامی برجسته‌ای چون شهید قرنی هم پیش رفت خود گویای اهداف در پیش چشم بوده است. در سال‌های اخیر نیز از ترور دانشمندان برجسته و وطن دوست که اخیرترینش ترور شهید فخری زاده است تا اقدام به حذف سردارشهید قاسم سلیمانی از برجسته‌ترین چهره‌های خاورمیانه که به گواه خود رسانه‌های غربی تاثیر و اشتهارش در خاورمیانه قابل انکار و تردید نبود. این گزاره که راه ملت و کشور ادامه دارد و همیشه رویش جوانه‌ها داغ سرو را خواهد پوشانید البته با حقیقت نسبت وثیق دارد اما نمی‌توان انکار کرد که برخی چهره‌ها و توان‌ها یگانه‌اند و غنیمت و جای آنها به سختی قابل پرشدن است.

به نظر می‌آید از این نگرگاه باید تعریف جدیدی از این جنگ موذیانه ارائه داد تا در میدان و میان خواست بدخواهان این سرزمین

www.takbook.com

گرفتار نیاییم. گاه آتش مصنوعی نزاع‌های بی‌حاصل چنان بالا می‌رود که ترور شخصیت از بزرگان میدان‌های گوناگون به راحتی آب خوردن رخ می‌دهدو این خود می‌تواند بخشی از پازل تئوری جنگل کاتین باشد. دانشمند و نظامی و هنرومند و ادیب و سیاستمدار استخواندار همه ستون‌های این سرزمین و نگاهبانان مرز ساحت‌های گوناگون هستند.

باید به خاطر داشت که به خاک افتادن هر سروی، به گلوله خصم نشاندار یا تیرهای تهمت نهایت شرایط مساعد را برای رشد تصاعدی درختچه‌های کوتاه قامت و علفزاران بی‌حاصل فراهم می‌کند که در طوفان‌های مهیب و سیلاب‌های سهمگین هیچ توان و اراده‌ای برای صیانت ندارند.

www.takbook.com

در جهـان مجعد سیاسـت و اجتماع که هر صنم را هزار سـنان در کمین است نگاشتن از مقولاتـی چون سیاسـت و سـینما چون برداشـتن قطره‌ایی ممد حیـات از صحاری داغ موحش‌ترین بیابان‌هاسـت. باری مهر میهـن و آیین چون به اذهان جسـتجوگری کـه پـی گشـودن دری هسـتند مسـتولی می‌شـود هیچ پـروا و ابا را یاری ایسـتادن نیست.

ISBN:978-600-7119-79-2